

به نام خدا

چکیده ای از کتاب دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی(ره)



معاونت فرهنگی دانشگاه شاهد

مقدمه

دانشگاه در منظر شخصیتی چون امام خمینی(ره) از دو جهت جایگاهی ویژه می یابد. از یک سو امام، عالمی برجسته و فقیهی عارف و عامل و مسلط بر پهنه وسیعی از علوم و معارف حوزوی بود که نفس این وسعت دامنه توأم با عمق و اجتهاد نظر و رأی کمابیش بدیع در هر یک از آن زمینه ها، از اهتمام و اعتنای کم نظیر ایشان به کسب دانش و معارف حکایت می کند که به گونه ای فراتر از رسم متعارف حوزه های عصر خودشان، با وسعت نظر و سعه صدر لازم، از مشربهای مختلف عقل و نقل و شهود بهره گرفته است. طبعاً چنین شخصیتی با آن پشتوانه عظیم علمی که خود مولود درک صحیح از تأکیدات مکتب نجات بخش اسلام بر فریضه کسب علم است، به دانشگاه به عنوان جایگاه تعلیم و تعلم و کشف امور و آیات خلقت به مثابه تجلی گاه بُعدی از فطرت حقیقت جوی بشر می نگرد که چنانچه در مسیر درست هدایت شود می تواند نردبان صعودی وی در طی طریق رسالت «خليفة اللهی» باشد.

از طرف دیگر، امام رهبری بصیر و دوراندیش بود که افق نگاه نافذش به رسالت آینده انقلاب در هدایت و راهبرد جهان اسلام نظر داشت و در این چشم انداز، دانشگاه نقش و اعتباری کم نظیر برای تربیت متخصصان متعهدی دارد که بتوانند چهارچوب سیاستهای حاکم و ظالم جهانخواران را درهم شکنند و جسارت ایجاد داربستهایی بر محور کرامت انسانی را داشته باشند. او که به روشنی هر چه تمامتر به نقش عنصر «علم و آگاهی» در مناسبات فعلی و جهان آینده وقوف داشت به اهمیت دانشگاه در دستیابی به این ابزار حیات و رمز حضور موفق در نبرد سرنوشت ملت ها واقف بود و به همین دلیل در بحبوحه گرفتاری ها و در شرایطی که بحران و مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی به اوج رسیده و بخش وسیعی از شهرها و موقعیت های حساس کشور در معرض بمباران و پرتاب موشکهای کینه جیهه متحد استکبار جهانی قرار گرفته بود، با دوراندیشی و آرامش و

طمأنینه می فرمود: «جنگ چیز مهمی نیست، حل می شود... اما مسأله دانشگاه یک مسأله العاده است که این افرادی که از دانشگاه درمی آیند یا مخرب یک کشوری هستند یا سازنده آن» (۱).

علاوه بر این، امام شاهد و ناظر تیزبینی بود که با نگرانی بسیار، سالها سلطه استعمار و ایادی دست نشانده اش را بر دانشگاههای کشور نظاره کرده و نتیجه این سلطه را مکرر گوشزد نموده بود.

از یک طرف، دانشگاهها از نظر تخصصی و علمی آنچنان بی کفایت بودند که غالباً در بسیاری از زمینه های علمی، کشور همچنان محتاج بیگانگان بود و امام نشانه این بی کفایتی علمی یا عدم باور به کفایت آن را در رجوع خانواده سلطنتی و مقامات عالیرتبه نظام شاهنشاهی برای درمان ابتدایی ترین بیماریها و جراحیها به مراکز درمانی خارج مثال می زد و از سوی دیگر به محصول و تربیت شدگان و پرورش یافتگان نظام دانشگاهی کشور نظر داشت که امثال هویداها و شریف امامی ها را تحویل جامعه داده بود که از هیچ خدمتی به اجانب فروگذار نکرده، همچون نوکری حلقه به گوش اطاعت فردی را می کردند که خود مطیع بی اراده اربابان خارجی بود. امام با تلخی هر چه تمامتر از روندی یاد می کرد که استعمار از طریق سلطه بر مراکز تعلیم و تربیت و نظام علمی کشور، با دست و تدبیر این تحصیلکرده های خودفروخته، به غارت سرمایه های مادی و معنوی ما می پرداخت، و بندهای اسارت ملی با سر پنجه این پرورش یافتگان نظام دانشگاهی وابسته، تنیده می شد.

طبعاً امام با آن خصوصیات و با اطلاع از چنین مطامعی، که توأم با دسیسه های گوناگون خناسان، منجر به جدایی و تفکیک همه جانبه دانشگاه از سنت علمی و فرهنگی ریشه دار حوزوی شده بود، در مسند رهبری و مدیریت این انقلاب که در درجه اول یک انقلاب فرهنگی به حساب می آمد، نمی توانست نسبت به دانشگاه کم اعتنا بماند.

بر این اساس علاوه بر عنایت و توجه مستمری که در فرآیند مبارزات قبل از انقلاب نسبت به قشر دانشگاهی و نسل متدین اما معدود اساتید و دانشجویان آن سالها از خود نشان می دادند، از فردای پیروزی انقلاب، نظام تعلیم و تربیت کشور و بویژه آموزش عالی آن، کانون توجه رهبری انقلاب قرار گرفت و از هر فرصت برای تحول و بازسازی این مرکز مهم انسان سازی استفاده شد. ماهها و حتی سال های اول انقلاب، به دلیل حضور و نفوذ جریان های فکری چپ و نیز تداوم فرهنگ گذشته، بخش مهمی از توجه امام مصروف مقابله با توطئه ها و هشدارها نسبت به اقدامات این عوامل می شد؛ اما مسأله تحول در نظام فرهنگی و علمی کشور موضوعی نبود که از نظر ایشان دور بماند. بارزترین نمود این توجه چهارده ماه پس از پیروزی انقلاب در پیام نوروزی سال ۱۳۵۹ ظاهر شد که طی آن فرمودند: «باید انقلابی اساسی در تمام دانشگاه های سراسر ایران به وجود آید» (۲). این اشاره، نقطه شروع و انگیزه حرکتی شد که فرزندان و پیروان راستین امام در دانشگاه ها آغاز کردند و تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» نقطه عطفی در جهت حاکمیت و حضور و نفوذ فرهنگ اسلامی انقلاب

در دانشگاه‌ها به حساب آمد. صرف نظر از پاره‌ای تلاش‌های عناصر لیبرال حاضر در مسند قدرت، وقت برای انحراف این حرکت، در حقیقت پس از این رخداد است که نفوذ رسمی جریانهای فرهنگی ضد انقلاب در محیط دانشگاهی، به شدت کمرنگ می‌شود و «مسأله اسلامی شدن دانشگاه‌ها» در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی و دست اندرکاران و مدافعان انقلاب فرهنگی قرار می‌گیرد و آزمون‌های سخت برای طیفهای حاضر در صحنه نظام دانشگاهی کشور برپا می‌شود.

طبعاً بخش متنابهی از پرورش یافتگان و هواداران فرهنگ غیراسلامی گذشته نمی‌توانند خود را با این حرکت همسو کنند و اردوگاه کیفی وفاداران به ارزشها و اهداف اصیل انقلاب و رهبری، با فرار مغزهای خودباخته مواجه می‌شود. صرف نظر از پاره‌ای افراط و تفریط‌ها، و نیز معدود افراد فرصت طلب، موضع افراد و عناصر دانشگاهی در آن جریان، آینه تمام‌نمایی است که سره را از ناسره باز شناخت و محک ارزشمندی برای تشخیص هویت افراد فراهم آورد.

انقلاب فرهنگی مورد نظر امام با برداشت‌ها و تفسیرهای متنوعی مواجه شد که بخش عمده برداشت‌های ناصواب، مربوط به معاندینی بود که بر اثر زمینه‌های فرهنگی و تربیتی گذشته خویش یا به نحو شیطنت‌آمیز قصد داشتند تصویری انحرافی از آن ارائه نمایند و امام(ره) در مناسبت‌های مختلف کوشیدند تا ضمن افشای این جلوه‌های دروغین، ویژگیهای دانشگاه اسلامی مورد نظر را تشریح نمایند که جزئیات آن مواضع در فصول مختلف این مجموعه بویژه فصل چهارم آمده است.

اگر بخواهیم رؤس این ویژگیها را برشماریم به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

دانشگاه اسلامی، در درجه اول مأمور به تربیت انسان الهی است و این رسالت بدون تأکید بر بُعد تزکیه نفسانی محقق نمی‌شود. بر این اساس، خداباوری و خداترسی، اصل مقومی است که باید به وضوح در محصولات نظام دانشگاهی جلوه کند و سلامت اخلاقی و اعتقادی اساتید و حاکمیت فرهنگ معنوی بر فضای عمومی دانشگاه از لوازم اجتناب‌ناپذیری است که برای تحقق این امر مورد تأکید قرار گرفته است.

خودباوری و خوداتکایی علمی و فرهنگی از لوازم اساسی تحقق استقلال جامعه اسلامی است و دانشگاه در تأمین آن نقش اصلی را به عهده دارد. بر این اساس تأکید بر وجه معنوی و اعتقادی دانشگاه که در بند فوق بدان اشارت رفت به هیچ وجه نمی‌تواند عامل یا بهانه‌ای برای تسامح و تساهل در قدرت علمی و ژرفای پژوهش دانشگاه باشد. کوشش برای انطباق هر چه بیشتر مناسبت‌های علمی و پژوهشی دانشگاه با نیازهای واقعی حال و آینده جامعه اسلامی و گسترش پهنه آن به همه سطوح و حوزه معارف و دانشهای مورد نیاز و بویژه تعمیق آن تا عالیترین سطوح تحصیلی در داخل کشور و پرهیز اکید از اتکا به سیاستهای اعزام دانشجویان به خارج بویژه به کشورهای که قصد سلطه و تحکم بر ما را دارند از بارزترین نمودهای مواضع امام در این زمینه

است. بلند همتی و آینده نگری امام در این عرصه تا بدانجاست که پذیرش دانشجو از سراسر کشورهای اسلامی و تربیت کادرهای متعهد برای تحقق رسالت جهانی انقلاب را خاطر نشان می سازند.

تعهد اجتماعی و مسئولیت سیاسی دانشگاه و دانشگاهیان از دیگر وجوه مورد عنایت مؤکد حضرت امام است.

امام از دانشگاهیان انتظار دارند همچون ناظری بصیر و آگاه، هوشمندانه و متعهدانه عملکردها و تصمیم گیریها را مدنظر داشته و با نقادی دلسوزانه خطا و لغزش احتمالی را گوشزد نمایند و همچون مشاوران و کارشناسانی امین، مساعدت خویش را از دست اندرکاران و مجریان امور دریغ ندارند. همچنین در رخدادهای مراحل حساس و تعیین کننده ای همچون انتخابات، همراه با دیگر بازوان فکری جامعه، با ارائه ملاکها و معیارها مردم را برای مشارکت و حضور مؤثر در سرنوشت خویش مدد رسانند و در جهت گیریها و خلق بسترهای اجتماعی فرهنگی تسهیل کننده راه تحکیم مقاومت ملی و انقلابی در برابر جهانخواران، امت اسلام را حامی و هادی باشند و به مدد قدرت فنی و دانش خویش در تشخیص و افشای ترفندهای دشمنان، لحظه ای درنگ به خود راه ندهند.

به عنوان شرط و ابزار تحقق اهداف فوق، وحدت و همسویی حوزه و دانشگاه را از رسالت های اجتناب ناپذیر این دو مرکز فکری برمی شمارد و لوازم و موانع آن را گوشزد می نماید. از آن جمله، به فنی ترین مباحث نظری و ظرایف روشی توجه داشته و می فرماید: «فرهنگ دانشگاهها و مراکز غیرحوزه ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیتها بیشتر عادت کرده است، تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله ها، حوزه و دانشگاه درهم ذوب شوند، تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع تر گردد» (۳) علاوه بر توجه به این ظرایف و ملاحظات درونی، تمایل و توطئه دیرینه و ریشه دار خناسان و عوامل بیگانه را بسیار جدی گرفته، به طرفین خاطرنشان می سازد که در هر موقعیت و موضوعی که محتمل است تقابل یا دوگانگی احساس شود، مراقب دشمن باشند و رد پای آن را جستجو کنند.

در مجموع می توان گفت، اصلی ترین محور پیونددهنده حوزه و دانشگاه در مشرب امام، فرهنگ اسلام ناب محمدی است که تبعیت و تأکید هریک از این دو جریان بر مشخصه های آن سبب تألیف قلوب و جلب طرف دیگر می شود؛ و جدایی و انحراف از آن اعم از رویکردهای متحجرانه ای که ممکن است به نام اسلام از سوی پاره ای مدعیان اسلام مطرح شود، یا دیدگاه های التقاطی و غرب باورانه ای که از سوی مدعیان به اصطلاح تفکر علمی مطرح شود، به جدایی و سوءظن های نامیمون گذشته دامن خواهد زد؛ لذا وقوف و آگاهی کامل و التزام عملی به شاخصه های اسلام ناب، ضامن تقویت و تحکیم این وحدت است و اکنون که سال ها از طرح موضوع اسلامی شدن دانشگاه ها می گذرد موفقیت ها و ناکامی ها را در پرتو این شاخص می توان ارزیابی کرد.

در کنار مجموعه ملاحظات ایجابی فوق، امام از نظر سلبی نیز به مسائلی اشاره دارند که ممکن است از طرف دوستان جاهل یا بدخواهان مغلظه گر مطرح شده باشد. ایشان صریحاً می فرمایند که منظورشان از دانشگاه اسلامی، حصر دانشگاه به رشته ها و معارف معمولی دینی حوزه ها نیست و اساساً طرح این موضوع را یک مغلظه می دانند آنجا که می فرمایند: «آن این نیست که دانشگاه ما نباید علم و صنعتی تحصیل کند، بلکه باید فقط همین آداب صلوة را به جا بیاورد! این یک مغالطه ای است که تا صحبت «دانشگاه اسلامی» می شود و اینکه باید انقلاب فرهنگی پیدا بشود، فریاد می زنند آنهایی که می خواهند ما را به طرف شرق و عمدتاً، به طرف غرب بکشانند، که اینها با تخصص مخالفند، با علم مخالفند. خیر، ما با تخصص مخالف نیستیم؛ با علم مخالف نیستیم؛ با نوکری اجانب مخالفیم. ما می گوئیم که تخصصی که ما را به دامن امریکا بکشد یا انگلستان یا به دامن شوروی بکشد یا چین، این تخصص، تخصص مهلک است، نه تخصص سازنده. ما می خواهیم متخصصینی در دانشگاه تربیت بشوند که برای ملت خودشان باشند».(۴)

همچنین امام با برداشت های سطحی و متحجرانه ای که ممکن است به نام دفاع از اسلام و روحانیت نیز مطرح شود برخورد نموده، بعضی از این قبیل موارد را توطئه های بسیار خطرناک نامیده اند. در سالهای اولیه انقلاب فرهنگی امام با اقداماتی که در بعضی دانشگاهها برای تفکیک جنسی یا پرده کشی در کلاسها صورت گرفته بود مخالفت کرده مانع از اجرای آن طرحها شدند.(۵) همچنین با ایده هایی که به عنوان دفاع از روحانیت، مدعی حق انحصاری روحانیت برای شرکت در فعالیت های سیاسی شده بود، به شدت برخورد نمودند تا آنجا که می فرمایند:

«از قراری که من شنیده ام در دانشگاه بعضی از اشخاص رفته اند گفته اند که دخالت در انتخابات، دخالت در سیاست است و این حق مجتهدین است. تا حالا می گفتند که مجتهدین در سیاست نباید دخالت بکنند، این منافی با حق مجتهدین است، آنجا شکست خورده اند حالا عکسش را دارند می گویند. این هم روی همین زمینه است، اینکه می گویند انتخابات از امور سیاسی است و امور سیاسی هم حق مجتهدین است هر دویش غلط است. ... این یک توطئه ای است که می خواهند همان طوری که در صدها سال توطئه شان این بود که باید روحانیون و مذهب از سیاست جدا باشد و استفاده های زیاد کردند و ما ضررهای زیاد از این بردیم، الآن هم گرفتار ضررهای او هستیم. حالا دیدند آن شکست خورد، یک نقشه دیگر کشیدند، و آن این است که انتخابات حق مجتهدین است، انتخابات یا دخالت در سیاست حق مجتهدین است. دانشگاهی ها بدانند این را که همان طوری که یک مجتهد در سرنوشت خودش باید دخالت کند، یک دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند. فرق مابین دانشگاهی و دانشجو و مثلاً مدرسه ای و اینها نیست، همه شان با هم هستند. اینکه در دانشگاه رفتند و یک همچو مطلبی را گفتند، این یک توطئه ای است برای اینکه شما جوان ها را مأیوس کنند.

... این از آن توطئه سابق بدتر است برای ایران. برای اینکه، آن یک عده از علما را کنار می گذاشت، منتها به واسطه آنها هم یک قشر زیادی کنار گذاشته می شوند، این تمام ملت را می خواهد کنار بگذارد. یعنی نه اینکه این می خواهد مجتهد را داخل کند، این می خواهد مجتهد را با دست همین ملت از بین ببرد. باید دانشگاهیها متوجه باشند که اگر چنانچه افرادی در دانشگاه هستند که شیطنت دارند می کنند، اینها را باید توجه کنند که گول اینها را نخورند» (۶)

در تنظیم این مجموعه کوشیده ایم:

۱. عبارت ها را با توجه به پیام صریح و اصلی آنها ذیل نزدیکترین عنوان انتخابی بیاوریم و از تکرار آنها در سایر عناوین خودداری کنیم، به همین دلیل در بسیاری از موارد، ممکن است مطلبی که ذیل یک عنوان خاص آمده است حاوی پیامی مربوط به عنوان دیگر نیز باشد که به استثنای موارد معدود، در عنوان بعدی تکرار نشده است. لذا محققین محترم برای احصای نقطه نظرات حضرت امام در خصوص هر عنوان، نمی توانند به موارد ذکر شده ذیل همان عنوان اکتفا نمایند بلکه مراجعه به سایر عناوین این مجموعه اجتناب ناپذیر است.

۲. علاوه بر انتخاب عناوین و سرفصل های مطالب این کتاب، برای هر یک از قطعات منتخب نیز جمله یا عنوانی در نظر گرفته شده است که عبارت آن لزوماً عین عبارت حضرت امام نیست، هر چند کوشش شده است به تعبیر امام نزدیک باشد، لذا خوانندگان و محققان محترم باید توجه داشته باشند که عناوین هریک از قطعات منتخب که با حروف سیاه نگاشته شده است از تنظیم کنندگان این مجموعه می باشد و نباید به حضرت امام منتسب گردد.

۳. در تنظیم قطعات منتخب داخلی هریک از فصول و عناوین فرعی، ترتیب و توالی تاریخی صدور آنها از طرف حضرت امام ملاک بوده است، نه توالی منطقی مطالب.

۴. تاریخ صدور پیام ها و سخنرانی های حضرت امام مأخوذ از مجموعه «صحیفه امام» در ذیل هر قطعه ذکر شده و مشخصات کامل مأخذ براساس شماره مسلسل ذکر شده در پایان هر قطعه در انتهای کتاب آورده شده است.

در پایان لازم می دانیم از کلیه افرادی که ما را در تهیه این مجموعه یاری داده اند خصوصاً از برادران ارجمند جناب آقای دکتر حسنعلی احمدی فشارکی که زحمت تدوین مجموعه را متقبل شده اند و نیز جناب آقای دکتر محمدرضا طالبان که در ویراستاری آن قبول زحمت کرده اند تشکر نماییم. از خداوند متعال خواهانیم امام راحل، این مصلح بی بدیل عصر و کسی که به چیزی جز استقلال و اعتلای فرهنگی این جامعه نمی اندیشید را در جوار انبیا و اولیا و صلحای خود مسکن دهد و به کلیه کسانی که در راه رشد و تعالی فرهنگ و تربیت جوانان این مملکت تلاش می کنند، توفیق بهره وری هر چه بهتر و بیشتر از هدایتها و ارشادات آن

رادمرد صادق عطا فرماید؛ و انقلاب اسلامی ایران این یادگار آن عزیز سفر کرده و حاصل تلاش و کوشش همه اولیای الهی را به انقلاب بزرگ مهدی موعود(عج) متصل بفرماید.

۱. ((صحیفه امام؛ ج ۱۹، ص ۴۴۳.
۲. ((همان؛ ج ۱۲، ص ۲۰۷.
۳. ((صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۹۹.
۴. ((همان؛ ج ۱۴، ص ۳۵۹.
۵. ((پابه پای آفتاب؛ ج ۱، ص ۱۷۸، خاطرات خانم فاطمه طباطبایی عروس امام.
۶. ((صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص ۳۶۷ - ۳۶۸.

فصل اول:

ارزش علم

هدف از تعلیم و تربیت

تشویق به علم

علم و ایمان، تخصص و تعهد

هدف از تعلیم و تربیت (۱)

دعوت الهی

انبیا آمدند، از اول هر نبی ای آمده است تا آخر، فقط شغلش این بوده که انسان درست بکند، تربیت کند انسانها را. شغل معلمی همان شغل انبیا است. پیغمبر اکرم معلم همه بشر است، و بعد از او حضرت امیر - سلام الله علیه - باز معلم همه بشر است. آنها معلم همه بشر هستند، شما معلم یک عده از بشر. شغل همان شغل است؛ یعنی شعبه همان است؛ کار، یک کار است؛ آنها در یک محیط وسیعتر، و ما در یک محیط کوچکتر. بنابراین، این شغل شما [نیز] یک شغل بسیار شریفی است؛ لکن مسئولیتش هم بسیار زیاد است؛ چنانکه مسئولیت انبیا بسیار زیاد بود. انبیا به همان مقدار که برای آدمسازی آمده بودند مسئولیتشان زیاد بود. منتها آنها مسئولیتشان را به انجام رساندند، کارهایی که به آنها محول بود به انجام رساندند. شما شغلتان بسیار شریف است و همان شغل انبیا است؛ مسئولیتتان هم همان مسئولیت است.

۵۸ / ۳ / ۲۱

* * *

دعوت به توحید

آن معنایی که از علوم دانشگاه ها ما می خواهیم و آن معنایی که از علوم مدارس قدیمه ما می خواهیم، همین معنا نیست که در سطح ظاهر الآن هست. و متفکرین ما همان سطح ظاهر را دارند در آن [کار] می کنند و بسیار هم ارجمند است کارهایشان؛ لکن آنکه اسلام می خواهد این نیست.

آنی که اسلام می خواهد تمام علوم، چه علوم طبیعی باشد و چه علوم غیرطبیعی باشد، آنکه از آن اسلام می خواهد، آن مقصدی که اسلام دارد، این است که تمام اینها مهار بشود به علوم الهی و برگشت به توحید بکند. هر علمی جنبه الوهیت در آن باشد، یعنی انسان طبیعت را که می بیند خدا را در آن ببیند، ماده را که می بیند خدا را در آن ببیند، سایر موجودات را که مشاهده بکند خدا را در آن ببیند. آنکه اسلام برای آن آمده است: برای برگرداندن تمام موجودات طبیعی به الهیت و تمام علوم طبیعی به علم الهی. و از دانشگاهها هم این معنا مطلوب است. نه اینکه خود طب را - البته طب هم باید باشد، علوم طبیعی هم همه باید باشد، معالجات بدنی هم باید باشد - لکن مهم آن مرکز ثقل است که مرکز توحید است. تمام اینها باید برگردد به آن جهت الوهیت.

۵۸ / ۴ / ۱۳

* * *

هدایت مردم

سرّ بعثت رسول اکرم تزکیه امت است و تعلیم و تربیت امت. آن هم تعلیم تمام قشرهای تعلیم که کتاب و حکمت تمام قشرهای تعلیمات را واجد است. بعد از آنکه تعلیم و تربیت را ذکر کرده است، ذکر علمای سوء را می فرماید: آنهایی که علم را آموخته اند لکن عمل به آن علم نمی کنند و با بدترین وجه از آنها اسم برده است: مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا (۲) مَثَل آنها که عالم شده اند لکن علم در آنها اثر خودش را نگذاشته است مَثَل الاغی می ماند که بارش کتاب باشد! وقتی که علم در انسان تأثیر نکند و انسان را انسان نکند، این حمل کتاب، چه در سینه ها باشد و چه در پشت باشد! مَثَل اینها، مَثَل آن اشخاصی هست که، مَثَل حیوانی هست، مَثَل الاغی هست، که کتاب به دوش او باشد: همان طور که کتاب برای آن حیوان هیچ فایده ندارد، این علمی که دنبالش تعهد نباشد، دنبالش عمل نباشد، دنبالش رشد فکری نباشد، دنبالش هدایت مردم نباشد، این نظیر همان است که به دوشش کتاب باشد، بلکه به دوش یک حیوان و یک الاغ کتاب باشد.

۵۸ / ۶ / ۲

* * *

آدم سازی

با شغل دانشگاهی و روحانی اگر چنانچه به شرایط عمل بشود، انسان درست می شود. این است که این شغل، شغل انبیا بوده است. تمام انبیا برای آدم درست کردن آمدند؛ و قرآن کتاب آدم سازی است.

۵۸ / ۳ / ۳

* * *

توجه به خدا

باید بشر به فکر این باشد که آن چیزهایی که مقصد است و برای تربیت انسان است، برای آموزش انسان است، برای تعلیم انسان است، جهت به آن بدهد. چنانچه دانشگاهها جهت به آن داده نشود، همان دانشگاههایی می شود که در بین بشر هست، و از همان دانشگاهها قوای مخربه بیرون می آید. و اگر جهت به آن داده بشود، دانشگاه ها کاری می کنند که مسلسل ها نمی تواند بکند. خدمتی می توانند به بشر بکنند که هیچ کس دیگر نمی تواند اینقدر خدمت بکند. عمده آن جهتی که طرف آن جهت رفته می شود. و قرآن این را فرموده است: إِفْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۳) قرائت کن نه قرائت مطلق. بیاموز، نه آموزش مطلق. علم تحصیل کن، نه علم مطلق و تحصیل مطلق؛ علم جهت دار، آموزش جهت دار. جهت، اسم ربّ است، توجه به خداست، برای خدا و

برای خلق خدا. قلم ها اگر در دنیا برای خدا و برای خلق خدا به کار بیفتند مسلسل ها کنار می رود. و اگر برای خدا و برای خلق خدا نباشد، مسلسل ساز می شود. ابزار کوبندهٔ انسان با دست قلمدارها و دست علمایی که در همهٔ دانشگاهها هستند، با دست آنها وجود پیدا کرده است. و همهٔ ترقیات بشر هم با دست علما و بیان و قلم علما وجود پیدا کرده است. کوشش کنید که در این آموزشی که به مردم می دهید جهت دار باشد.

۵۹ / ۱۰ / ۶

* * *

تزکیه، هدف اصلی

مسأله تربیت بالاتر از تعلیم است. در آن آیهٔ شریفه هم تلاوت آیات قرآن را؛ یعنی رساندن آن تعلیماتی که در راه تربیت و تعلیم است، بعد از اینکه این را می فرماید، بعد ویزگیهم را می فرماید. از این ممکن است استفاده بشود که مسألهٔ تزکیه و مسألهٔ تزکیهٔ نفس اهمیتش بیشتر از مسألهٔ تعلیم کتاب و حکمت است، مقدمه از برای این است که کتاب و حکمت در نفس انسان واقع بشود. اگر تزکیه بشود انسان، تربیت بشود و به تربیتهایی که انبیا - علیهم السلام - برای بشر هدیه آوردند، بعد از تزکیه کتاب و حکمت هم در او به معنای حقیقی خودش، در نفس انسان نقش می بندد و انسان به کمال مطلوب می رسد. و لهذا بعد از یک آیهٔ دیگر می فرماید که: مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْبَةَ ثُمَّ لَمْ يُحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا (۴) می خواهد بفرماید که علم تنها فایده ندارد. علمی که تربیت در او نباشد، تزکیه در او نباشد، این علم فایده ندارد. همان طوری که اگر الاغ و حمار، چنانچه الاغ به بار او کتاب باشد، هر کتابی باشد، کتاب توحید باشد، کتاب فقه باشد، کتاب انسانشناسی باشد، هر چه باشد، در بار او باشد و به دوش او باشد، چطور فایده ندارد و آن حمار از او استفاده نمی کند؛ آنهایی هم که انبار علم در باطنشان هست و باطنشان تمام علوم را فرض کنید، تمام صناعات را، تمام تخصصات را داشته باشند، لکن تربیت و تزکیه نشده باشند، آنها هم آن علومشان برای آنها فایده ندارد، بلکه بسیاری از اوقات مضر است. بسیاری از اوقات هست که آن کسی که عالم است، آن کسی که همه چیز را می داند لکن تزکیه نشده است، تصفیه نشده است، تربیت الهی نشده است، آن علمش وسیله است از برای اینکه بشر را به تباهی بکشد. چه بسا عالمانی که برای بشر تباهی هدیه می آوردند. آنها از جهال بدتر هستند و چه بسا متخصصانی که برای بشر هلاکت ایجاد می کنند، تباهی ایجاد می کنند. آنها از مردم عامی بدتر هستند. ضررشان بیشتر است. همان است که قرآن فرمود که: كَمَثَلِ الْجِمَارِ و از آن هم بالاتر اینکه موجب صدمه به دیگران می شود.

۵۹ / ۱۰ / ۱۸

* * *

تکمیل مکارم اخلاق

برای مکارم اخلاق همه انبیا آمدند؛ بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. (۵) برای تقوا و آدم سازی آمدند انبیا... و اساتید دانشگاه و اساتید حوزه ها هم به این خاصه باید اهمیت خاص بدهند که اگر علم تنهای بی تقوا باشد، ولو علم توحید باشد، ولو علم ادیان باشد، در آن عالم ارزش ندارد. علم تنها اگر ضررش بر ملتها و بر اسلام بالاتر از نفعش نباشد - که هست - باید گفت که بی تقوا می تواند که یک کشوری را، یک انسانهایی را به باد فنا بدهد. و آن کسی که عالمتر است بهتر می تواند که مردم را فاسد کند. پس باید که همراه این آموزش، آموزش تقوا هم باشد. از بچه ها اگر هستند، بچه ها را آموزش تقوا [بدهید] به اندازه فهمشان و بزرگترها را هم همین طور. و بزرگترها گمان نکنند دیگر احتیاج ندارند یا اینکه وقت گذشته است؛ وقت نمی گذرد. انسان در هر حال، اگر یک چیزی را بداند بهتر از ندانستن است.

۶۱ / ۱۰ / ۵

* * *

۱. لازم به توضیح می باشد که بحث «اصول و اهداف تعلیم و تربیت» در یک مجموعه مستقل دیگر تهیه و تنظیم گردیده است، لذا در اینجا صرفاً به چند فراز خاص اشاره می شود.
۲. «وصف حال آنان که تحمل (علم) تورات کردند و خلاف آن عمل نمودند در مثل به حماری می ماند که بار کتابها بر پشت کشد»؛ (جمعه / ۵).
۳. «قرآن را به نام پروردگارت که آفریننده جهان است قرائت کن»؛ (علق / ۱).
۴. «صفحه ۵، پاورقی ۱».
۵. «برانگیخته شدم تا منشهای نیک را کامل گردانم»؛ مجمع البیان؛ ذیل تفسیر آیه ۴ سوره قلم.

تشویق به علم

مجهز شدن به سلاح علم

باید چه طبقه جوان روحانی و چه دانشگاهی، با کمال جدیت به تحصیل علم، هر یک در محیط خود ادامه دهند. این زمزمه بسیار ناراحت کننده که اخیراً بین بعضی جوانان شایع شده که درس خواندن چه فایده ای دارد، مطلبی است انحرافی و مطمئناً یا از روی جهالت و بیخبری است و یا با سوءنیت و از القائات طاغوتی شیطانی است که می خواهند طلاب علوم دینی را از علوم اسلامی باز دارند که احکام اسلام به طاق نسیان سپرده شود و محو آثار دیانت به دست خودمان تحقق پیدا کند، و جوانان دانشگاهی ما را انگل و متکی به قشرهای استعماری بار بیاورند که همه کس چون همه چیز وارداتی باشد و احتیاج به اجنبی در تمام ابعاد و رشته های علمی هر چه بیشتر روزافزون شود؛ و این خطر بزرگی است که کشور را هر چه بیشتر به عقب می راند. اگر علوم اسلامی مردانی متخصص نداشت، تا کنون آثار دیانت محو شده بود؛ و اگر پس از این نداشته باشد، این سد عظیم مقابل اجانب منهدم می شود و راه برای استثمارگران هر چه بیشتر باز می شود و اگر دانشگاهها خالی از مردانی دانشمند و متخصص شوند، اجانب منفعت طلب چون سرطان در تمام کشور ریشه دوانده و زمام امور اقتصادی و علمی ما را در دست می گیرند و سرپرستی می کنند. باید جوانان با این فکر غلط استثماری مبارزه کنند؛ و بهترین و مؤثرترین مبارزه با اجنبی، مجهز شدن به سلاح علم دین و دنیاست. و خالی کردن این سنگر و دعوت به خلع این سلاح، خیانت به اسلام و مملکت اسلامی است.

۵۶ / ۱۱ / ۲۴

* * *

قرآن، مشوق تحصیل

حکومت اسلامی اگر چنانچه تأسیس بشود نمی خواهد که آثار تمدن را از بین ببرد، با دانشگاه مخالف نیست، با علم مخالف نیست. قرآن پُر این است که تفسیر، تأویل علم را از آن تعریف می کند و - عرض می کنم که - احادیث ما از علم آنقدر تعریف می کنند، از عالم آنقدر تعریف می کنند، آن وقت ما بگوییم که با علم مخالفند! خیر، با این نحو علمی که شما دارید ما مخالفیم؛ با این نحو تربیت و تعلیمی که شماها می خواهید ما را تربیت کنید، با این ما مخالفیم؛ با آن مظاهر تمدن که بچه های ما را فاسد می کند، بچه های ما را عقب مانده نگه می دارد، ما با آن مخالفیم؛ نه اینکه ما مخالفیم با اصل تمدن و می خواهیم مردم را برگردانیم به زمان کذا.

۵۷ / ۱۰ / ۱

* * *

تحصیل علم در کمال جدیت

فرزندان عزیزم! دیگر این شما باید هرچه بیشتر کوشش کنید تا نهال آزادی و استقلال کشور را آبیاری کنید. فردای شما فردای دشواری است که اگر مجهز به علم و تقوا و شعور انقلابی - اسلامی شدید، پیروزی تان حتمی است، و اگر خدای نکرده در این مرحله کوتاهی کنید مسئولیت آن به عهده خود شماست. هرگز اجازه ندهید که عده ای معدود، چون گذشته تلخ روزهای استبداد، بر شما حکومت کنند. اصل دموکراسی اسلامی را فراموش نکنید... اکنون خوشوقتم که شرایط به سود ملت ستمدیده ما دگرگون شده است و همین مسئولیت و تعهدی که در ماههای گذشته ایجاب می کرد تا دست به اعتصابات و تظاهرات بزنید امروز ایجاب می کند تا کار تحصیلی خود را با کمال جدیت و در محیطی آرام از سر بگیرید.

۵۷ / ۱۱ / ۳۰

* * *

صرف جوانی در راه علم

جوانها قدر جوانیشان را بدانند که صرف کنند در علم و در تقوا و در سازندگی خودشان که اشخاص امین صالح بشوند که مملکت با اشخاص امین صالح می تواند مستقل باشد. همه این پیوستگیهایی که ما به خارج پیدا کردیم دنبال این بود که ما رجال صالح نداشتیم. آن وقت اگر رجال صالحی بودند، کنار بودند؛ کنار گذاشته بودند. آنهایی که در میدان بودند رجال صالح نبودند، دانشمند هم بودند، اما رجال صالح نبودند، به درد مملکت نمی خوردند! و آنها بودند که ما را پیوسته به خارج کردند و سالهای طولانی مملکت ما در حلقوم خارجیها منافعش فرو رفت؛ و به ما آن کردند که الآن می بینید که هیچ نداریم. شماها ذخیره این مملکت هستید، جوانید، دانشجو هستید، ذخیره این مملکت هستید، طوری بکنید که این ذخیره ها برای مملکتان مفید واقع بشود و خودتان را اصلاح بکنید تا ان شاءالله یک انسانهای متعهد صحیح العمل امین؛ کشورتان دست خودتان و خودتان اداره اش بکنید. آدم امین را هیچ کس نمی تواند مُوجش کند. اشخاصی که اعوجاج دارند اینها امانت ندارند؛ اینها صلاحیت ندارند.

۵۸ / ۴ / ۱۷

* * *

کوشش در راه علم

باید کوشش در راه علم و به دست آوردن تخصص در رشته های مختلفه اساس فعالیت دانشجویان عزیز باشد؛ که نیازمندیهای میهن به دست خود آنها برآورده و کشور ما با کوشش شما خودکفا شود. مع الأسف در دوران

گذشته اساس بر آن بود که ما را در هر چیز وابسته کنند؛ و با ملت ما آن کنند که دستش برای هر چیز پیش دیگران دراز باشد. شما عزیزان کوشش کنید که از این وابستگی بیرون آید و احتیاجات کشور خودتان را برآورد. و از نیروی انسانی و ایمانی خودتان غافل نباشید، و از اتکال به اجانب بپرهیزید؛ و استقلال خود را در تمام ابعاد بیمه کنید. و از هیاهوی غرب و غربزدگان نهراسید که خداوند متعال با شماست.

۵۸ / ۶ / ۳۱

* * *

کسب علم، همه جا و همیشه

معلم و دانشجو محصور به معلمهای دانشگاهها یا دبیرستانها یا سایر جاها نیست و دانشجو هم محصور نیست به همانهایی که دانشگاه می روند. عالم یک دانشگاهی است و انبیا و اولیا و تربیت شده های آنها معلم هستند و سایر بشر دانشجو و باید دانشجو باشند. عالم باید، تمام دنیا باید دو طبقه داشته باشد: یک طبقه معلم و استاد و یک طبقه دانشجو و متعلم. وظیفه معلم هدایت جامعه است به سوی الله و وظیفه دانشجو تعلم.

۵۹ / ۶ / ۶

* * *

علم، عبادت بزرگ

خدای تبارک و تعالی علم را یکی از عبادات بزرگ قرار داده است چنانچه جهت داشته باشد. جهت هم همان است که *إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ*. در هیچ ملتی مثل ملت اسلام از علم توصیف نکرده است. قرآن کریم در جاهای زیاد از علم و از عالم و توجه به علم توصیف فرموده است... *طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ* [1] خدای تبارک و تعالی به وسیله نبی اکرم فرموده است بنابراین حدیث، که طلب علم فریضه است. و در بعضی از روایات *فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ* برای همه زنها و مردها فریضه است. با علم است که انسان می تواند تأمین سعادت دنیا و آخرت را بکند. با آموزش است که انسان می تواند تربیت کند جوانها را به طوری که مصالح دنیا و آخرت خودشان را خودشان حفظ کنند. اگر کشور ما علم را بیاموزد، ادب بیاموزد، جهتیابی علم و عمل را بیاموزد، هیچ قدرتی نمی تواند بر او حکومت کند. تمام گرفتاریهایی که ما در این طول مدت تاریخ داشتیم بهره برداری از جهالت مردم بوده است. جهالت مردم را آلت دست قرار دادند و بر خلاف مصالح خودشان تجهیز کردند. اگر علم داشتند؛ علم جهتدار داشتند، ممکن نبود که مخربین بتوانند آنها را به یک جهتی که بر خلاف آن مسیری است که مسیر خود ملت است تجهیز کنند. علم و سواد است با آن جهتی که باید به او توجه کرد، که می تواند ملت را از همه گرفتاریها نجات بدهد. و نمی توانند کسانی که می خواهند این نهضت را، این نهضت اسلامی را به خلل برسانند،

و نمی توانند ببینند که اسلام در این مملکت پیاده دارد می شود. این علم است که می تواند جلوی این فسادها را بگیرد. اگر ملت ما علم را، آن علم جهتدار را یاد بگیرند، تربیت بشوند، در مقابل علم، در پهلوی علم هم تربیت باشد؛ تربیت دینی، تربیت الهی، تربیت انسانی و هم علم، اگر این دو حربه در دست شما باشد، کسی نمی تواند به شما تعدی کند، کسی نمی تواند استبداد را برگرداند. و اگر این علم نباشد مردم را توجیه می کنند به جایی که باز هم آن مسائل سابق بر گردد، و آن استبداد سابق و آن وابستگیهای سابق.

۵۹ / ۱۰ / ۶

* * *

سفارش به علم و دانش در قرآن کریم

اشکال ما این است که مواجه هستیم با اشخاصی که بدون توجه به مشکلات و بدون توجه به خواستههای ملت، به مجرد اینکه گفته می شود که فلان مرکز باید اسلامی باشد، آنها می گویند یعنی تخصص نباشد. اینها می خواهند که به دنیا ارائه بدهند که اسلام با علم و تخصص مخالف است، در صورتی که آیات قرآن کریم آن قدر راجع به علم و راجع به دانش سفارش فرموده است که شاید در سراسر کتب دیگر نباشد. اسلام با تخصص، با علم، کمال موافقت را دارد، لکن تخصص و علمی که به خدمت ملت باشد؛ در خدمت مصالح مسلمین باشد. یک صحبت این است که ما متخصص نمی خواهیم، این را به طور تبلیغات نسبت می دهند به بعضی - مثلاً - مسلمین که وقتی می گویند باید در دانشگاه، انقلاب فرهنگی بشود و باید دانشگاهها اسلامی باشد، اینها از این فوراً منتقل می کنند مطلب را به اینکه دانشگاهها دیگر طبیب لازم ندارد، متخصص طب نمی خواهد، متخصص صنعتهای پیشرفته نمی خواهد، فقط باید بروند آنجا و مسائل و احکام اسلامی را بگویند. این از شیطنتهایی است که شاید از بعضی از افراد و گروهها نسبت به اسلام و انجمنهای اسلامی که گفته می شود و در خصوص انقلاب فرهنگی، اینطور تبلیغات می شود. اینها نمی دانند که مقصود ما که می گوییم باید تمام گروهها، تمام نهادها و به خصوص دانشگاهها که مرکز علم است و مغز متفکر جامعه است، ما که می گوییم باید اینها اسلامی باشد، نمی گوییم که ما احتیاج به متخصص نداریم. تا آنجا اسلام کوشش دارد برای متخصص که در احکام عادی هم، در احکام شرعی هم، متخصص تر را میزان قرار داده است، رأی متخصص تر را میزان قرار داده است.

۶۰ / ۳ / ۴

* * *

کسب علم، حتی از کافر

اسلام با تخصص موافق است. اسلام در رأس ادیانی است که از علم و تخصص تمجید کرده و مردم را دعوت کرده است، حتی دعوت کرده است که هر جا یافتید علم را، حتی از هر کافری یافتید، آن را بگیرید، اما باید بگیرید و در خدمت اسلام و کشور باشد، نه علم را بگیرد و بر ضد کشور خودتان استعمال کنید.

۶۰ / ۳ / ۴

* * *

ارج نهادن اسلام نسبت به دانشمندان

اسلام برای علم آن قدر اجر قائل است که شاید دیگر مسالک آن قدر قائل نباشند. اسلام دانشمندان را آن قدر ارج می گذارد که شاید سایر مسالک آنطور نباشد. در اسلام، دانش بزرگترین چیز است، لکن نه دانش آنطوری که ما را به تباهی بکشد، نه دانشمندان آنطوری که ملت ما را به آغوش غرب یا شرق ببرد. اسلام کوشش دارد که علم را در مغزهای مستقل، در مغزهایی که به طرف شرق و غرب نیستند، در مغزهایی که به اسلام فکر می کنند، بار بیاورد. و این استقلال است که می تواند کشور ما را مستقل کند.

۶۰ / ۳ / ۲۳

* * *

جایگاه علم در قرآن

باید جوان های ما نسل فعلی، نسل آینده را تربیت کنند. این نسل را نمی توانند الآن ذهنش را ببندند. اصرارشان این است که دانشگاه باز شود، می گویند متخصص نداریم، می گویند اینها مخالف علمند. کی بیشتر از قرآن، از علوم صحبت کرده است؟

۶۰ / ۴ / ۲

* * *

علم، موهبتی شریف

قضیه علم معلوم است، و همه می دانید که یک ... شریفی است که همه آرزوی او را دارند. و در فطرت انسان این است که هیچ وقت بس ندارد. فطرت اینطوری است. شما اگر فرض بکنید که تمام علوم مادی و معنوی را بدانید و بشنوید، یک وقتی که در یک جایی هست که یک علم دیگر هم هست، فطرت شما آن را هم می خواهد. غیرمتناهی است فطرت در همه امور. اهمیت علم، یک امری است که همه می دانند و واضح است.

۶۱ / ۶ / ۲۸

* * *

کسب علم در طول عمر

انسان تا آن آخر عمرش، هم به علم احتیاج دارد و هم به آموزش و هم به پرورش. هیچ انسانی نیست که مستغنی از علم باشد و مستغنی از پرورش و تربیت. اینکه بعضی از اشخاص گمان می کنند که ما دیگر وقت درس خواندنمان گذشته است، این صحیح نیست. درس یک وقت معین ندارد، علم یک وقت معین ندارد. همان طوری که در حدیث است که علم از گهواره است تا قبر اگر انسان در حال احتضار هم یک کلمه یاد بگیرد بهتر از این است که جاهل باشد.

۶۱ / ۱۰ / ۵

* * *

جدیت در کسب علم

امروز که کشور از استقلال شایسته برخوردار است و قید و بند غرب و شرق و غربزدگان و شرقزدگان از کشور و دانشگاه گسسته شده است، جوانان عزیز دانشگاهی هرچه بیشتر در کسب علوم و فنون در اعتلای کشور معظم خود کوشش نمایند؛ و از نفوذ عناصر منحرف و وابسته به چپ و راست قاطعانه جلوگیری کنند، و نگذارند محیط مقدس دانشگاه آلوده به اغراض منحرفان و وابستگان به اجانب گردد.

۶۲ / ۶ / ۸

* * *

۱. ((البدایة و النهایة؛ ج ۱۱، ص ۳۲۲.

علم و ایمان، تخصص و تعهد

علم مذموم، علم نافع

بدانکه بسیاری از علوم است که بر تقدیری داخل یکی از اقسام ثلاثه است که رسول اکرم - صلی الله علیه و آله ذکر فرمودند؛ (۱) مثل علم طبّ و تشریح و نجوم و هیئت، و امثال آن، در صورتی که نظر آیت و علامت به سوی آنها داشته باشیم؛ و علم تاریخ و امثال آن، در صورتی که با نظر عبرت به آنها مراجعه کنیم. پس، آنها داخل شوند در «آیه محکمه» که به واسطه آنها علم به الله یا علم به معاد حاصل یا تقویت شود. و گاه شود که تحصیل آنها داخل در «فریضة عادله» و گاه داخل در «سنت قائمه» شود. و اما اگر تحصیل آنها برای خود آنها با استفادات دیگری باشد، پس اگر ما را از علوم آخرت منصرف نمودند، به واسطه این انصراف بالعرض مذموم شوند؛ و الا ضرر و نفعی ندارند؛ چنانچه رسول اکرم - صلی الله علیه و آله فرمودند. پس کلیه علوم تقسیم شوند به سه قسمت... انسان بتواند تطبیق با یکی از علوم ثلاثه نماید خیلی بهتر است، و الا حتی الامکان اشتغال پیدا نکردن به آنها خوب است؛ زیرا که انسان عاقل پس از آنکه فهمید که با این عمرهای کوتاه و وقت کم و موانع و حوادث بسیار نمی تواند جامع جمیع علوم و حائز همه فضایل شود، باید فکر کند که در علوم کدام یک به حال او نافعتر است و خود را به آن مشغول کند و تکمیل آن نماید. و البته در بین علوم آنچه که به حال حیات ابدی و زندگانی جاویدان انسان نافع است، بهتر از همه است و مهمتر از جمیع آنهاست؛ و آن علمی است که انبیا - علیهم السلام و اولیا امر به آن نمودند و ترغیب به آن کردند. و آن عبارت از علوم ثلاثه است چنانچه ذکر شد.

* * *

علوم اخروی

علوم مطلقاً منقسم می شود به دو قسمت: یکی علوم دنیایی، که غایت مقصد در آنها رسیدن به مقاصد دنیویه است. و دیگر علوم اخرویه، که غایت مقصد در آنها نیل به مقامات و درجات ملکوتیه و وصول به مدارج اخرویه است. و پیش از این اشاره شد به اینکه غالباً امتیاز این دو نحوه علم به امتیاز نیت و قصد است؛ گرچه خود آنها نیز فی حد نفسها به دو سنخ منقسم شوند. و به مناسبت آثاری که در این حدیث شریف برای طلب علم و علما بیان فرمودند، مقصود از این علم قسم دوم و علم آخرت است. و این واضح است.

و نیز پیش از این ذکر شد که کلیه علوم اخرویه از سه حال خارج نیست: یا از قبیل علم بالله و معارف است؛ یا از قبیل علم تهذیب نفس و سلوک الی الله است؛ یا از قبیل آداب و سنن عبودیت است..

* * *

تحصیل و تهذیب، توأم

باید از همین حالا، همین جوان شانزده ساله، همین جوان بیست ساله که [در] مدارس هست، در مدارس علمی هست، از حالا باید آنطوری که رضای خداست، آنطوری که دستورات الهی است، از حالا باید خودش را عادت بدهد به اینکه آنطور باشد. یک قدم که برای تحصیل علم برمی دارد، یک قدم هم برای تحصیل اخلاق خوب و تهذیب بردارد. اگر خدای نخواستہ عالمی مهذب نباشد، اگر خدای نخواستہ عالمی آنطوری که اسلام می خواهد نباشد، این ضررش از نفعش بیشتر است. تمام ادیانی که مخترع است و تمام ادیانی که اختراع شده است و کذب است، این اشخاص تحصیل کرده مؤسسش هستند، اشخاصی که در حوزه های علمیه تحصیل کرده اند لکن مهذب نبودند. شما ملاحظه بفرمایید رؤسای مذاهب باطله را، می بینید که رؤسای مذاهب باطله تمامشان از اشخاصی هستند که درس خواندند، ملایند لکن مهذب نبودند..

۴۴ / ۸ / ۲۳

* * *

تهذیب نفس در ضمن تحصیل علم

بار علم بار سنگینی است که به عهده شماست. آنطور نیست که تنها وظیفه شما تحصیل مشتی الفاظ و مفاهیم باشد بلکه حفظ اسلام و احکام اسلام است که به شما سپرده شده و شما امین وحی الهی هستید، و باید در ضمن تحصیل علم مشغول تهذیب نفس هم باشید و چنانکه غیر را تبلیغ می کنید نفس خود را هم اصلاح نمایید..

۵۰ / ۱۰ / ۱۰

* * *

کارتان را با خدا درست کنید

ما شما جوانها را لازم داریم، در صورتی که اصلاح کنید خودتان را. کوشش کنید برای اینکه خودتان را اصلاح کنید. کوشش کنید برای اینکه خائن بار نیایید. آن کسی که می رود توی، مثلاً بازار اینها، توی فروشگاههای اینها، خدای نخواستہ کسی موعوجی است یک چیزی برمی دارد به منطق اینکه اینها از ما خورده اند، این خائن است. این به درد مملکت ما نمی خورد. خودتان را اصلاح کنید. آن کسی که کارش را با خدا درست نکند نمی تواند در خلق، مردم را اداره کند. باید کارتتان را با خدا درست بکنید تا بتوانید. ما جوانهایمان را لازم داریم که تربیت بشوند به تربیت انسانی، یعنی تربیت اسلامی. انسان بار بیایند نه یک کسی که هرچه شد شد!

* * *

علم بدون ایمان منشأ بسیاری از شقاوت‌ها

اگر گمان کنید که، یا ما گمان کنیم که، علم منشأ سعادت است ولو هرچه باشد، این یک اشتباهی است؛ بلکه گاهی علم منشأ بسیاری از شقاوت‌هاست: «چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا» حکیم سنائی، ظاهراً مال اوست. اگر روحانی علم داشته باشد لکن ایمان نداشته باشد، مسیرش مسیر انبیا نباشد، منشأ مفاسد بسیار می‌شود. اکثر این دین‌سازیه‌ها که بوده است اینها از طبقهٔ مآلها بودند، مآلهایی که فقط علم به خیال خودشان کافی بوده است و دنبالش مسیر انبیا نبوده. اگر دانشگاه فقط دنبال این باشد که فرزندان ایران را با معلومات بار بیاورد، معلومات را هم بریزد، این برای سعادت ملت ما یا فایده ندارد، یا ضرر دارد. یک فرد دانشگاهی که انحراف پیدا بکند غیر از یک فرد بازاری است؛ غیر از یک فرد کشاورز است. یک فرد روحانی که انحراف پیدا کند غیر از یک فرد بازاری و کارگر است. کارگر و بازاری، کشاورز و امثال اینها، چنانچه یک انحرافی داشته باشند، انحراف شخصی برای خودش است؛ لکن انحراف اساتید دانشگاه انحراف خودش تنها نیست، انحراف یک گروه است. چه گروهی؟ آن گروهی که می‌خواهند مملکت را اداره کنند؛ گاهی به انحراف یک کشور منجر می‌شود. انحراف یک روحانی انحراف خودش تنها نیست، انحراف یک ملت است. بنابراین، این دو طایفه هستند که می‌توانند خدمت بکنند و کشور را نجات بدهند و ممکن است که مسیرشان مسیر حق نباشد و کشور را به تباهی بکشند.

* * *

فساد عالمگیرِ عالمِ فاسد

إِذَا فَسَدَ الْعَالِمُ فَسَدَ الْعَالَمُ (۲) است. این «عالم» من نیستم؛ شما هم هستید؛ همه مان هستیم. شما همه جزء علما هستید، که اگر چنانچه خدای نخواستہ فاسد باشید، عالم را به فساد می‌کشید؛ و اگر صالح باشید، عالم را به صلاح می‌کشید. صلاح و فساد یک جامعه به دست مریبه‌های - آن هست - آن جامعه هست. و آن مریبه‌ها شما هستید و قشر روحانی. آنها به یکجور، و شما به یکجور. اما دو طایفه مریبه جامعه هستند.

اگر بنا باشد که همان تربیت علمی باشد، شما یک طبیب می‌خواهید درست بکنید، نظر به اینکه این طبیب چه جور باشد نیست؛ این طبیب فردا می‌شود یک کاسب! یک کاسبی که اینطور کسب [کند] که یک مریض را معطل می‌کند برای اینکه ویزیت را زیاد بکند! خیلی طبیب خوبی درست شد، از حیث طب

بسیار متخصص بود، اما چون اخلاق، اخلاق صحیح نبود، مهذب نشده بود، متقی نبود، خداشناس نبود، این طبیب مریض را معطل می کند، امروز یک نسخه ای می دهد، با دواخانه هم می سازد که نسخه را هرچه گرانتر بدهد، این بیچاره را مبتلا می کند؛ این نسخه فایده نکرد فردا یک نسخه دیگر! باز همین، باز همین. طبیب، خوب طبیبی بود، یعنی من حیث طبابت. یک مهندس درست می کنید؛ مهندس در علم خودش خیلی خوب بود؛ اما وقتی که می خواهد فرض کنید که یک نقشه ای بدهد، یک [طرحی] بدهد، با آن استادیهایی که دارد جوری می دهد که مفید و صحیح نباشد و منفعت طلبی باشد. و هکذا همه چیز. در قشر ما هم اگر بنا باشد که همین «ملایی» باشد، این ملا بسیار ملای خوبی است، بسیار آدم فهمیده ای است، کتاب و سنت را بسیار خوب می فهمد، اما اگر چنانچه تقوا در کار نباشد، همین فهم کتاب و سنت موجب اعوجاج مردم می شود.

۵۸ / ۳ / ۳

* * *

عالم متقی، منشأ خیرات و برکات

مبدأ همه خیرات و مبدأ همه ترقیاتی که برای یک مملکت هست، چه در جهت مادیت و چه در جهت معنویت این است که ایمان در کار باشد. باید شما و ما دست به هم بدهیم برای قشر آتیه که اینها مقدرات مملکت دستشان است، ایمان ایجاد کنیم. شما از دانشگاه مؤمن بیرون بدهید؛ ما از مدرسه ها مؤمن بیرون بدهیم؛ نه عالم. عالم تنها فایده ندارد. البته مؤمن تنها هم مؤثر خیلی نیست. خوب، قشرهای دیگر هم مؤمن هستند. اما عالم وقتی مؤمن شد، عالم وقتی متقی شد، آن است که منشأ خیرات و برکات است، و حفظ یک کشور، یا خدای نخواستہ از آن طرف به باد دادن یک کشور است.

۵۸ / ۳ / ۳

* * *

سودمند بودن علم همراه با معنویت

علم تنها فایده ندارد، علم با معنویات علم است؛ ادب تنها فایده ندارد، ادب با معنویات. معنویات است که تمام سعادت بشر را بیمه می کند؛ و کوشش کنید در تحصیل معنویات. در خلال علم که تحصیل می کنید معنویات را تحصیل کنید. دانشگاهها معنویت پیدا نکنند، مدارس معنویت پیدا نکنند، مکتبها معنویت پیدا نکنند، تا ان شاءالله سعادت مند بشوند. خداوند همه شما را سعادت مند کند.

۵۸ / ۳ / ۸

* * *

ضرر علم بدون تقوا

باید آقایان همان طوری که در تحصیل علم کوشا هستند، در تهذیب اخلاق، در اعمال، در عقاید، در فضایل اخلاقی کوشا باشند؛ که علم بدون عمل و بدون تقوا بسیاری از اوقات مُضَرّ است. باید عالمِ متقی باشد و متوجه به خدای تبارک و تعالی باشد تا بتواند جامعه را تربیت کند. باید خودش تربیت شده باشد تا بتواند جامعه را تربیت کند.

۵۸ / ۴ / ۵

* * *

دانش توأم با تهذیب اخلاق

مهم در دانشگاهها، دانشسراها، تربیتهای معلم، تربیتهای دانشجویی، این است که همراه با تعلیمات و تعلّمات، تربیت انسانی باشد. چه بسا اشخاصی که در علم به مرتبهٔ اعلا رسیده اند، لکن تربیت انسانی ندارند. یک همچو اشخاصی ضررشان بر کشور، ضررشان بر ملت، ضررشان بر اسلام، از دیگران زیادتر است. آن کسی که دانش دارد، لکن دانشش توأم با یک تهذیب اخلاق و یک تربیت روحی نیست، این دانش موجب این می شود که ضررش بر ملت و بر کشور زیادتر باشد از آنهایی که دانش ندارند. همین دانش را یک شمشیری می کند در دست خودش، و با آن شمشیر دانش ممکن است که ریشهٔ یک کشور را از بین ببرد و قطع کند.

۵۸ / ۴ / ۶

* * *

ضرر دانشمند بدون تربیت صحیح

بسیار اشخاص هستند که دانشمندند، خیلی هم دانشمندند، لکن چون تربیت اسلامی ندارند وجودشان گاهی ضرر می زند به کشور و ضرر می زند به اسلام. این فرقی نیست مابین اینکه دانش، دانش علوم قدیمه باشد یا دانش علوم جدیده؛ چه در جانب علمای اسلام و روحانیون، و چه در جانب شما دانشجوها و دانشگاهها و سایر طبقاتی که درصدد تعلیم و تعلّم هستند. اگر چنانچه فقط دنبال یاد گرفتن باشید، حالا این یاد گرفتن همراه با یک تربیت صحیح و تزکیه نفس و درست راه رفتن نباشد، یک انباری از معلومات یا به قول سعدی، که تعبیر دیگری از همان تعبیر قرآن [است]: مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا (۳) کسی که یاد می گیرد، لکن یاد گرفتنش همان یاد گرفتن است و به کار نمی بندد آن یاد گرفتنها را، تربیت، تربیت انسانی نیست، در تعبیر قرآن کریم این است که مَثَلُ يَكِ حَيَوَانِي، الاغی، می ماند که به پشتش کتاب بار

باشد. این کتاب فرق نمی کند که پشت یک کسی باشد؛ یا خیر، در مغز و در فکرش باشد، بلکه آن که در مغز و فکرش کتاب هست، تعلیمات هست، لکن مُربی^۱ به تربیت انسانی نیست، این ضرر دارد برای جامعه، چه در جانب ما باشد و چه در جانب شما باشد هیچ فرق نیست، چه علوم اسلامی و فلسفه اعلا باشد؛ و چه علوم طبیعی و امور مربوط به طبیعت باشد. اگر همراه با تعلیم تربیت نباشد، همراه با تعلّم تربیت نباشد، تربیت انسانی نباشد، یک حیوانی هست انسان که انباری از معلومات هم دارد. اما به حسب واقع حیوان پر معلومات است، نه انسان پر معلومات.

و گاهی ضرر از این قشر به اسلام و به کشور از قشرهای دیگر بیشتر می خورد. اکثر این دینیهایی که باطل بوده و درست شده است به وسیله اهل علم درست شده است. غیر اهل علم دین سازی نکرده. اهل علم دین سازی کرده و بسیار از این خیانتیهایی که به کشور ما شده است، از همین درس خوانده هاست. این درس خوانده ها هستند که کمک کردند به دستگاه و دکتورها و نمی دانم کذا، و اینها کمک کردند به دستگاه و پنجاه سال مملکت ما را به باد فنا دادند. اگر دانشگاهها درست نشود و مدرسه های ما هم درست نشود، امید اینکه یک جمهوری اسلامی ما پیدا بکنیم نداریم. اگر این دو قشر تربیت شدند به طوری که اسلام می خواهد، تربیت انسانی شدند، هم مملکت ما مصون می شود از تصرف شیاطین و روی چرخ خودش گردش می کند بدون وابستگی به خارج و بدون خیانتیهایی داخلی؛ و هم ترقیّات حاصل می شود برای شما. مهم در دانشجویی و در دانشیاری و در استادی و در شاگردی و در تربیت [و] در علم این است که یک تربیت صحیح همراه علم باشد. عالم تربیت شده به تربیت انسانی، که همان تربیت اسلامی است.

۵۸ / ۴ / ۱۷

* * *

پرورش همراه با آموزش

آموزش تنها اثر ندارد. پرورش پهلوی آموزش باید باشد. یعنی جوانها وقتی که در دانشگاهها [و] دانشسراها بروند برای تحصیل، اگر همان تحصیل محض باشد، گاهی وقتها شاید مضرّ هم باشد به حال کشور. بسیاری از ضررهایی که به کشور ما وارد شده است از همین تحصیلکرده ها وارد شده است. طرحهای منافی با کشور ما بسیاری اش به دست همین تحصیلکرده ها شده است. تحصیلکرده هایی که آموزش داشته اند، لکن پرورش نداشته اند. تحصیلکرده هایی که فقط برای منافع شخصی خودشان کارها را انجام می دادند.

کسی که پرورش صحیح ندارد، ولو آموزش صحیح هم فرض کنید دارد، خیلی هم آموزشش در سطح عالی است، این ضررش به کشور از مردم عادی بیشتر است. مردم عادی نمی توانند آنطور ضرر به کشور بزنند. اینها

تحصیل کرده هایند که می توانند یک طرحهایی بریزند برای استفاده دیگران. اشخاصی که اطراف این پدر و پسر(۴) بودند، از همان تحصیل کرده هایی بودند که در اروپا یا امریکا تحصیل کرده بودند؛ لکن فقط آموزش بود. پرورش اسلامی، پرورش انسانی، نداشتند. و لهذا آن ضرری که به کشور ما از ناحیه دانشمندان این کشور وارد شده است، آن ضرر از ناحیه دیگران وارد نشده است. حتی ساواک هم مثل آنها به ما ضرر نزدند. آنها افکار را ضایع کردند. آنها جوانهای ما را فاسد کردند.

از این جهت، فرهنگ در کنار آموزش باید پرورش داشته باشد. همان اسم نباشد که «آموزش و پرورش». واقعیت باشد، هم تحصیل باشد به مدارج عالی؛ و هم همراه تحصیل، تربیت باشد. جوانهای ما تربیت بشوند به یک تربیتهای انسانی؛ یک تربیتهای اسلامی که همان تربیتهای انسانی است. اگر چنانچه تربیت انسانی بشوند جوانهای ما، اینها دیگر خیانتکار به کشور خودشان نمی شوند؛ اینها دیگر طراح نیستند برای اینکه منافع کشور ما را به دیگران بدهند.

۵۸ / ۴ / ۲۳

* * *

اثرات سوء علم در نفوس تزکیه نشده

اگر نفوس تزکیه نشوند، تطهیر نشوند، از آن اوصاف فاسد بیرون نروند، علم اثر سوء در آنها می کند. تمام ادیان باطله را علما اختراع کردند. دانشمندا اختراع کردند. برای اینکه علم وارد شده بود در یک جایی که پرورش نداشته، تزکیه نشده. وقتی که علم آمد در جایی که تزکیه نشده، این عالم که حامل این علم است و مُزکّی^۱ هم نیست، خطرناک می شود. برای جامعه فرقی نیست ما بین علمای روحانی و علمای دانشگاهی و غیره. اگر در حوزه های علمیه و همین طور در دانشگاهها تزکیه نباشد، این علمهایی که در آنجا انباشته می شود، یک انباری است که خدای تعالی این تعبیر را در آن فرموده: مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْبَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا(۵) آن کسی که حتی علم توحید را، علم ادیان را، علم اخلاق را، همه این علوم را دارد لکن تزکیه نکرده نفسش را، این یک موجود خطرناک می شود برای جامعه. و یک دانشگاهی که، جوانهایی که در آنجا می روند که آموزش ببینند، نه آموزشش آموزش است و نه پرورشش پرورش. و اگر آموزشش هم آموزش صحیح باشد، اگر تزکیه نشده باشد این آدم، بعد از تزکیه تعلیم و تربیت هست، اگر تزکیه نشده باشد و علم وارد بشود در یک قلبی که مُزکّی^۱ نیست، این فساد ایجاد می کند. و خدا نکند که فساد از جانب عالم غیر مُزکّی واقع بشود. در احادیث ما هست که در جهنم از بوی تعفن عالم سوء، جهنمی ها در ایذا هستند.(۶)

۵۹ / ۴ / ۱۰

خطر عالم تزکیه نشده

علم وقتی که در یک نفس غیر سالم واقع شد مثل بارانی می ماند که بیارد در جایی که عفونت بار است، عفونتش را زیاد می کند. همین باران رحمت که در یک جا بوی عطر را بلند می کند، در یک جا بوی کثافت را بلند می کند. آن عالمی که تزکیه نشده است، خطرش از جاهل بسیار زیادتر است. جاهل اگر فاسد هم باشد، خودش فاسد است. اما عالم اگر فاسد باشد، عالم را فاسد می کند. کشور را به فساد می کشد. تزکیه قبل از تعلیم و تعلم است؛ یُزَكِّیهِمْ. پیغمبر آمده است اینها را تزکیه بکند. پرورش بدهد. نفوس را مهیا کند و بعد یُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ. (۷) بعد تعلیم کتاب و حکمت بکند، که اگر کتاب و حکمت با پرورش توأم نباشد و با تزکیه توأم نباشد، موجودی که او بیرون می آید همین موجوداتی می شود که در مجلس سنا و در مجلس شورای قبل از انقلاب بود.

۵۹ / ۴ / ۱۰

* * *

پرواز با دو بال علم و تعهد

دانشگاه و حوزه های علمیه و روحانیون می توانند دو مرکز باشند برای تمام ترقیات و تمام پیشرفتهای کشور. و می توانند دو مرکز باشند برای تمام انحرافات و تمام انحطاطات. از دانشگاه هست که اشخاص متفکر متعهد بیرون می آید. اگر دانشگاه، دانشگاه باشد، اگر دانشگاه واقعاً دانشگاه باشد و دانشگاه اسلامی باشد؛ یعنی در کنار تحصیلات متحقق در آنجا، تهذیب هم باشد، تعهد هم باشد، یک کشوری را اینها می توانند به سعادت برسانند. و اگر حوزه های علمیه مُهَدَّب باشند و متعهد باشند، یک کشور را می توانند نجات بدهند. علم تنها اگر ضرر نداشته باشد، فایده ندارد. تمام این، وقتی ما به یک نظر وسیعی به همه دنیا و به همه دانشگاههایی که در دنیا هست بیندازیم، تمام این مصیبتها که برای بشر پیش آمده است ریشه اش از دانشگاه بوده. ریشه اش از این تخصصهای دانشگاهی بوده. این همه ابزار فنای انسان و این همه پیشرفتهایی که به خیال خودشان در ابزار جنگی دارند، اساسش از دانشمندانی بوده است که از دانشگاه بیرون آمده اند. دانشگاهی که در کنار او اخلاق نبوده است، در کنار او تهذیب نبوده است. و تمام فسادهایی که در یک ملتی یا ملت ها پیدا شده است از حوزه های علمیه ای بوده است که متعهد به دستورات اسلامی نبوده اند. تمام این ادیانی که ساخته شده است از دانشمندان و علما سرچشمه گرفته است. علمی که پهلوی او اخلاق و تعهد اسلامی نبوده است، تهذیب نبوده است، دنیا را دانشگاه به فساد کشانده است. و دنیا را دانشگاه می تواند به صلاح بکشد. دانشگاههای سرتاسر جهان اگر موازین انسانی را، اخلاق انسانی را، آنچه که در فطرت انسان است، در کنار تعلیم و تعلم قرار بدهند،

یک عالم، عالم نور می شود. و اگر تخصصها و علمها منفصل باشد از اخلاق، منفصل باشد از تهذیب، منفصل باشد از انسان آگاه، انسان متعهد، این همه مصیبت‌هایی که در دنیا پیدا شده است از همان متفکرین و متخصصین دانشگاهها بوده. این دو مرکز - که مرکز علم است هم می تواند مرکز تمام گرفتاریهای بشر باشد و هم می تواند مرکز تمام ترقیات معنوی و مادی بشر باشد. علم و عمل، علم و تعهد به منزله دو بال هستند که با هم می توانند به مراتب ترقی و تعالی برسند... این فاجعه بوده است برای این ملت که ابزار عملش، دست کسانی باشد که متعهد نیستند و به فکر خودشان نیستند. این فاجعه است که ابزار علم در دست اشخاصی باشد که متعهد نیستند و اخلاق اسلامی ندارند. فرق بین دانشگاه و حوزه های علمیه نیست در اینکه اگر همراه با علم، تعهد باشد، تزکیه باشد، با این دو بال علم و اخلاق و عمل، مملکت خودشان را، کشور خودشان را نجات می دهند. و از حلقوم آنهایی که می خواهند همه چیز ما را ببرند نجات می دهند. و اگر علم تنها باشد، فقط در دانشگاهها تحصیل علم باشد، در مدارس تحصیل علم باشد، این علم، انسان را به فنا می کشد. منشأ همه گرفتاریهای یک کشور از دانشگاه هست و حوزه های علمی. و منشأ همه سعادتها، مادی و معنوی، از دانشگاه است و حوزه های علمی. اینکه نقشه های بزرگ برای نفوذ کردن در دانشگاهها و تربیت کردن جوانهای ما را به یک تربیتهایی که برخلاف مصالح کشورشان است، این برای این است، که اگر دانشگاه فاسد بشود، یک کشور فاسد می شود. اگر دانشگاه فقط نظرش به این باشد که تحصیل علم بکند، ما فرض این را می گیریم که خیر، خوب هم تحصیل می کرد - در صورتی که اینطور نبود - اگر ما فرض بکنیم که در دانشگاه، تمام علوم و فنون به وجه اعلا پیاده می شود، و به جوانهای ما تعلیم می شود، لکن در پهلوی او تبلیغاتی است که همین علم را آلت قرار می دهند از برای انحطاط یک کشور.

۵۹ / ۹ / ۲۷

* * *

عالم فاسد، موجب فساد یک مملکت

تخصصها در خدمت خود کشور باشد نه اینکه متخصص بشود و با آن تخصصش ما را به دامن امریکا بکشد. متخصص بشود و با آن تخصصش به کشور ما ضربه وارد کند. هر چه متخصصتر؛ بدتر.

آن کسی که مهذب نشده است، و آن کسی که برای کشور خودش احساس نکرده که من برای این کشور هستم و از این کشور، من استفاده کرده ام و استفاده علمی ام را باید به این کشور تحویل بدهم، اگر این احساس نباشد و این باور نباشد، دانشگاه بدترین مرکزی است برای اینکه ما را به تباهی بکشد. و اگر این احساس پیدا شد و این اساتید دانشگاه، آنهایی که متعهدند، آنهایی که توجه دارند، آنهایی که در زمان سابق

برای این مملکت غصه می خوردند، باید خودشان را مجهز کنند که این فرزندان ایران، متعهد و در خدمت خود ایران باشند. اگر اینطور بشود، دانشگاه بالاترین مقامی است که کشور ما را به سعادت می رساند.

دانشگاه دو راه دارد: راه جهنم و راه سعادت. راه ذلت و مسکنت و نوکرمآبی و امثال اینها، و راه عظمت و عزت و بزرگمنشی. دانشگاه همین دانشگاه را تا ما داریم فایده ندارد. ما دانشگاه پنجاه سال است داریم. و از دانشگاه هر چه فساد توی این مملکت پیدا شد از این اشخاصی بود که در دانشگاه تحصیل کرده بودند، تخصص هم شاید داشتند. آن «احمدی» (۸) زمان رضاخان که بسیاری از رجال این مملکت را او با آمپولش کشت، آن هم از دانشگاهها، تخصص هم داشت، ولی تخصص را به این راه که آنهايي را که امر می شد به او که باید کشته بشوند، با یک آمپول آنها را می کشت. شما یک همچو دانشگاهی می خواهید و یک همچو اساتیدی و یک همچو تخصصی؟ از آن طرف هم دانشگاه، از آن، اشخاص شریف بیرون می آید، و ما می خواهیم همه شان شریف باشند.

فیضیه، اگر تهذیب در کار نباشد، علم توحید هم به درد نمی خورد. «أَلْعِلْمُ هُوَ الْحِجَابُ الْأَكْبَرُ» هرچه انباشته تر بشود علم، حتی توحید که بالاترین علم است، انباشته بشود در مغز انسان و قلب انسان، انسان را اگر مهذب نباشد، از خدای تبارک و تعالی دورتر می کند. باید کوشش بشود در این حوزه های علمیه، چه حال و چه بعدها کوشش بشود که اینها را مهذب کنند. در کنار علم فقه و فلسفه و امثال اینها، حوزه های اخلاقی، حوزه های تهذیب باشد، و حوزه های سلوک «الی الله تعالی». شما می دانید که مرحوم شیخ فضل الله نوری (۹) را کی محاکمه کرد؟ یک معمم زنجانی؛ (۱۰) یک ملای زنجانی محاکمه کرد و حکم قتل را او صادر کرد؛ وقتی معمم، ملای مهذب نباشد، فسادش از همه کس بیشتر است. در بعض روایات هست که در جهنم، بعضیها - اهل جهنم - از تعفن بعض روحانیین در عذاب هستند، و دنیا هم از تعفن بعضی از اینها در عذاب است. (۱۱)

تا اصلاح نکنید نفوس خودتان را، از خودتان شروع نکنید و خودتان را تهذیب نکنید، شما نمی توانید دیگران را تهذیب کنید. آدمی که خودش آدم صحیحی نیست نمی تواند دیگران را تصحیح کند؛ هرچه هم بگوید فایده ندارد. کوشش کنند علمایی که الآن در حوزه ها هستند؛ در هر حوزه ای از حوزه های اسلامی که این جوانها که با یک فطرت سالم می آیند، بعد از ده، بیست سال با یک فطرت فاسد بیرون نروند. تهذیب لازم است؛ هم در شما و هم در شما. البته همه، همه ملت و همه انسانها باید مهذب بشوند. لکن تاجر اگر مهذب نشد، کارش یک کار گرانفروشی و نمی دانم اینهاست که وقتی همه اش را روی هم بگذارند

فسادش زیاد است، اما یک نفر اینقدرها فساد ندارد. اما عالم اگر فاسد بشود، یک شهر را، یک مملکت را به فساد می کشد، چه عالم دانشگاه باشد و چه عالم فیضیه، فرقی نمی کند.

۵۹ / ۹ / ۲۷

* * *

آموزش توأم با پرورش

باید آموزش و پرورش مردم توأم باشد. پرورش، پرورش انسانی، پرورشی که به درد انسان برسد، آموزشی که برای انسان باشد، جهتدار باشد، اسم ربّ در آن باشد، توجه به خدا باشد.

۵۹ / ۱۰ / ۶

* * *

تربیت بالاتر از تعلیم

مسأله تربیت بالاتر از تعلیم است. در آن آیه شریفه هم تلاوت آیات قرآن را؛ یعنی رساندن آن تعلیماتی که در راه تربیت و تعلیم است، بعد از اینکه این را می فرمایید، بعد ویزگیهم را می فرماید. از این ممکن است استفاده بشود که مسأله تزکیه و مسأله تزکیه نفس اهمیتش بیشتر از مسأله تعلیم کتاب و حکمت است، مقدمه از برای این است که کتاب و حکمت در نفس انسان واقع بشود. اگر تزکیه بشود انسان، تربیت بشود و به تربیتهایی که انبیا - علیهم السلام - برای بشر هدیه آوردند، بعد از تزکیه کتاب و حکمت هم در او به معنای حقیقی خودش، در نفس انسان نقش می بندد و انسان به کمال مطلوب می رسد. و لهذا بعد از یک آیه دیگر می فرماید که: مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا (۱۲) می خواهد بفرماید که علم تنها فایده ندارد. علمی که تربیت در او نباشد، تزکیه در او نباشد، این علم فایده ندارد. همان طوری که اگر الاغ و حمار، چنانچه الاغ به بار او کتاب باشد، هر کتابی باشد، کتاب توحید باشد، کتاب فقه باشد، کتاب انسانشناسی باشد، هر چه باشد، در بار او باشد و به دوش او باشد، چطور فایده ندارد و آن حمار از او استفاده نمی کند؛ آنهایی هم که انبار علم در باطنشان هست و باطنشان تمام علوم را فرض کنید، تمام صناعات را، تمام تخصصات را داشته باشند، لکن تربیت و تزکیه نشده باشند، آنها هم آن علومشان برای آنها فایده ندارد، بلکه بسیاری از اوقات مضرّ است. بسیاری از اوقات هست که آن کسی که عالم است، آن کسی که همه چیز را می داند لکن تزکیه نشده است، تصفیه نشده است، تربیت الهی نشده است، آن علمش وسیله است از برای اینکه بشر را به تباهی بکشد. چه بسا عالمانی که برای بشر تباهی هدیه می آوردند. آنها از جهال بدتر هستند و چه بسا متخصصانی که برای بشر هلاکت ایجاد می کنند، تباهی ایجاد می کنند. آنها از مردم عامی بدتر هستند. ضررشان بیشتر است.

همان است که قرآن فرمود که: كَمَثَلِ الْجِمَارِ و از آن هم بالاتر اینکه موجب صدمه به دیگران می شود. شما که برای تربیت معلم قیام کردید، و هر کس که برای تربیت معلم قیام کرده است باید بداند که اولاً شغل، شغلی الهی است. خدای تبارک و تعالی مربی معلمین است که انبیا باشند. اولاً شغل، شغلی الهی است و ثانیاً تربیت و تزکیه، مقدّم بر تعلیم است. مدرسه های ما، دانشسراهای ما، دانشگاههای ما و همه مدارس علوم - چه علوم اسلامی یا غیر اسلامی باشد - اینها اگر در آنها تربیت باشد، تزکیه باشد، آنها می توانند خدمتها بکنند و برای بشر سعادت را به هدیه بیاورند. و همه سعادت‌های بشر از علم و ایمان و تزکیه است: إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۱۳) انسان، اصلش این حیوانی که به اسم انسان خوانده می شود، در خسارت و زیان است مگر یک طایفه. آنهایی که ایمان آوردند به خدای تبارک و تعالی و آنچه که او فرموده است، و اعمال صالحه بجا آوردند، و از آثارش هم این است که تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ تَوْصِيَةً بِه حَق و تَوْصِيَةً بِه صَبْرٌ می کنند. والا اگر از این استثنای اِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا خارج شد، لَفِي خُسْرٍ است، در خسران است، در زیان است. کوشش کنید که تربیت بشوید و تزکیه بشوید قبل از اینکه تعلیم و تعلم باشد. کوشش کنید که همدوش با درس خواندن و تعلیم، تربیت باشد که او مقدّم است به حسب رتبه بر تعلیم و بر تلاوت آیات و بر تعلیم کتاب و حکمت. تربیت معلّم باید بکنید؛ یعنی معلّمینی تربیت بشوند که این معلمین علاوه بر اینکه آگاهی بر همه علومی که مورد احتیاج انسان است و مورد احتیاج بشر، چه در دنیا و چه در آخرت هست، علاوه بر این و مقدم بر این، تزکیه در کار باشد، تصفیة نفس در کار باشد، والا تربیت‌های شما و تعلیم‌های شما بدون تزکیه و بدون اینکه تصفیة نفس بشود، برای بشر اگر ضرر نیاورد، نفع نخواهد آورد بلکه ضرر دارد. تمام این ضررهایی که بشر می بیند، تمام این خسرانهایی که بشر در این سیاره می بیند، از دست همین عالم‌هایی هستند که تخصص را دارند، لکن تربیت را ندارند ما اگر تزکیه داشتیم و تربیت اسلامی شده بودیم و خدای تبارک و تعالی ولیّ ما بود، و ولیّ ما طاغوت نبود، این نقصهایی که در اطراف کشورمان و همین طور در اطراف جهان هست، این نقصها نبود، این اختلافات نبود، همه اختلافاتی که پیدا می شود الا فقط یکی که آن اختلاف مابین حق و باطل است، تمام اختلافاتی که پیدا می شود برای این است که ما تربیت نشدیم و ما تزکیه نشدیم.

۵۹ / ۱۰ / ۱۸

* * *

تربیت، میزان علم

آنها که گمان می کنند که مدارس باید علم در آن باشد و دیگر کاری به این مسائل نداریم، باید متخصصین باشند، ساده اندیشند آنها. ساده اندیشی است که انسان گمان کند که یک معلمی که انحراف دارد، معلّمی که یا

طرف شرق است و یا طرف غرب، یا تربیت شرقی دارد یا تربیت غربی، آن را ما معلم قرار بدهیم از برای این فرزندان که نفوسشان مثل آینه صیقلی است. و هرچه در او وارد بشود می پذیرد. ساده اندیشی است که ما جوانهای خودمان را به دست معلمی بدهیم که به طرف شرق می رود و بچه های ما را شرقی کند، یا به طرف غرب می رود و بچه های ما را غربی کند. ساده اندیشی است که ما گمان کنیم که فقط تخصص، میزان است و علم، میزان است. علم الهی هم میزان نیست. علم توحید هم میزان نیست. علم فقه و فلسفه هم میزان نیست. هیچ علمی میزان نیست. آن علمی میزان است و آن علمی برای بشر سعادت است که تربیت در او باشد، که او از مرتبی القا شده باشد، از کسی که تربیت الهی شده است القا بشود به بشر. آن اگر در همه مدارس ما - چه مدارس علوم اسلامی و چه مدارس علوم دیگر - اگر در همه آنها این معنا باشد و انحراف در کار نباشد و استقامت باشد، چندی نمی گذرد که همه جوانهای ما که امید آتیه این مملکت هستند، همه اصلاح می شوند. و همه نه شرقی و نه غربی بار می آیند، و همه بر صراط مستقیم واقع می شوند. ساده اندیشی است که ما گمان بکنیم که کافی است برای ما اینکه یک اشخاصی باشند دارای علم، اشخاصی باشند که علم داشته باشند و تربیت، و لااقل علم داشته باشند و انحراف نداشته باشند. فرضاً که ما بخواهیم که علم را رواج بدهیم و از علم علما استفاده کنیم، باید علمی باشد و لااقل انحراف نباشد، کار نداشته باشد به شرق و غرب. اینطور نباشد که معلمین ما و مرتبهای جوانهای ما، تربیت مسکو شده باشند یا تربیت واشنگتن. ساده اندیشی است که ما گمان کنیم که باید همه آنها که تخصص دارند هر طوری می خواهند باشند. باید بیایند و ما از آنها استفاده کنیم. استفاده نمی توانیم بکنیم اگر مرض ظاهری ما را یک متخصص خوب بکند، امراض باطنی برای ما ایجاد می کند، از یک مرض کم به یک مرض بزرگ، از یک مرض کوچک به یک مرض بزرگ ما را می کشاند. باید توجه داشته باشیم ما به همه مسائل. همین حزب بعثی را که ملاحظه می کنید که الآن مبدأ این همه گرفتاری برای کشور ما و برای کشور مُسلمِ عراق ایجاد کرده است، و برای آنجا بیشتر از اینجا ایجاد کرده است. اینها همینها هستند که بسیاریشان متخصصند، و بسیاریشان دانشگاه رفته و از دانشگاه بیرون آمده اند، لکن تربیت نداشتند، تزکیه نداشتند. اگر علم باشد و تزکیه نباشد، هم آن رژیم سابق پیش می آید و هم این رژیم صدام. اگر ما تزکیه نکنیم خودمان را و چنانچه همراه با علم، تزکیه نباشد؛ کشور ما هم کشیده می شود به همان طرفها و ما هم صدام خواهیم شد. باید تربیت شما، تربیت معلم، یک تربیت اسلامی باشد، یک تربیت انسانی باشد، یک تربیت در صراط مستقیم باشد. والا تربیت مسکو را نمی توانیم بپذیریم و تربیت واشنگتن را هم نمی توانیم بپذیریم.

* * *

صِرف اخذ مدرک، هدفی انحرافی

شما (۱۴) باید در هر جا که تحصیل می کنید و جوانها و کودکان ما در سرتاسر کشور، در هر مرکزی که اشتغال به تحصیل دارند باید توجه به این داشته باشند که تحصیل همراه تهذیب و همراه تعهد و همراه اخلاق فاضله انسانی است که می تواند ما را به حیات انسانی برساند. و می تواند کشور ما را از وابستگیها نجات بدهد. اگر شما جوانها دنبال تحصیل که می روید، دنبال این معنا باشید که یک تصدیقی بگیرید، یک دیپلمی بگیرید و بروید آن را آلت قرار بدهید برای استفاده مادی خودتان، این همان انحرافی است که آنها می خواهند. و اگر شما در مراکزی که هستید یک ایده صحیح داشته باشید و یک غایت صحیح داشته باشید که برای رسیدن به آن غایت مشغول تحصیل باشد، و برای رسیدن به آن امری که خدای تبارک و تعالی می خواهد و آن تهذیب نفس و پرستیدن الله و دور کردن همه شرکها و همه انحرافها و همه الحادها از خودتان و از مراکزتان، اگر اینطور باشد شما پیروز خواهید شد. و همه انحرافها و همه گرفتاریهایی که برای یک کشور پیش می آید برای این است که مراکز تعلیم و تعلمشان، مراکز تهذیب نیست. این فرقی نیست ما بین مدارس علمی قدیم با مدارس علمی جدید. تا تهذیب نباشد و تعهد نباشد و از اول انسان راه خودش را، صراط مستقیم خودش را نیافته باشد، و تحصیل او دنبال همان ایده صحیح اسلامی نباشد، همین انحراف آور است و همین است که ما را و کشورهای اسلامی را یا به طرف چپ می برد و یا به طرف راست؛ یا باید کشور، کشور کمونیستی باشد یا کشور، کشور تابع امریکا. از مدرسه شروع می شود این مسائل. از مدارس و دانشگاهها این مسائل شروع می شود. آنها می خواهند که آن چیزی که در دانشگاهها و در مدارس ما، در دبیرستانها و در همه جا حاصل می شود این باشد که آن چیزی که نتیجه زحمات طولانی ملت است و زحمات طولانی جوانهای ماست، برای آنها باشد.

۵۹ / ۱۱ / ۲

* * *

فساد علم بدون تربیت

چنانچه تربیت، یک تربیت انسانی باشد و موافق با فطرت انسان که همان فطرت، ودیعه گذاشته از خداست *فَطَّرَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا* (۱۵) آنطور باشد، در دانشگاه هم همان جور تربیت باشد، اینها بعد که تحویل به جامعه داده می شوند و مقدرات جامعه قهراً به دست اینها سپرده می شود *بِالْمَالِ* کشور را کشور نورانی، کشور انسانی، کشور به فطرت الله، تربیت می کنند، و کشور را به جلو می برند. اگر شما بخواهید تعلیم کنید فقط اطفال را و کاری به این نداشته باشید که در پهلوی تعلیم و تربیت انسانی، تربیت اخلاقی باشد، اینها

با همان علمِ بدون تربیت، مراحل را طی می کنند. و علم بدون تربیت آنها را یا اکثر آنها را رو به فساد می کشد. انسان از اول اینطور نیست که فاسد به دنیا آمده باشد. از اول با فطرت خوب به دنیا آمده؛ با فطرت الهی به دنیا آمده: **كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ (۱۶)** که همان فطرت انسانیّت، فطرت صراط مستقیم، فطرت اسلام، فطرت توحید است. این تربیتهاست که یا همین فطرت را شکوفا می کنند؛ و یا جلوی شکوفایی فطرت را می گیرند. این تربیتهاست که یک کشور را ممکن است به کمال مطلوبی که از هر جامعه انسانی است برسانند و یک کشور کشور انسانی باشد؛ کشور مطلوب اسلام باشد. و همین تربیتها یا تعلیمهای بدون تربیت ممکن است که اینها در آن وقتی که مُقدّرات یک کشوری دست آنهاست و همه چیز کشور به دست آنهاست کشور را به تباهی بکشند.

۵۹ / ۱۱ / ۱۰

* * *

بی فایده‌گی علم تنها

تربیت کنید، مهم تربیت است. علم تنها فایده ندارد، علم تنها مُضر است. گاهی این باران که رحمت الهی است وقتی که به گل ها می خورد بوی عطر بلند می شود؛ وقتی که به جاهای کثیف می خورد بوی کثافت بلند می شود. علم هم همین طور است. اگر در یک قلب تربیت شده علم وارد بشود، عطرش عالم را می گیرد. و اگر در یک قلب تربیت نشده یا فاسد بریزد این علم و وارد بشود، این فاسد می کند عالم را **إِذَا فَسَدَ الْعَالِمُ فَسَدَ الْعَالَمُ (۱۷)** اگر صالح بشود، صالح می کند. یک شعاعهای زیادی دارد که به صلح و به اصلاح و به خوبی می رساند مردم را.

۵۹ / ۱۱ / ۱۰

* * *

تهذیب قبل از عالم شدن

عزمتان جزم این معنا باشد، و توجهتان به خدا و اعمالتان خالص برای خدای تبارک و تعالی. جدیت کنید که در آن مدرسه (۱۸) که هستید تحصیل کنید. و بالاتر از تحصیل، تهذیب اخلاق [است]. اسلامی باشید و علوم اسلامی را با نفوس اسلامی تکمیل کنید. در کنار تحصیل جدی در احکام اسلام و معارف اسلامی، تهذیب اسلامی داشته باشید. مدرسه های علمی و دینی و تمام مدارسی که در آن تحصیل می شود، چه تحصیلات علوم دینی باشد یا تحصیلات دیگر، در رأس برنامه هایشان در این جمهوری اسلامی باید این معنا باشد که مهذب باشند، قبل از اینکه عالم هستند. مهذب باشند، قبل از اینکه محصل هستند. در

مدارس، همهٔ مدارس سرتاسر کشور، لازم است که اشخاصی که مهذب هستند و علما و گویندگانی که راه حق را تا آن اندازه که قدرت داشتند پیموده اند در این مدارس بروند و حوزهٔ اخلاقی و حوزهٔ تهذیب و حوزهٔ معارف اسلامی تشکیل بدهند، که در کنار تحصیلات علمی، تهذیب اسلامی و اخلاق اسلامی باشد. اگر تهذیب اسلامی در مدارس نباشد، چه مدارس دینی و چه مثل سایر دانشگاهها، که آنها هم باز مدارس اسلامی و دینی هستند، باید توجه کنند که معلمانی که در این مدارس هستند و کسانی که در این مدارس تبلیغ می کنند یا صحبت می کنند اشخاصی باشند که صد در صد اسلامی و معتقد به احکام اسلام و عقاید اسلامی باشند، که کسانی که پیش آنها تربیت می شود تربیتهای اسلامی با تهذیبهای اسلامی باشد. و شما بدانید که چنانچه عالم، هر عالمی باشد، تهذیب اسلامی و اخلاق اسلامی پیدا نکند، برای اسلام مضر است، که نافع نیست.

۵۹ / ۱۲ / ۱۰

متخصص متعهد

شما سعی کنید از متخصصین متدین و متعهد استفاده کنید. ما بارها گفته ایم که ما متخصص می خواهیم، ولی متخصص متعهد. ولی دشمنان فریاد زدند که اینها با تخصص مخالفند. البته که متخصص منحرف از هر کس خطرناکتر است.

۶۰ / ۷ / ۲۳

* * *

صدمات ادیان از علمای غیر مهذب

من گمان می کنم که آن چیزی که به اسلام بیشتر از همه چیز ضرر زده است عدم تربیت صحیح است، تحقق پیدا نکردن تهذیب و اخلاق اسلامی است. اگر شما در طول تاریخ اسلام بلکه همهٔ انبیا توجه کنید و البته توجه دارید، آن قدری که اسلام از این اشخاص منحرف و غیر مهذب صدمه خورده است و تمام ادیان صدمه دیده اند، از هیچ چیز دیگر ندیده اند. اصل اساس آن چیزی که به مکتبهای توحیدی ضرر رسانده است و مانع شده است از اینکه رشد پیدا کنند، همین غیر مهذب بودن بود؛ گاهی از طرف اشخاصی که علم دارند و مهذب نیستند و بیشتر هم از طرف اشخاصی که جاهل بودند و مهذب نبودند. و معلوم نیست که آن قدری که از طرف عالم غیر مهذب اسلام صدمه دیده است، از طرف جهال غیر مهذب با اینکه عددشان زیاد است صدمه دیده است، از طرف جاهل غیر مهذب با اینکه عددشان زیاد است صدمه دیده باشد. تمام مکتبهای انحرافی را اشخاص دانشمند و ملا ایجاد کردند؛ چه آن چیزهایی که مذهب سازی بوده است، آنها هم اشخاص عالمی بودند که مذهب درست کردند؛ مذهبهای انحرافی، و چه مکتبهای سیاسی که آنها هم از جانب اشخاص دانشمند و عالم بوده است. و

آنقدری که به مکتبهای توحیدی از این سنخ جمعیت که عالم بودند و همه جور علمی هم شاید می دانستند، صدمه خورده است، از هیچ طایفه ای نخورده است.

۶۰ / ۱۰ / ۳۰

* * *

پرورش مهمتر از آموزش

دو رکن اصلی، آموزش و پرورش است و اسلام در هر دو رکن سفارش اکید فرموده است. و پرورش سفارشش بیشتر شده است و اهمیتهش هم بیشتر است. پرورش به معنای اینکه در هر جایی که علما مشغول تدریس هستند؛ علمای دانشگاه و علمای حوزه های علمی قدیمی و استادها در هر جا هستند با این دو رکن مواجه اند: رکن آموزندگی و تربیت علمی و رکن پرورش و تربیت اخلاقی و تهذیب نفس. ما اگر فرض کنیم که یک ملتی آموزش و پرورش در آن نفوذ کرد و همه ملت آموزش یافتند به اندازه ای که احتیاجات ملت است، و پرورش یافتند و تهذیب نفس کردند و تربیت اخلاقی شدند، ملتی که یک همچو توفیقی را پیدا بکنند یک ملت نمونه ای خواهد بود.

۶۱ / ۶ / ۲۸

* * *

فساد علم بدون تربیت معنوی

اگر تربیت معنوی نباشد پهلوی علم، و پرورش روحی نباشد، چه بسا که - و بسیار هم شده است که - همین علم، مایه فساد شده است. و همین عالمی که تهذیب نفس نداشته است، و همین استاد دانشگاهی که تهذیب نفس نداشته است، و همین اساتید دانشگاهی که مهذب نبوده اند، برای یک کشور تحفه فساد می آورند، بهتر می توانند فساد را در کشور ایجاد کنند. شما می دانید ان شاءالله و باید بدانید که در طول تاریخ که ما و شما و ملت ما صدمه دیده است، و در این اعصار اخیر که صدمات بیشتر شده است، و وابستگیهای کشور به حد اعلا رسیده بوده است، این فقط برای این بوده است که علم بوده است، تربیت اخلاقی و دینی و معنوی نبوده است. اگر دانشگاه از اول که ایجاد شد و تحقق پیدا کرد، این دو رکن در آن پیاده شده بود: رکن علم و رکن تربیت معنوی، اگر این دو جهت در دانشگاه پیدا شده بود، محصولات این دانشگاه هم محصولاتی صحیح و مترقی و سازنده بود، و کشور ما به این حالی که ما الآن داریم می بینیم نبود.

۶۱ / ۶ / ۲۸

* * *

آموزش همدوش پرورش

اگر اساتید دانشگاه فقط همشان این باشد که درس بگویند - البته در دانشگاههای سابق ما، درس هم درست نبود. اگر بود، ما اینقدر عقب نمانده بودیم از دانش هم. حالا ما فرض می کنیم که خیر، خوب حالا هم ان شاءالله خوب است - فقط بنایشان بر این باشد که تعلیم کنند اینها را، پهلویش تربیت نباشد، تربیت معنوی نباشد، از دانشگاه آنها می آید بیرون که فساد می کنند. حوزه های علمی هم همین طور است. اگر در حوزه های علمی قدیمی تهذیب نباشد، اخلاق نباشد، آموزش معنوی نباشد، فقط آموزش علمی باشد، فقط علم در کار باشد، آنجا هم افرادی از آن خواهند بیرون بیاید که دنیا را هلاک می کنند، به هم می زنند. پس آن دو رکن آموزش با رکن پرورش باید بگوییم که اینها با هم هستند، و اگر با هم در یک جمعیتی، در یک بنگاهی، در یک مدرسه ای، در یک دانشگاهی، اینها همدوش هم رفتند و جلو رفتند، آن وقت است که ما استفاده از دانشگاه می کنیم؛ استفاده از حوزه های علمی می کنیم؛ استفاده از همه جا می کنیم. از آموزشهای پایین و بالا، همه جا، همه مراتب.

بنابراین، چیزی که مهم است، قضیه پروراندن روح این اطفال از کوچکی تا برسد در هر جا که می روند، آنها را تربیت روحی بکنند و تربیت علمی. اگر علم در یک قلب فاسد وارد شد، در یک مغز فاسد از جهت اخلاق وارد شد، ضررش بیشتر از نادانی است. نادانی فقدان یک امر بزرگ است، اما دیگر ضرر زدن نیست و نابود کردن نیست. به خلاف اینکه اگر دانش باشد بدون بینش اخلاقی و بینش نفسانی و الهی، این است که بشر را به هلاکت می رساند. انبیا هم آن قدری که در تربیت پافشاری می کردند و آن قدری که مردم را سوق می دادند به اینکه مهذب باشند، آن قدر علم را سوق نمی دادند به علم. سوق به تهذیب بیشتر از او است برای اینکه، او فایده اش بیشتر است. البته علم هم یک چیزی است که مورد نظر همه بوده و هست، لکن اینها باید با هم باشند. اینها یک دو بالی هستند که اگر یک ملتی بخواهد پرواز کند طرف سعادت، با دو تایی اینها باید پرواز کند، یکی اش که ناقص باشد نمی شود.

۶۱ / ۶ / ۲۸

* * *

ضرر تعلیمات بدون پرورش روحی

من تعجب می کنم از این که مسیح با آن همه تهذیب نفس و با آن همه دعوت به معنویات، چطور شده که مریدهایش بدتر شدند از یهود هم. با اینکه از یهود نمی شود گفت کسی بدتر است - یهود اسرائیل را می گویم چه جور شده است که مریدهای او، سران کشورهای هستند که تمام بشر را دارند به آتش می کشند. این، برای

این است که علم را اینها دارند، علم سیاست دارند، علم صنایع دارند، همه چیز دارند، اما آنی که باید داشته باشند ندارند. آنی که برای بشر مفید است ندارند و آن، تهذیب نفس و معنویت. نه معنویت مسیح را آنها دارند و نه معنویت موسی کلیم را آن دسته دارند و نه معنویت اسلام را اینهایی که ادعای اسلام می کنند - بسیاری شان - دارند. آن جنبه تعلیماتی، اگرچه بسیار اهمیت دارد، لکن اگر پهلوی او پرورش روحی نباشد، مضر به حال بشر است. تمام این خرابیهایی که می بینید وارد می شود بر همه کشورها، خرابیهایی است که منشأش علما بودند. علمای دانشگاهها منشأ این مسائل بودند. آنهایی که موشکها می سازند، آنهایی که طیاره ها می سازند، آنهایی که چه می سازند، منشأ تمام این خرابیهها اینها هستند. و هر چه به سر بشر می آید از علم می آید؛ علم بدون تهذیب.

اگر ما فرض می کردیم که بشر مهذب بود و عالم نبود، دنیا با آرامش، با آرامش خاطر زندگی می کرد. اگر ما فرض می کردیم که علم توی کار نبود، فقط تهذیب نفس بود، البته خیلی عقب بود بشر از اینکه علم ندارد، خیلی نقیصه بزرگ داشت، لکن روی هم رفته اش برای بشر، صلاح این است که آموزش داشته باشد. اگر امر دایر شد بین این دو تا، صلاح بشر این است که علم تحصیل بکند، یا صلاح بشر این است که تربیت معنوی داشته باشد؟ ما شک نداریم در اینکه اگر امر بین این دو تا باشد، دایر بین این دو تا، یعنی اگر یکی آمد دیگری نباشد، اگر علم آمد تهذیب نباشد، اگر تهذیب هم آمد علم نباشد، اگر این بشر مهذب باشد، آزار به کسی نرساند، مردم را رنج ندهد، با مردم رئوف باشد، مردم را برادر خود بداند، بشر را برادر و همتای خود بداند، اگر یک همچو معنایی با همه شئونی که تهذیب نفس داشت بود، علم هم هیچ نبود، مردم در آسایش بودند. و اگر علم بود و تهذیب نبود، اگر انبیا را ما استثنا بکنیم از بشر، از اول انبیایی در کار نبودند و بشر خودش خود بخود بزرگ می شد، اگر اینطور بود، تمام بشر به هلاکت و به نابسامانی می رسید، و روی خوش در بین بشر اصلاً پیدا نمی شد. الان که می بینید که یک عدد بسیاری از مردم خوب هستند و آن توده های مردم است، این از برکت همان تربیتهای معنوی انبیای خداست. تربیتهای معنوی انبیای خدا، در عین حالی که همه قبول نکردند این تربیت را، مع ذلک آن قدر در دنیا نور افکنده است که توده های مردم، توده های ضعیف مردم، همه خوب هستند. کمتر در آنها این فسادها پیدا می شود. اگر ما فرض بکنیم که شماهایی که از اول می خواهید آموزش بدهید و نهضت سوادآموزی درست کردید، همراه او، شما پرورش نداشته باشید و تهذیب نفس نداشته باشید، این عمل شما خیلی خوب، اما هدر رفته است، همراهش باید این باشد. و اگر چنانچه، شمایی که متکفل آموزش نونهالان هستید، فقط دنبال این باشید که ما علمشان را درست کنیم و دنبال پرورششان نباشید، دنبال تهذیب نفس نباشید، شما هم موفق در کار نخواهید بود. یعنی، یک خدمت مثبتی برای کشور خودتان نکردید.



علم بدون ایمان، موجب فساد

آن چیزی که ملتها را می سازد فرهنگ صحیح است. آن چیزی که دانشگاه را بارور می کند که برای ملت مفید است، برای کشور مفید است، آن عبارت از آن محتوای دانشگاه است، نه درس است. صنعت ماعدای ایمان فساد می آورد، علم ماعدای ایمان فساد می آورد؛ إِذَا فَسَدَ الْعَالِمُ فَسَدَ الْعَالَمُ. (۱۹) هر چه علم بیشتر شد، فسادش هم بیشتر است. اهل جهنم از تعفن عالم به ایذا دارند، اذیت می کشند. عالمی که ایمان دارد آن است که خدا تعریفش می کند، پیغمبر تعریفش می کند، اسلام تعریفش می کند. اگر ایمان پهلوی تخصص نباشد، تخصص مضر است. تخصص در یک کشوری باشد که ایمان تویش نباشد، تخصص کشور را به هلاکت می رساند، به بستگی می رساند. این همه متخصص ما داشتیم در هر رشته ای، در زمان سابق، برای این ملت چه کردند این متخصصین ما؟ جز هی ملت را به عقب راندند، هی وابسته کردند، همه چیز وابسته شد؛ هر چه اسم می بردند، می گویند باید برویم به سراغ اروپا. لولهنگ سازی را خوب بلد بودند، آنها ما را می بردند برای اینکه تعلیم کنند، تعلیم نمی کردند. جوانهای ما را می بردند یک دسته را فاسد می کردند، یک چیزهای ناقصی [تعلیم می کردند]. میان راه اینها را رها می کردند بیایند.



ارزش در علم و تقوای توأمان

ارزش در لسان انبیا و در لسان اولیای خدا و در رأس آنها، قرآن کریم و رسول اکرم، - صلی الله علیه و آله و سلم - ارزش به علم و تقواست. میزان، ارزش این دو خاصه است: علم و تقوا توأماً. علم تنها ارزش ندارد یا ضعیف است ارزشش. تقوای تنها یا ارزش ندارد یا ضعیف است ارزشش.

در حدیث منقول از رسول خداست که قَصَّمَ رَجُلَانِ [یا صِنْفَانِ] ظَهْرِي: عَالِمٌ مُتَهَتِّكٌ وَ جَاهِلٌ مُتَنَسِّكٌ. (۲۰) جاهلی که نداند موازین انسانی - اسلامی را، این هر چه هم متنسک باشد، بر خلاف آن طریقه ای که طریقه انبیاست، عمل می کند. و عالمی که تقوا نداشته باشد و متهتک باشد، آن هم ضررش بر اسلام بدتر است از هر کس. آن ارزش [برای] علم و تقواست. همه چیز را از متقین قبول می کنند. در لسان قرآن، از «علم» در لسان قرآن بسیار تمجید شده است، لکن در کنارش تقوا. علم تنها فایده ندارد برای انسان، مگر همان روی موازین طبیعت و تقوا هم بدون علم انسان را نمی رساند به کمال.

۶۱/۱۰/۵

ضرر علم بدون تقوا

اگر علم تنهای بی تقوا باشد، ولو علم توحید باشد، ولو علم ادیان باشد، در آن عالم ارزش ندارد. علم تنها اگر ضررش بر ملتها و بر اسلام بالاتر از نفعش نباشد - که هست - باید گفت که بی تقوا می تواند که یک کشوری را، یک انسانهایی را به باد فنا بدهد. و آن کسی که عالمتر است بهتر می تواند که مردم را فاسد کند.

۶۱/۱۰/۵

* * *

تهذیب، همدوش با کسب تخصص

از همه کوششها لازمتر، کوشش دو قشر روحانی و دانشگاهی در راه تهذیب و تربیت خود و جوانان عزیز همدوش با تعلیم تا حد تخصص است، چرا که با فساد آنان عالم فاسد می شود و با صلاح آنان صالح. ... اساتید محترم و متفکران متعهد دانشگاهها و سایر مراکز تحصیلی که فساد رژیم سابق را لمس کردند و بدبختیهایی که از آن دستگاه فاسد نصیب ملت و کشورشان شد دریافتند، برای رضای خداوند تعالی و برای حفظ استقلال و آزادی کشورشان در تربیت انسانی نونهالان همراه با تعلیم آنان کوشش کنند؛ که علم و تخصص بدون تهذیب و تربیت، بلایی است که امروز بشر مبتلای به آن است و می رود تا عالم را به آتش کشد. و مسابقه و رقابت دو ابرقدرت در مجهز شدن به سلاحهای مدرن اتمی و هسته ای که از مبادی شیطانی و نفسانی سرچشمه می گیرد، چه مصیبتی برای بشریت دارد؛ مگر آنکه دستی از غیب بیرون آید و بشریت را نجات دهد.

۶۲/۱/۱۲

* * *

تعهد همراه تخصص

شما اگر تخصصی پیدا می کنید باید آن بعد زهد و تعهد را در نظر داشته باشید، زیرا متخصص بدون تعهد اگر برای رژیمی ضرر نداشته باشد نفعی هم ندارد.

۶۲/۲/۶

* * *

صدمات اسلام از عالم های بی تقوا

کراراً عرض کرده ام که علم بی تقوا اگر مضر نباشد، مفید هم نیست. آن مقداری که اسلام از عالم های بی تقوا صدمه دیده است، معلوم نیست از مردم عادی دیده باشد. آنچه اصل است تقواست، ولی اگر همین تقوا نزد اشخاصی جاهل باشد، گاهی ضرر می زند. آدم هایی که ظاهر صالح دارند ممکن است به واسطه ناآشنایی به مبانی اسلام، اشتباهاتی انجام دهند، اما علم و تقوا اگر در کسی جمع شد در دنیا و آخرت سعادت مند است.

۶۲ / ۶ / ۱۳

* * *

تزکیه، مقدم بر دانش

باید سعی کنیم تا کسانی که فرزندان ما را فاسد بار می آورند، به مدارس و دانشگاهها وارد نشوند و در این امر مسامحه نباید کرد. ممکن است الآن کاری نتوانند بکنند، ولی تا ده سال دیگر کارشان را انجام می دهند. ما با آنان که با اسلام دشمن اند مخالفیم و در مقابلشان می ایستیم، ولی با کسانی که با اسلام دشمنی ندارند و دنبال کار خودشان هستند کاری نداریم. مسأله ما اسلام و کشور اسلامی است. مابرای اسلام این همه جوان داده ایم، لذا باید نگذاریم خون آنان هدر رود. ما دانشمندی که برای بشریت مضر است را می خواهیم چه کنیم؟ امروز دنیا در آتش دانش دانشمندان مضر می سوزد. این سلاحهای مخرب و بمب و موشکها را همین دانشمندان ساخته اند. لذا دانش باید همراه با تزکیه باشد، اصلاً تزکیه مقدم بر دانش است.

۶۳ / ۱۲ / ۲۸

* * *

دانش و تعهد با هم

دانش تنها فایده ندارد، بلکه دانش و تعهد با هم اند که می توانند انسان را به جایی برسانند که محتاج دیگران نباشد و پیش خدا آبرومند باشد. البته این کار مشکلات و ناگواریهایی دارد.

۶۴ / ۱ / ۲۷

* * *

ضرر علم بدون عمل

مهم این است که [در] این دو جناح، هر دو، هم علم و هم عمل باشد. علم بدون عمل، مفید که نیست، بلکه مضر است. شاید بسیاری از مصیبتهایی که بر بشر واقع شده باشد، از علم واقع شده است. تمام این خرابیهایی که الآن در دنیا به وجود آمده است، اینها برای این است که علمی بوده است که توأم با تهذیب نبوده است؛ علم

را دارند، لکن مهذب نیستند. شما اگر بخواهید خدمت بکنید به اسلام، خدمت بکنید به کشور خودتان، استقلال کشور خودتان را حفظ کنید، وابسته به هیچ جا نباشید، باید هم رشته علم را تقویت کنید و هم تهذیب اخلاق را و هم عمل را.

۶۴ / ۵ / ۸

* * *

۱. ((قال النبی(ص): «أما العلم ثلاثة: آية محكمة، او فريضة عادلة، اوسنة قائمة، و ما خلاهنّ فهو فضل»؛ اصول کافی؛ ج ۱، ص ۳۲، کتاب فضل العلم، باب صفة العلم و فضله، ح ۱.
۲. ((«زلة العالم تُفسد العوالم؛ لغزش عالم جهانی را فاسد می کند»؛ غررالحکم آمدی؛ ماده زلة.
۳. ((صفحه ۵، پاورقی ۱.
۴. ((اشاره امام(س) به رضاشاه و فرزند وی محمدرضا شاه می باشد.
۵. ((صفحه ۵، پاورقی ۱.
۶. ((قال رسول الله(ص): «وإنّ اهل النار ليتأذون من ریح العالم التارك لعلمه؛ و بدرستیکه اهل دوزخ از بوی بد عالمی که به علمش عمل نکرده است، اذیت می شوند»؛ اصول کافی؛ ج ۱، ص ۵۵.
۷. ((«آنها را از لوث جهل و اخلاق زشت پاک سازد و شریعت و حکمت الهی بیاموزد»؛ (جمعه / ۳).
۸. ((احمد احمدی مشهور به پزشک احمدی ۱۲۶۱-۱۳۲۲ ه. ش. طبیب مخصوص زندان قصر در دوران رضاشاه که مبارزان زیادی را به وسیله آمپول هوا به شهادت رساند. وی در سال ۱۳۲۲ به اعدام محکوم و در میدان توپخانه تهران به دار آویخته شد.
۹. ((شیخ فضل الله نوری (۱۲۵۸-۱۳۲۵ ه. ق.) از شاگردان میرزای شیرازی و نماینده تهران و از رهبران مشروطه بود که بعداً به دلیل مخالفت‌هایش با منحرفان و ندای مشروطه مشروعه توسط آنان به دار آویخته شد.
۱۰. ((شیخ ابراهیم زنجانی، نماینده دوره های اول، دوم، سوم و چهارم مجلس شورای ملی که در سال (۱۳۲۸ ه. ق.) مرحوم شیخ فضل الله نوری را محاکمه و به اعدام محکوم کرد. وی در ماه آذر سال ۱۳۱۳ خورشیدی درگذشت.
۱۱. ((صفحه ۲۶، پاورقی ۲.
۱۲. ((صفحه ۵، پاورقی ۱.
۱۳. ((«بدرستیکه انسان در خسارت و زیان است»؛ (عصر / ۲).

۱۴. ((خطاب به دانش آموزان.
۱۵. ((«همان سرشت الهی که مردم را بر آن پدید آورد»؛ (روم / ۳۰).
۱۶. ((«هر نوزادی با سرشت خدایی زاییده می شود»؛ اصول کافی؛ ج ۲، ص ۱۲-۱۳.
۱۷. ((صفحه ۲۰، پاورقی ۱.
۱۸. ((مخاطبین امام (س) جمعی از کارکنان مدرسه عالی شهید مطهری و اعضای انجمنهای اسلامی دانش آموزان مدارس دخترانه دامغان و سمنان بوده اند.
۱۹. ((صفحه ۲۰، پاورقی ۱.
۲۰. ((«دو نفر یا دو گروه پشت مرا شکستند، عالم بی پروا و جاهل خشکه مقدس»؛ محجّة البیضاء؛ ج ۱، ص ۱۲۴.

فصل دوم:

رسالت دانشگاه

انسان سازی

قطع وابستگی و استقلال کشور

سعادت ملتها

حفظ و تداوم انقلاب اسلامی

سازندگی و توسعه

انسان سازی

تربیت انسان مؤمن

ما هر دو طایفه (۱) باید تربیت کنیم قشر جامعه را. ما احتیاج به آدم داریم. مملکت ما احتیاج دارد به اینکه انسان درست بشود در آن؛ مؤمن باشد. این آدمی که از زیر دستگاه شما یا از دستگاه ما بیرون می آید، اگر مؤمن باشد، دیگر نمی شود که زیر بار ظلم اجانب برود و یا تطمیع بتواند بکنند او را. این تطمیعیها و تهدیدها را همه آنی که تطمیع می شود و تهدید [در] آنها اثر می کند آنهايي [هستند] که ایمان ندارند. آنی که تقوا و ایمان دارد نه تطمیع در او تأثیر می کند - که خیانت کند - برای اینکه ببرد یک چیزی؛ و نه تهدید در او اثر می کند؛ برای اینکه تهدیدها را با خلاف تکلیف کردن موازنه می کند، می گوید نباید بکنم. اگر شما و ما دست به هم بدهیم و یک جامعه توحیدی، به معنای اینکه همه معتقد به خدا، همه معتقد به اینکه یکوقتی کارها جزا دارد، همه معتقد و مؤمن به همه جهات، اگر ما و شما دست به هم بدهیم و جوانها را مؤمن، متقی، بار بیاوریم، مملکتمان تا آخر احیا می شود... و برنامه ها، برنامه های سابق نباشد و یک تحول در برنامه ها پیدا بشود و کوشش کنید که برنامه هایی که برای عقب نگه داشتن ما بوده است این برنامه ها تغییر کند؛ البته در موقعش ما کوشش می کنیم؛ اما شما الآن باید کوشش بکنید. برنامه هایی که دیگران برای ما درست کردند ما نباید زیر بار آن برویم. ما باید تغییرش بدهیم.

۵۸ / ۳ / ۳

* * *

دانشگاه، مهد تربیت

آنچه که در اسلام مطرح است اموال نیست؛ مادیات نیست؛ معنویات است که باید از دانشگاه به همه اقشار سرایت بکند. یعنی چه دانشگاه شما، و چه دانشگاه روحانیون. این دو قشر هستند که تربیت امت به عهده این دو قشر است. این دو قشر از همه قشرها عملشان شریفتر و از همه قشرها مسئولیتشان بیشتر است. عمل شریف، برای اینکه مرکز انسان درست کردن است. دانشگاه باید مرکز درست کردن انسان باشد. چه دانشگاه روحانی، و چه دانشگاه شما. و این یک امری بوده است که انبیا - علیهم السلام - مأمور بر همین امر بوده اند که انسان درست کنند. کتب آسمانی، همه کتب آسمانی، برای انسان ساختن آمده است. اگر انسان ساخته بشود، همه چیز به صورت معنویت درمی آید؛ یعنی مادیات هم به صورت معنویت در می آید. به عکس، اگر چنانچه قشرها شیطانی باشند و از دانشگاه ما و شما انسانهای منحرف بیرون بیایند، معنویات هم به صورت مادیات درمی آید؛ فانی در مادیات می شود.

۵۸ / ۳ / ۱۶

* * *

تحول در خود اشخاص

ما می خواهیم یک جمعیتی نورانی پیدا بکنیم، یک قشرهای نورانی که وقتی وارد می شویم در یک دانشگاهی، عملش نورانی، علمش نورانی، اخلاقش نورانی، همه چیزش نورانی باشد؛ الهی باشد. پیروزی نه برای این است که ما برسیم به یک مثلاً آزادی؛ برسیم به یک استقلالی و منافع برای خودمان باشد، همین؛ همین دیگر تمام؟ حالا که دیگر منافع مال خودمان شد، دیگر کاری دیگر نداریم؟

اینها مقدمه است. همه اش مقدمه این است که یک ملت انسان پیدا بشود؛ یک ملتی که روح انسانیت در آن باشد پیدا بشود؛ تحول پیدا بشود در خود اشخاص. آن چیزی که مطرح است پیش انبیا انسان است. آن چیز، چیز دیگر نیست؛ انسان مطرح است پیش انبیا؛ چیز دیگر پیش انبیا مطرح نیست. همه چیز به صورت انسان باید درآید. می خواهند انسان درست کنند. انسان که درست شد، همه چیز درست می شود.

۵۸ / ۳ / ۱۶

* * *

کوشش برای درست کردن انسان

شما دانشگاهی ها کوشش کنید که انسان درست کنید. اگر انسان درست کردید، مملکت خودتان را نجات می دهید. اگر انسان متعهد درست کردید، انسان امین، انسان معتقد به یک عالم دیگر، انسان معتقد به خدا، مؤمن به خدا، اگر این انسان در دانشگاههای شما و ما تربیت شد، مملکتان را نجات می دهد. بنابراین، کار، کار بسیار شریف، و مسئولیت، مسئولیت بسیار زیاد. الآن این مسئولیت به دوش ما و شماست. این مسئولیت بزرگ، یعنی سعادت ملت را شما و ما باید بیمه کنیم: قشر روحانی و قشر دانشگاهی. سعادت ملت را شماها باید بیمه کنید. این مسئولیت به دوشتان آمده، نرفتید زارع بشوید. اگر زارع بودید مسئولیت داشتید، اما نه این مسئولیت را. اگر یک کاسبی بودید مسئولیت داشتید در حدود شعاع خودتان؛ اما الآن مسئولیت، مسئولیت یک ملت است؛ مسئولیت یک کشور است. مسئولیت برای اسلام است. مقابل خدا، الآن همه مسئولیم. باید همه ما کوشش کنیم، دانشگاه کوشش کند، دانشگاههای دینی کوشش کنند، دانشگاههای علمی شما کوشش کنند، انسان درست کنند همه دنبال این باشید: انسان.

اگر انسانیت را استثنا بکنید، یک فردی درست کنید دانشمند، یک طبیبی که بهتر از همه اطبای دنیاست، اگر این وجهه انسانی نداشته باشد، همین طبیب مضر است. همین طبیب وقتی که می خواهد یک کسی را معالجه کند، دنبال منافع است؛ نه دنبال معالجه؛ دنبال این است از این چقدر درمی آید! هرچه بشود بیشتر بدو شد او را. اگر یک طبیب درست کنید که انسانی بار بیاید، او دنبال معالجه است؛ نه دنبال اینکه از این چقدر

درمی آید. قضیه کسب نیست؛ قضیه علاج انسانی است؛ الهی است. یک طبیب می تواند معالجه اش الهی باشد؛ می شود معالجه اش شیطانی و طاغوتی باشد. معالجه طاغوتی، اینکه برود دنبال اینکه چقدر از این درمی آید. - چقدر ما قضیه استخوان لای زخم! چقدر ما می توانیم از این استفاده کنیم. هر چقدر می توانیم استفاده کنیم معطلش کنیم! الهی می خواهد این را نجات بدهد، ولو چیزی گیرش نیاید؛ می خواهد این را نجات بدهد. اگر در دانشگاه شما انسان درست شد، او می خواهد ملت را نجات بدهد؛ در فکر این نیست که خودم چی باشم؛ مقام خودم چی باشد؛ می خواهد نجات بدهد؛ و اگر طاغوتی شد، می خواهد استفاده کند؛ نمی خواهد نجات بدهد؛ می خواهد خودش را، برای خودش کار کند، نه برای کشور.

۵۸ / ۳ / ۱۶

* * *

نقش دانشگاه ها، ساختن انسان

دانشگاه در هر کشوری ... نقششان این است که انسان درست کنند. مأمور ساختن انسان هست دانشگاه. از دانشگاه ممکن است یک انسان پیدا بشود که یک کشور را نجات بدهد و ممکن است که یک انسان پیدا بشود که کشور را به هلاکت بکشد. این نقش مهمی در دانشگاه است. مقدرات هر کشوری به دست دانشگاه و آنهایی که از دانشگاه بیرون می آیند هست. بنابراین دانشگاه بزرگترین مؤسسه مؤثر است در کشور؛ و بزرگترین مسئولیتها [را] هم دانشگاه دارد. اینکه اجانب به وسیله عمالشان این کار را انجام دادند که دانشگاههای ما را عقب نگه داشتند و به اصطلاح استعماری درست کردند، برنامه ها، برنامه های استعماری بود، این برای این بود که از دانشگاه می ترسند همین مطلب را که نقش دارد دانشگاه. همین مطلب در روحانیت هم هست، روحانیت هم نقش دارد. در روحانیت هم ممکن است یک روحانی یک کشور را نجات بدهد و ممکن است یک روحانی یک کشور را به هلاکت برساند. این دو قطب، که عبارت از قطب دانشگاه، به معنای تمام کلمه، دانشگاه، همه دانشگاه ها و روحانیت، این دو قطب تمام سرنوشت یک ملت را در دست دارند. و لهذا، کار از همه کارها بالاتر و شریفتر است [و برای اینکه کار، همان کار انبیاست. همه انبیا برای آدمسازی آمده اند. قرآن کریم یک کتاب آدمسازی است. همه انبیا آمده اند که آدمها را درست کنند. به درست کردن آدم همه بساط درست می شود. این دو قطب که هر دو مأمور آدمسازی هستند، قطب دانشگاه مأمور آدمسازی هست و قطب روحانیت مأمور آدمسازی، کارشان شریفترین کارهاست برای اینکه همان کار انبیاست؛ و هم مسئولیتشان بالاتر از همه مسئولیتهاست، برای اینکه در اینجا همه چیز درست می شود تمام نظر اجانب به این دو قطب دوخته شده بود. منتها هر جا را یکجور کوبیدند.

۵۸ / ۳ / ۲۱

دانشگاه، عهده دار ساختن افراد

باید یک مملکتی که عهده دار تربیتش دانشگاه است، چه دانشگاه روحانی و چه دانشگاه شما، عهده دار انسان سازی باشد، که وقتی این جوانها از دانشگاه بیرون آمدند انسان بیرون آمده باشند؛ غربی نباشند؛ اسلامی باشند.

۵۸ / ۳ / ۲۱

* * *

تعلیمات همراه با تربیت انسانی

مهم در دانشگاهها، دانشسراها، تربیتهای معلم، تربیتهای دانشجویی، این است که همراه با تعلیمات و تعلیمات، تربیت انسانی باشد. چه بسا اشخاصی که در علم به مرتبه اعلا رسیده اند، لکن تربیت انسانی ندارند. یک همچو اشخاصی ضررشان بر کشور، ضررشان بر ملت، ضررشان بر اسلام، از دیگران زیادتر است. آن کسی که دانش دارد، لکن دانشش توأم با یک تهذیب اخلاق و یک تربیت روحی نیست، این دانش موجب این می شود که ضررش بر ملت و بر کشور زیادتر باشد از آنهایی که دانش ندارند. همین دانش را یک شمشیری می کند در دست خودش، و با آن شمشیر دانش ممکن است که ریشه یک کشور را از بین ببرد و قطع کند.

۵۸ / ۴ / ۶

* * *

مصون سازی کشور، نتیجه تربیت انسانی

اگر دانشگاه ها درست نشود و مدرسه های ما هم درست نشود، امید اینکه یک جمهوری اسلامی ما پیدا بکنیم نداریم. اگر این دو قشر (۲) تربیت شدند به طوری که اسلام می خواهد، تربیت انسانی شدند، هم مملکت ما مصون می شود از تصرف شیاطین و روی چرخ خودش گردش می کند بدون وابستگی به خارج و بدون خیانتهای داخلی؛ و هم ترقیات حاصل می شود برای شما. مهم در دانشجویی و در دانشیاری و در استادی و در شاگردی و در تربیت [و] در علم این است که یک تربیت صحیح همراه علم باشد. عالم تربیت شده به تربیت انسانی، که همان تربیت اسلامی است. کوشش کنید که هر قدمی که برای علم برمی دارید، برای عمل ظاهری و برای اعمال باطنی، ایجاد تقوا در خودتان، ایجاد استقامت، امانت در خودتان بکنید که وقتی از دانشگاه ان شاءالله بیرون می آید یک انسانی باشید که هم معلومات داشته باشید و هم امانتدار باشید. برای معلوماتتان، هم امانتدار باشید و هم تزکیه نفس کرده باشید؛ نفس خودتان را مهار کرده باشید. نفس انسان سرکش است. و سرکشی آن انسان را به زمین می زند. همان طوری که اگر انسان سوار یک اسب سرکش باشد و مهار نداشته باشد این اسب سرکش انسان را به هلاکت می رساند، نفس انسان بدتر از هر سرکشی است. سرکشی نفس،

انسان را به هلاکت می رساند. هر قدمی که برای تعلیم و تعلم برمی دارید، همراه آن قدم، قدمی باشد برای مهار کردن نفستان که از این سرکشی که دارد و آزادی که برای خودش فرض می کند که هیچ مهاری در کار نباشد؛ خودتان مهار کنید نفس خودتان را. اگر یک همچو تعلیم و تربیتی در یک کشوری باشد، این کشور می تواند مستقل باشد، می تواند آزاد باشد، اقتصادش را می تواند تأمین کند، می تواند فرهنگش را درست کند و می تواند همه چیزش را اصلاح کند، یک همچو کشوری دیگر حکومتش نمی تواند معوج باشد؛ ارتشش نمی تواند زورگو باشد، ژاندارمریش نمی تواند تعدی بکند؛ شهربانیش نمی تواند خلاف بکند. عمده این است که از دانشگاهها، چه دانشگاههای علوم جدید باشد و چه دانشگاههای علوم قدیمه باشد، که مقدرات یک مملکت دست این دو قشر است، از اینها انسان بیرون بیاید؛ نه چهارپایی و بر دوشش کتابی چند، اینطور نباشد که تعلم باشد، شما در طرف علوم طبیعی و این طایفه هم در طرف علوم فقهی و الهی، دقایق علوم را بررسی کنید، لکن از آن جهالاتی که در نفس است و از آن سرکشیهایی که در نفس است غفلت بکنید. اگر غفلت بکنید، هر قدمی که در علم بردارید از انسانیت دور شده اید؛ هی دورتر. انسانیت یک راه مستقیمی است، یک راه مستقیم که اگر از این ور کسی برود مُعَوَج است و برخلاف انسانیت است؛ اگر از آن ور هم برود برخلاف است و آن کسی که اعوجاج پیدا کرد و راه مستقیم نرفت، هر چه پیش برود دور می شود از راه انسانیت. مثل این می ماند که یک خط مستقیم بکشید، دو خط اینطور، هر چه این خط جلوتر برود، از خط مستقیم دور می شود.

هر چه درس بخوانید و بخوانیم، اگر چنانچه به راه مستقیم نباشیم و مهار نکنیم معلومات خودمان را و مهار نکنیم نفس خودمان را و در این راه مستقیم نکشیم نفس را، هر چه معلومات زیادتر بشود، از انسانیت، انسان دورتر می شود و مشکلتر می شود انسان خودش را برگرداند.

۵۸ / ۴ / ۱۷

* * *

مؤمن نمودن قشر آتیه ساز

شما و ما دست به هم بدهیم برای قشر آتیه که اینها مقدرات مملکت دستشان است، ایمان ایجاد کنیم. شما از دانشگاه مؤمن بیرون بدهید؛ ما از مدرسه ها مؤمن بیرون بدهیم؛ نه عالم. عالم تنها فایده ندارد. البته مؤمن تنها هم مؤثر خیلی نیست. خوب، قشرهای دیگر هم مؤمن هستند. اما عالم وقتی مؤمن شد، عالم وقتی متقی شد، آن است که منشأ خیرات و برکات است، و حفظ یک کشور، یا خدای نخواستہ از آن طرف به باد دادن یک کشور است. بنابراین، یک بار سنگینی به عهده ما و شماسست و این بار سنگین که به عهده ما و شماسست اگر چنانچه درست راه بردیم و به آن شغلی که داشتیم درست عمل کردیم و در کنار علم ایمان را هم تقویت کردیم.

۵۸ / ۳ / ۳

* * *

اصلاح آدم ها

همه مملکت باید مشغول بشوند برای اصلاح خودشان. اول اصلاح آدم ها را بکنند که مقدم بر همه چیز است. دانشگاه ها را مرکز تربیت قرار بدهید. علاوه بر دانش، تربیت لازم است. اگر یک دانشمندی تربیت نداشته باشد مضر است. خیانت می کند، و آن کسی که با علم خیانت بکند، با دانشمندی خیانت بکند، خطرش بیشتر از سایر مردم هست. دانشگاهها را تربیت بکنید. دانشگاهیها تربیت بکنند، این دانش آموزها را. اینها قابل تربیتند. اگر تربیتشان کردید درست حسابی، می توانند اداره کنند. شما بعدها باید این مملکت را با این جوانها اداره بکنید. بخواهید مستقل باشید و ان شاءالله همه می خواهید آزاد باشید و همه می خواهید. باید شماهایی که اهل دانشگاه و تربیت و اهل تعلیم هستید، جوانها را تربیت کنید و تعلیم. همراه تعلیم، تربیت باشد.

۵۸ / ۱۰ / ۱۴

* * *

نجات از غرزدگی

دانشگاهها اگر علاقه دارند به اسلام، اگر علاقه دارند به کشورشان، اگر علاقه دارند به ملتشان، جوانها را تربیت صحیح بکنند. از این غرزدگی نجاتشان بدهند. و همه جاها و همه کس باید دنبال این مطلب باشد. و حکومتها که مع الأسف کمترشان هست که در فکر این مسائل باشند، باید اگر چنانچه علاقه به اسلام دارند، علاقه به کشور دارند، علاقه به ملت دارند، کیفیت اعمالشان را تجدیدنظر بکنند. اینطور که تاکنون عمل شده است، دست بردارند.

۵۸ / ۱۰ / ۲۰

* * *

لزوم حضور علمای اخلاق در دانشگاه ها

همه دانشگاهها، همه مراکز تربیت، همه مدارس قدیمی باید در آن اشخاصی باشند که آن اشخاصی که در آنجا هستند تربیت بکنند، تربیت اخلاقی بکنند. علمای اخلاق لازم است، هم در دانشگاه و هم در مدارس و هم در همه جا.

۵۹ / ۴ / ۱۰

* * *

انسان دانشگاهی می خواهیم، نه معلم و دانشجو

ما انسان دانشگاهی می خواهیم، نه معلم و دانشجو. دانشگاه باید انسان ایجاد کند و انسان بیرون بدهد از خودش. اگر انسان بیرون داد از خودش، انسان حاضر نمی شود که کشور خودش را تسلیم کند به غیر. انسان حاضر نمی شود که تحت ذلت برود و اسارت. آنها هم از انسان می ترسند.

۵۹ / ۹ / ۲۷

* * *

تربیت مطابق فطرت الهی

آنجا هم چنانچه تربیت، یک تربیت انسانی باشد و موافق با فطرت انسان که همان فطرت، ودیعه گذاشته از خداست *فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا (۳)* آنطور باشد، در دانشگاه هم همان جور تربیت باشد، اینها بعد که تحویل به جامعه داده می شوند و مقدرات جامعه قهراً به دست اینها سپرده می شود *بِالْمَالِ* کشور را کشور نورانی، کشور انسانی، کشور به فطرت الله، تربیت می کنند، و کشور را به جلو می برند.

اگر شما بخواهید تعلیم کنید فقط اطفال را و کاری به این نداشته باشید که در پهلوی تعلیم و تربیت انسانی، تربیت اخلاقی باشد، اینها با همان علم بدون تربیت، مراحل را طی می کنند. و علم بدون تربیت آنها را یا اکثر آنها را رو به فساد می کشد.

۵۹ / ۱۱ / ۱۰

* * *

ساختن انسانهای متعهد

ما می خواهیم یک دانشگاهی باشد که بعد مثل شما (۴) را بیرون ندهد! یک دانشگاهی که یک آدم متعهد به اسلام را بیرون بدهد. اگر تعهد به اسلام داشته باشد، نه ما را طرف شرق می کشد، نه ما را طرف غرب می کشد؛ نه آن دید تنگ بعضی از شما را دارد که می گوید «ما نمی توانیم».

۶۰ / ۳ / ۲۵

* * *

ساختن جوانان

دانشگاه خودش را مجهز کند برای اینکه جوانها را بسازد.

۶۰ / ۹ / ۲۲

* * *

رجوع مسلمین به دانشگاه ایرانی

ما باید طوری جوانانمان را تربیت کنیم که مسلمانان دیگر کشورها بفهمند که تربیت در اینجا مفید است. و این را بدانید که اگر دانشگاه درست کار کرد و خود را به دنیا عرضه نمود و مردم دنیا فهمیدند که دانشگاه ایران برای خودش کار می کند، نه برای خارج، قهراً مسلمانان دیگر کشورها به اینجا خواهند آمد.

۶۴ / ۱ / ۲۷

* * *

الهی بودن دانشگاه ها

دانشگاه را باید شما روبه خدا ببرید، رو به معنویت ببرید و همهٔ درسها هم خوانده بشود، همهٔ درسها هم برای خدا خوانده بشود. اگر این را توانستید که شما برای این کار بروید و این کار را بکنید، در کارتان موفقید، چه برسید به مقصدتان، چه نرسید به مقصدتان.

۶۴ / ۹ / ۱۹

* * *

۱. ((اشاره حضرت امام(س) به دو قشر دانشگاهی و حوزوی بوده است.
۲. ((منظور، دانشگاهیان و روحانیون است.
۳. ((صفحه ۳۷، پاورقی ۱.
۴. ((منظور حضرت امام(س)، سران جبهه ملی است.

قطع وابستگی و استقلال کشور

دانشگاه، زمینه ساز استقلال مملکت

اگر دانشگاهها درست نشود و مدرسه های ما هم درست نشود، امید اینکه یک جمهوری اسلامی ما پیدا بکنیم نداریم. اگر این دو قشر تربیت شدند به طوری که اسلام می خواهد، تربیت انسانی شدند، هم مملکت ما مصون می شود از تصرف شیاطین و روی چرخ خودش گردش می کند بدون وابستگی به خارج و بدون خیانت‌های داخلی؛ و هم ترقیات حاصل می شود برای شما(۱).

۵۸ / ۴ / ۱۷

* * *

خودباوری و استقلال

دانشگاهها بروند دنبال اینکه جوانهای ما را مستقل بجا بیاورند، تربیت کنند که بفهمند خودشان یک فرهنگ دارند؛ یک فرهنگ بزرگ دارند. بفهمند فرهنگ از اینجا صادر شده است به خارج. بفهمند که ما هم یک چیزی در عالم هستیم؛ و ما خودمان می خواهیم خودمان را اداره کنیم.

۵۸ / ۸ / ۷

* * *

قطع احتیاج از خارج

باید دانشگاه جدیت کند به اینکه افرادی را همچو بار بیاورد، همچو تربیت و تعلیم بکند، که احتیاج را از خارج سلب بکنند اینها. طبیبش طبیب خودمان باشد، و ما احتیاج نداشته باشیم به طبیب خارج یا رفتن به خارج. وقتی می خواهد یک لوزه ای را عمل کند - در رژیم سابق لوزه یکی از بچه هایش، نمی دانم، یا از بستگانش را می خواست عمل کنند از اروپا می آورند که لوزه اش را عمل کنند.

۵۸ / ۸ / ۱۱

* * *

مستقل، نه محتاج

اگر یک مملکتی بخواهد مستقل باشد، اول شرط این است که احتیاج نداشته باشد به غیر، اگر احتیاج داشت که نمی تواند مستقل باشد. احتیاج، خودش یک بستگی [سیاسی] است. اگر یک روزی آن کسی که ما به او محتاج - فرض کنید - باشیم، یک روزی جلوی ما را بگیرد، خوب ما باید تسلیمش بشویم. ما باید کاری بکنیم که

مستقل بشویم. کاری بکنیم که محتاج نباشیم؛ این هم به این است که دانشگاهی بنایش را بر این بگذارد که در دانشگاه خودش کاری بکند که آن مقداری که مملکت خودش محتاج است [بتواند آن مقدار را درست بکند.

۵۸ / ۱ / ۱۱

* * *

خودکفایی در دانش

باید دانشگاهها خودکفا بشوند که احتیاج به دانش غرب نداشته باشند.

۵۸ / ۱۰ / ۱۲

* * *

دانشگاه خودکفا و مستقل

باید دانشگاهها خودکفا بشوند که احتیاج به دانش غرب نداشته باشند. ... دانشمندیهای ما نترسند از غرب. اساتید دانشگاه ما نترسند از غرب. و جوانان ما نترسند و اراده کنند که در مقابل غرب قیام کنند.

۵۸ / ۱۰ / ۱۲

* * *

لزوم آرامش در دانشگاه ها

اگر در دانشگاه بخواهد آرامش نباشد، این دانشگاه نمی تواند تخصصهای متخصصین را پذیرا باشد. شما اساتید محترم نمی توانید علم خودتان را به دیگران [تعلیم] کنید، مگر در یک محیط آرام؛ آرامش دانشگاهها از همه جا لازمتر است. اگر آرامش در دانشگاه نباشد، تمام زحمتهای اساتید به باد فنا خواهد رفت. اگر آرامش در دانشگاه نباشد و در محیطهای تعلیمی نباشد، چه طور امکان دارد که متفکران افکار خودشان را به جوانان ما صادر کنند و مغزهای آنها را متفکر و متخصص بار بیاورند. آن چیزی که برای ما مهم است آرامش است در همه جا، در سطح کشور، در بین کشاورزان، در بین کارخانه ها، در بین صاحبان صنایع و خصوصاً در بین دانشگاه. از دانشگاه است که تمام علوم به خارج و به جوانان ما می رسد. این احتیاج به یک آرامش دارد.

۶۰ / ۱ / ۲۴

* * *

خروج از وابستگی

ما می خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم در خدمت خود مملکت، در خدمت خود ایران، نه دانشگاهی داشته باشیم که در شعار این باشد که ما می خواهیم که ایران متمدن آباد داشته باشیم و رو به دروازه تمدن برویم و

وقتی که واقعه را دیدیم و دیدید از همه جهات وابسته بودیم. ما با دانشگاهی که ما را وابسته به خارج بکند - هر خارجی می خواهد باشد - ما با آن دانشگاه از اساس مخالفیم.

ما دانشگاهی می خواهیم که ما را از وابستگی ها بیرون بیاورد؛ ما را مستقل کند، تمام کشور ما را مستقل کند و از وابستگی ها خارج کند. ما متخصص می خواهیم و اسلام با تخصص موافق است. اسلام در رأس ادیانی است که از علم و تخصص تمجید کرده و مردم را دعوت کرده است، حتی دعوت کرده است که هر جا یافتید علم را، حتی از هر کافری یافتید، آن را بگیرید، اما باید بگیرید و در خدمت اسلام و کشور باشد، نه علم را بگیرد و بر ضد کشور خودتان استعمال کنید. ما می خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم و یک کشوری داشته باشیم که این وابستگی مغزی ما را که مقدم بر همه وابستگی ها و خطرناکتر از همه وابستگی هاست، نجات بدهد. ما اساتید دانشگاهی را می خواهیم که آن اساتید بتوانند مغزهای جوانهای ما را مستقل بار بیاورند، غربی نباشند، شرقی نباشند، رو به غرب نایستند، آتاتورک (۲) نباشند و تقی زاده (۳) نباشند. ما می خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم که بعد از چند سال دیگر تمام حواجی خودمان را خودمان تحصیل کنیم. ما با تخصص هیچ مخالفتی نداریم و آن چیزی که ما با آن مخالفیم وابستگی مغزهای جوانهای ما را به خارج، شرق و غرب، است. دانشگاه های ما الا عده معدودی، یا در صدد نبودند که این وابستگی را بردارند یا در صدد بودند که وابسته کنند این مغزها را به خارج. ما می خواهیم که اگر بیماری پیدا [شد] اینطور نباشد که بگویند که باید حتماً بروید به انگلستان، حتماً بروید به امریکا. ما می خواهیم که همانطوری که یک امریکایی اگر مریض شد به ایران نمی آید و یک انگلیسی اگر مریض شد به ایران نمی آید، یک ایرانی هم اگر مریض شد، جای دیگر نرود. ما یک همچو تخصصی می خواهیم که جوری بار بیاورد کشور را و جوانهایی که در رأس امور کشور هستند که اینها مغزهایشان وابسته نباشد و فکری جز اسلام و ایران در سرشان نباشد. ما با تخصص مخالف نیستیم، انجمن های اسلامی هم همین طور. کدام انجمن اسلامی می تواند با تخصص مخالف باشد؟ کدام انجمن اسلامی نمی خواهد که تمام جوان های ما در رشته های مختلف متخصص باشند و خودکفا باشند؟ همه می خواهند، لکن دانشگاه های سابق را دیدید که ما بعد از چندین سال، سال های طولانی، که دانشگاه داشتیم، آن وقت یک کسی که به عنوان رئیس مملکت خودش را جا زده بود، آن شاه مخلوع، برای آپاندیس یکی از بستگان خودش از خارج آدم آورد و طبیب آورد که عمل کند! برای اینکه او در مغز پوکش می دانست این معنا را که جوری این ایران را وابسته کرده که خودشان از عهده این معنا بر نمی آیند و اگر برآیند هم، باید کاری کرد که به همه ملتها فهماند که ما هیچ نیستیم. ما حتی عمل آپاندیس هم بعد از مدتها دانشگاه [داشتن] نمی توانیم انجام بدهیم! ما می خواهیم این فکر را از توی کله ها بیرون کنیم. انجمن اسلامی باید در صدد این معنا باشند که این فکر را از اذهان بیرون کنند و خودشان را بیابند، بعد از اینکه قرنها تقریباً، خودشان را گم کرده بودند.

ما می خواهیم طوری باشد و افرادی تربیت بشود [مانند ابن سینا] که کتاب قانون او (۴) در اروپا الآن هم مورد استفاده است، نه اینکه اشخاصی باشند که الفبای مسائل اسلامی را نمی دانند و تا صحبت می شود می گویند اسلام نمی تواند! ما یک همچو دانشگاهی می خواهیم همطراز با حوزه های علمیه که وابستگی هیچ روز نداشته اند با خارج و اگر یک کس، یک نفر، دو نفر، وابستگی داشتند، رسوا هستند. ما می خواهیم دانشگاهی باشد که همفکر باشد با دانشگاههای علمی قدیمی که آنها هیچ روز وابسته به خارج نبودند و اگر فردی یا افرادی از آنها منحرف بودند در بین آنها رسوا بودند. ما می خواهیم یک همچو مطلبی تحقق پیدا بکند.

۶۰ / ۳ / ۴

* * *

دانشگاه، معبر استقلال

از دانشگاه است که می تواند یک کشوری کشور مستقل باشد؛ و از دانشگاه است که می تواند یک کشوری کشور وابسته باشد.

البته باید آقایان دانشجویان و علمای دانشمند دست به هم بدهند و هرچه زودتر دانشگاهها را به طریقه اسلامی، به طریقه ملی، دانشگاهی که مال خود ملت باشد، دانشگاهی که مال خود ملت اسلامی باشد، زودتر باز بشود و دست اشخاصی که می خواهند این دانشگاه را به طرف شرق بکشند یا به طرف غرب بکشند کوتاه کنند و مقدرات دانشگاه را معلمین و اساتید اسلامی به دست بگیرند و دانشگاه یک دانشگاه ملی برای ملت باشد، نه اینکه زحمت را ملت بکشد و خرج دانشگاهها را ملت به عهده بگیرد و یک دانشگاهی باشد که اشخاصی که از او بیرون می آیند یا قبله شان شرق باشد یا قبله شان غرب باشد. باید دانشگاه باز بشود، لکن با آن وضعی که تربیتهای اسلامی و ملی و انسانی باشد. اینطور نباشد که ما فقط می خواهیم باز باشد. باز بود، پنجاه سال هم باز بود. چه اشخاصی را بیرون داد؟ همان اشخاصی را که ملت را به تباهی کشاندند و الآن هم دست از سر این ملت بر نمی دارند. ما می خواهیم که دانشگاهی باشد که ملت ما را مستقل و غیر وابسته به شرق و غرب درست بکند؛ نه ملت را به طرف شرق بکشد، نه ملت را به طرف غرب بکشد؛ یک ملتی مستقل، با فکر مستقل، با دانشگاه مستقل؛ که با استقلال دانشگاه کشور مستقل می شود؛ یک دانشگاهی که با فیضیه دست به دست هم بدهند و شرق و غرب را کنار بزنند و خودشان برای مصالح کشور خودشان و برای مصالح اسلام عزیز خودشان عمل بکنند و نونهالان عزیز ما را طوری بار بیاورند که نه قبله آنها مسکو باشد و نه قبله آنها لندن باشد و نه قبله آنها واشنگتن؛ قبله آنها کعبه باشد؛ توجه به خدای تبارک و تعالی باشد و اسلام را در آغوش بگیرند، که استقلال آنها، عزت آنها در سایه اسلام است. و اسلام برای علم آن قدر اجر قائل است که شاید دیگر مسالک آن قدر قائل نباشند. اسلام دانشمندا را آن قدر ارج می گذارد که شاید سایر مسالک آنطور نباشد. در اسلام، دانش بزرگترین

چیز است، لکن نه دانش آنطوری که ما را به تباهی بکشد، نه دانشمندان آنطوری که ملت ما را به آغوش غرب یا شرق ببرد. اسلام کوشش دارد که علم را در مغزهای مستقل، در مغزهایی که به طرف شرق و غرب نیستند، در مغزهایی که به اسلام فکر می کنند، بار بیاورد. و این استقلال است که می تواند کشور ما را مستقل کند. استقلال کشور ما منوط به استقلال همین دانشگاهها و فیضیه هاست. دانشگاه و فیضیه دست به دست هم بدهند و استقلال کشور خودشان را حفظ کنند. و امید خودشان را از غیر دانشگاه اسلامی و غیر فیضیه اسلامی، امید خودشان را از دیگران ببرند... امیدوارم که موفق باشید که خودتان، کشور خودتان را مستقلاً اداره بکنید؛ دست شما از طرف شرق و غرب به سوی خودتان برگردد؛ و شرّ شرق و غرب از کشور ما به سوی خودشان برگردد.

۶۰ / ۳ / ۲۳

* * *

استقلال ملت، تابع تربیت های دانشگاهی

هر چه از خوبیها و بدیها برای یک ملتی تحقق پیدا می کند، وابستگی یا استقلال، در قید و بند بودن و اختناق یا آزادی، تابع تربیتهای دانشگاهی است. آنچه که دانشگاه در یک کشوری نقش دارد از امور مهمّه ای است و نقش بزرگی دارد که این نقش بزرگ را اگر ایفا کند و به طور صحیح ایفا کند، کشور را به مقصد اعلاّی خودش می رساند. این دو جناح دانشگاه و فیضیه، که بحمدالله، امروز با هم تحکیم وحدت کرده اند و با هم یک عضو برای جامعه شده اند، اینها می توانند که کشور را به استقلال حقیقی و آزادی برسانند و اگر - خدای نخواست - این دو قشر انحراف پیدا کنند، مطمئن باشید که کشور و احکام اسلام به انحراف کشیده می شود. از این جهت، این کاری که شما دانشجویهای عزیز دارید و آن کار توجه به مسائل اسلامی دانشگاه [است]، از امور بسیار با اهمیت و ارزشمند است و از آن طرف بسیار با مسئولیت.

۶۱ / ۹ / ۶

* * *

برگرداندن روی خود از غرب و شرق

دانشمندان باید به طور شایسته دانش خودشان را به دانشجویان منتقل بکنند. و دانشگاه که در رأس امور هست و تقدیرات یک کشوری، مقدرات یک کشوری بسته به وجود آنهاست، باید جدیت بکنند که روی خودشان را از غرب و شرق برگردانند و به صراط مستقیم، به سوی کعبه آمال، به سوی خدای تبارک و تعالی توجه کنند و جوانان را بسازند برای آتیه این کشور.

۶۱ / ۱۰ / ۲۶

* * *

عدم گرایش به شرق و غرب در دانشگاه ها

قضیه دانشگاه از اهم امور است، همان طوری که برای دشمنان ما و برای آنها که می خواهند افکار جوانان ما را منحرف کنند هم مهم است، چون دانشگاه مرکز همه چیز است، حتی تشکیل دولت. و باید این مسأله را دنبال کنیم که دانشگاه اسلامی شود تا برای کشور ما مفید گردد. و باید سعی شود که تا دانشگاه به یکی از دو قدرت گرایش پیدا نکند، و این به صرف وقت و نظارت کامل احتیاج دارد... امیدوارم دانشگاهی داشته باشیم که به درد ملت بخورد. و برای تحقق این امر لازم است از افراد متخصص متعهد و در صورت کمبود از متخصصین غیر مخالف با جمهوری اسلامی استفاده نماییم.

۶۲ / ۷ / ۱۲

* * *

کسب علم از موضع استقلال

نباید اگر صنعتی از آنها می گیریم انگلیسی یا روسی یا امریکایی بشویم، بلکه باید مسلمان بود. البته استفاده از علوم و گرفتن آن از دیگران مانعی ندارد، ولی باید توجه داشت که از جایی علوم را بگیریم که نخواهند ما را منحرف کنند که در سابق اگر مقداری از علوم و تخصصها را به ما می دادند، می خواستند ما را از همه چیزمان منحرف نموده و مصرفی بار بیاورند.

۶۲ / ۱ / ۲۴

* * *

بریدن از خارج

امیدوارم این دانشگاه و همه دانشگاههای دیگر مراکزی شوند که هم جوانان ما را مهذب کنند و هم عالم، و آنان به صورتی تربیت شوند که از خارج بریده شده و مستقل شوند و در راه اسلام و کشورشان خدمت کنند.

۶۴ / ۴ / ۲۴

* * *

۱. ((منظور، دانشجویان است.
۲. ((صفحه ۹۰، پاورقی ۱.
۳. ((صفحه ۸۰، پاورقی ۱.

۴. ((منظور، حسین بن عبدالله بن سینا (حدود ۳۷۰-۴۲۸ ه. ق.) مشهور به «ابو علی سینا»، «شیخ الرئیس» طبیب بزرگ و حکیم بنام مشایی است که تألیفات زیادی دارد مثل: الاشارات و التنبیها، شفا، قانون و

سعادت ملت ها

دانشگاه، سرچشمه سعادت و شقاوت ملت

دانشگاه مبدأ همه تحولات است. از دانشگاه، چه دانشگاه علوم قدیمه چه دانشگاه علوم جدیده، از دانشگاه سعادت یک ملت و در مقابل سعادت، شقاوت یک ملت سرچشمه می گیرد. دانشگاه را باید جدیت کرد، جدیت بکنید دانشگاه را درستش کنید، دانشگاه را اسلامی اش کنید.

۵۸ / ۳ / ۱۶

* * *

سرنوشت ساز بودن دانشگاه

دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل، شقاوت یک ملت است. از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین بشود. دانشگاه خوب یک ملت را سعادتمند می کند. و دانشگاه غیر اسلامی، دانشگاه بد، یک ملت را به عقب می زند.

۵۸ / ۳ / ۱۶

* * *

دانشگاه سر رشته همه امور

ما اگر دانشگاهمان اداره نشود، کارمان زار است! دانشگاه، تمام مسائل به دست دانشگاه است. یعنی این دو تا قطب دانشگاه و روحانی همه مقدرات مملکت تو مشتم اینهاست. دانشگاهی، دانشجو، چه دانشجوی قدیمی، چه دانشجوی جدید، همه مسائل توی دست اینها باید حل بشود. اینها قوه متفکره یک ملت هستند. اگر دانشگاه را ما سست بگیریم و از دست ما برود، همه چیزمان از دستمان رفته است.

۵۸ / ۳ / ۲۳

* * *

دانشگاه چراغ راه هدایت ملت

سلام بر دانش و دانشگاه و دانشگاهیانی که چراغ راه هدایت و راهنمای ملت به سوی تعالی و سعادت و فضل و فضیلت می باشند. سلام بر جوانان برومندی که با سلاح علم در سرفرازی و اعتلای کشور عزیز اسلامی کوشا، و در رسیدن به هدفهای انسانی - اسلامی از هیچ زحمت و کوشش دریغ ندارند. سلام بر دانشجویان و استادانی که در سالهای طولانی اختناق با محرومیتها و شکنجه های روحی و جسمی مواجه، و با شجاعت و شهامت در مقابل استبدادها و قُلُدُریها ایستاده و تسلیم قدرتهای شیطانی نشده اند. سلام بر عزیزانی که در نهضت اسلامی و انقلاب بزرگ ملت در سخت ترین شرایط از محرومین و مستضعفین دفاع، و از تهاجم و یورش جنود ابلیسی به مراکز علم و ادب نهراسیده و با آنان با فداکاری مقابله کردند. و سلام به همه قشرهای دانشجوی، از اطفال دبستانی و جوانان دبیرستانی و دانشمندان و استادان و دانشجویان دانشگاهی سراسر کشور، که مکانهای علمی و مقدس خود را به صورتهای دژهایی مستحکم و سنگرهای شکست ناپذیر درآورده، و از استقلال و آزادی میهن عزیز خود دفاع نموده؛ و سنگرهای شیطانی را با پشتیبانی ملت بزرگ در هم شکسته؛ و دشمن خونخوار را دفن کردند.

۵۸ / ۶ / ۳۱

فساد عالم، فساد عالم

با اصلاح این دو قشر جامعه اصلاح می شود. دو قشری که *إِذَا فَسَدَ الْعَالِمُ فَسَدَ الْعَالَمُ (۱)* است. این «عالم» من نیستیم؛ شما (۲) هم هستید؛ همه مان هستیم. شما همه جزء علما هستید، که اگر چنانچه خدای نخواستہ فاسد باشید، عالم را به فساد می کشید؛ و اگر صالح باشید، عالم را به صلاح می کشید. صلاح و فساد یک جامعه به دست مریبهای - آن هست - آن جامعه هست. و آن مریبها شماها هستید و قشر روحانی. آنها به یکجور، و شما به یکجور.

۵۸ / ۳ / ۳

* * *

وابستگی سعادت کشور به دانشگاه اسلامی

دانشگاه و حوزه های علمیه و روحانیون می توانند دو مرکز باشند برای تمام ترقیات و تمام پیشرفتهای کشور. و می توانند دو مرکز باشند برای تمام انحرافات و تمام انحطاطات. از دانشگاه هست که اشخاص متفکر متعهد بیرون می آید. اگر دانشگاه، دانشگاه باشد، اگر دانشگاه واقعاً دانشگاه باشد و دانشگاه اسلامی باشد؛ یعنی در کنار

تحصیلات متحقق در آنجا، تهذیب هم باشد، تعهد هم باشد، یک کشوری را اینها می توانند به سعادت برسانند. و اگر حوزه های علمیه مُهذب باشند و متعهد باشند، یک کشور را می توانند نجات بدهند.

۵۹/۹/۲۷

* * *

بالاترین مقام در سعادت کشور

آنهایی که در زمان سابق برای این مملکت غصه می خوردند، باید خودشان را مجهز کنند که این فرزندان ایران، متعهد و در خدمت خود ایران باشند. اگر اینطور بشود، دانشگاه بالاترین مقامی است که کشور ما را به سعادت می رساند.

دانشگاه دو راه دارد: راه جهنم و راه سعادت. راه ذلت و مسکنت و نوکرمآبی و امثال اینها، و راه عظمت و عزت و بزرگمنشی. دانشگاه همین دانشگاه را تا ما داریم فایده ندارد. ما دانشگاه پنجاه سال است داریم. و از دانشگاه هر چه فساد توی این مملکت پیدا شد از این اشخاصی بود که در دانشگاه تحصیل کرده بودند، تخصص هم شاید داشتند.

۵۹/۹/۲۷

* * *

خدمت انحصاری دانشگاه

چنانچه دانشگاه ها جهت به آن داده نشود، همان دانشگاه هایی می شود که در بین بشر هست، و از همان دانشگاه ها قوای مخربه بیرون می آید. و اگر جهت به آن داده بشود، دانشگاه ها کاری می کنند که مسلسل ها نمی تواند بکند. خدمتی می توانند به بشر بکنند که هیچ کس دیگر نمی تواند اینقدر خدمت بکند. (۲۸۵)

۵۹/۱۰/۶

* * *

دانشگاه و اصلاح و فساد ملتها

از دانشگاه است که می شود یک ملتی اصلاح بشود و از دانشگاه است که می تواند یک ملتی به تباهی کشیده بشود. این دانشگاه و تربیت دانشگاهی است که جوانهای ما را یا طرف غرب می کشد یا طرف شرق می کشد و آنها را از خودشان تهی می کند و وجهه آنها را متوجه به غرب و شرق [می]کند تا اینکه یا شرق غلبه کند و تمام جهات ایران را و شرق را و تمام بلاد مسلمین را از بین ببرد یا غرب غلبه کند و همه فرهنگ و چیزهای دیگری را از ما بگیرند و به جای آن، یک مغز شرقی یا یک مغز غربی بنشانند و ملت ما را به تباهی بکشند.

۶۰ / ۳ / ۲۳

* * *

دانشگاه، مرجع اداره کشور

بالتر چیزی که دشمنهای کشورهای مستضعف و کشورهای اسلامی از طرف مخالفین با بشریت انگشت رویش گذاشتند، دانشگاه است؛ برای اینکه آنها خوب می دانند که اگر دانشگاه در خدمت آنها باشد، یعنی همه کشور در خدمت آنهاست. دانشگاه است که اداره امور کشور را می کند و دانشگاه است که تربیت نسل آینده و حاضر را می کند. و چنانچه دانشگاه در اختیار چپاولگرهای شرق و غرب باشد، کشور در اختیار آنهاست. آن قدری که دانشگاه هدف بوده است؛ جاهای دیگر نبوده است.

۶۰ / ۳ / ۲۳

* * *

سرمایه های امیدبخش کشورها

جوانان متعهد در طول تاریخ و خصوص دانشجویان مسلمان در نسل حاضر و در نسلهای آینده سرمایه های امیدبخش اسلام و کشورهای اسلامی هستند. اینانند که با تعهد و سلاح و استقامت و پایداری می توانند کشتی نجات امت اسلامی و کشورهای خود باشند. و این عزیزانند که استقلال و آزادی و ترقی و تعالی ملتها مرهون زحمات آنان است. و اینانند که هدف اصلی استعمار و استثمارگران جهانند و هر قطبی در صدد صید آنان است؛ و با صید آنان است که ملتها و کشورها به تباهی و استضعاف کشیده می شوند.

۶۰ / ۱ / ۱۲

* * *

۱. ((صفحه ۲۰، پاورقی ۱.
۲. ((منظور، اساتید دانشگاه است.

حفظ و تداوم انقلاب اسلامی

خنثی سازی تبلیغات انحرافی

سیاسیون و روشنفکران و دانشگاهیان وظیفه اسلامی و ملی خود را به جا آورند و نگذارند نهضت را به وسیله تبلیغات پر سروصدا منحرف کنند.

۵۷/۶/۲۷

* * *

تحول معنوی دانشگاه ها و حفظ نهضت

من امیدوارم که دانشگاه ما یک تبدیل معنوی پیدا بکند، یک تحول پیدا کند... این تحول که مردم شهادت را برای خودشان فوز عظیم می دانستند و می آمدند توی خیابانها به عشق اینکه شاید هم شهید بشوند، این تحول اسباب این شد که این پیروزی حاصل شد. و الآن این تحول را باید حفظش کنیم.

آن چیزی که لازم است این است که شما که در دانشگاه هستید، شما که تماس با جوانها دارید، این معنا را تذکر بدهید که این تحولی که رمز پیروزی شما بود و شما را تا اینجا رساند و این سد بزرگ شیطان را شکستید، این تحول و این نهضت را به این معنا که هست حفظش کنید.

۵۸/۴/۱۳

* * *

طرفداری از انقلاب

بر دانش آموزان، دانشگاهیان و محصلین علوم دینی است که با تمام نیرو، وحدت خویش را حفظ و از انقلاب اسلامی خود طرفداری نمایند.

۵۸/۱/۱۰

پرهیز از اختلاف

من از تمام قشرهای جوان دانشگاهی و مدارس علوم دینی و روشنفکران و دانشمندان و نویسندگان عاجزانه استدعا می کنم در این وقت حساس از هر گونه اختلاف دست برداشته و دشمن بزرگ را هدف قرار دهند. من امروز این امر را تکلیف شرعی الهی و وظیفه ملی می دانم. از خداوند تعالی وحدت کلمه ملت و عظمت اسلام و مراجع عالیقدر و پیروزی ملت مسلمان را خواستارم.

۵۸/۹/۱۵

* * *

همراهی جوانان دانشگاهی با مردم

این دانشگاه بود، جوانهای دانشگاه که آنها هم از محرومین و مستضعفین اند و این طبقه محروم جامعه بود که از همه رفاهها محروم بود، لکن قلبش مملو از عشق به اسلام و ایمان بود و با آن عشق و با آن ایمان این حرکت را دنبال کرد و شهید داد و در مقابلش چیزی مطالبه نکرد.

۶۰ / ۱ / ۱۶

* * *

نگهبانی از انقلاب اسلامی

ای جوانان عزیز، و ای دانشجویان و دانشمندان، و ای امید امروز و فرداهای امت و اسلام، امانت بزرگ استقلال و آزادی که از دام دو قطب شرق و غرب با مجاهدت و فداکاری ملت عظیم الشان ایران به دست آمده است، به شما عزیزان سپرده شده و مسئولیت بزرگی به عهده همه گذاشته است. همه ملت و خصوص دانشجویان مسلمان که رهبران آینده هستند، مسئول نگهبانی از این امانت بزرگ الهی می باشند.

مخالفان جمهوری اسلامی و ما و شما در داخل و خارج، دو قطب ابرقدرت جهانخوار و جوانان به صید کشیده شده آنان، است. دشمنهای بزرگ اسلام و مسلمانان با صیدهای خودشان و بازیخوردگان مکتبشان شمال (۱) را در خارج، و کشور شما را در داخل مورد هجوم تبلیغاتی وسیع و تسلیحاتی قرار داده و می دهند. ما در اینجا و شما در خارج باید کوشش کنیم و جوانان گول خورده خود را از دام این صیادان شیاد رهایی بخشیم. این نوجوانان بی خبر از دامهای گسترده بازیگران و سیاستبازان، آنچنان چشم و گوش بسته تسلیم آنان شده اند که تمام دروغها و تهمت‌های آنان را به مقامات جمهوری اسلامی و به پاسداران انقلاب و به مسلمانان جانباز در راه اسلام و کشور، بی چون و چرا پذیرفته و خود را در راه سران دغلكار خود که با تباهی آنان برای خود و مطامع غیرانسانی خود بهره می گیرند، فدا می کنند و چشم و گوش بسته، خون ملت دلاور و شجاع را در راه سران از خدا بی خبر و در نتیجه برای امریکای جنایتکار نثار می کنند.

شما جوانان عزیز هوشیار با دوستان داخل کشور خود دست به دست هم دهید و این نوباوگان بی خبر را ارشاد و از دام صیادان شیاد برهانید. و از وظایف دینی و ملی ما و شماست که تبلیغات بوقهای امریکایی و صهیونیستی را که با پخش دروغ و افترا می خواهند جمهوری اسلامی را لکه دار کرده و به انزوا بکشند خنثی کنیم و از جنایات شایعه سازان تا حد ممکن پرده برداریم و به ملت محروم خود که جرمی جز گرایش به اسلام و اراده استقلال و آزادی ندارند، با تمام توان کمک کنیم، و مطمئن باشیم که ملت بزرگ ایران راه خود را که همان صراط مستقیم انسانی است یافته و در تمام ابعاد با آگاهی کامل در صحنه حاضر است و اجازه برگشت قوای کفر را به کشور خود نمی دهد و با چنگ و دندان از اسلام عزیز و کشور خود دفاع می کند.

۶۰ / ۱ / ۱۲

* * *

دفاع از انقلاب با تمام توان

امروز یکی از ضروریترین تشکلهای بسیج دانشجویی و طلبه است. طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاهها باید با تمام توان خود در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند و فرزندان بسیجی ام در این دو مرکز، پاسدار اصول تغییرناپذیر «نه شرقی و نه غربی» باشند. امروز دانشگاه و حوزه از هر محلی بیشتر به اتحاد و یگانگی احتیاج دارند. فرزندان انقلاب به هیچ وجه نگذارند ایادی امریکا و شوروی در آن دو محل حساس نفوذ کنند. تنها با بسیج است که این مهم انجام می پذیرد. مسائل اعتقادی بسیجیان به عهده این دو پایگاه علمی است. حوزه علمی و دانشگاه باید چهارچوبهای اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند.

۶۷ / ۹ / ۲

* * *

قیام در مقابل انحرافات

اکنون بحمدالله تعالی دانشگاه از چنگال جنایتکاران خارج شده. و بر ملت و دولت جمهوری اسلامی است در همه اعصار، که نگذارند عناصر فاسد دارای مکتبهای انحرافی یا گرایش به غرب و شرق در دانشسراها و دانشگاهها و سایر مراکز تعلیم و تربیت نفوذ کنند و از قدم اول جلوگیری نمایند تا مشکلی پیش نیاید و اختیار از دست نرود.

و وصیت اینجانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستانها و دانشگاهها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد.

۶۸ / ۳ / ۱۵

* * *

۱. ((منظور، دانشجویان مسلمان ایرانی خارج از کشور بوده اند.

سازندگی و توسعه

دانشگاه و جهاد سازندگی

دانشجوهای عزیز، متخصصین، مهندسین و بازاری، کشاورز، همه قشرهای ملت، داوطلب برای این است که ایرانی که به طور مخروبه به دست ما آمده است بسازند. از این جهت، باید ما بگوییم یک جهاد سازندگی، موسوم کنیم این جهاد را به «جهاد سازندگی» که همه قشرهای ملت، زن و مرد، پیر و جوان، دانشگاهی و دانشجو، مهندسین و متخصصین، شهری و دهاتی، همه با هم باید تشریک مساعی کنند و این ایران را که خراب شده است بسازند.

۵۸ / ۳ / ۲۶

* * *

تربیت عالم جهت اداره مملکت

دانشگاه باید عالم درست کند نه اداری. اداری یک مسأله کوچکی است. حالا یک احتیاجی هست. البته باید برود آنجا. اما دانشگاه باید عالم درست کند. دانشگاه باید اشخاصی را درست کند که مملکت خودش را اداره کند از حیث علمیت. اداره کند از حیث فرهنگ. نه اینکه غایت آمال این باشد، یک چیزی دستش بیاید برود توی یک اداره ای بنشیند مهمل. کار هم بود، خوب بود. اما کار نیست توی ادارات. یک اداره که نمی تواند اینهمه جمعیت را بپذیرد. جز این است که بروند آنجا بودجه مملکت را ببخودى صرف بکنند، خودشان هم مهمل بار بیابند. یک قوه فعاله مهمل بار می آید و بودجه مملکت را هم از بین می برد. اینها باید اصلاح بشود. من، آخر عمرم است، اما شما جوانید. اصلاح کنید اینها را. اصلاح کنید اینها را، اگر بخواهید مستقل باشید. این چیزها را در صدد برآیید اصلاحش بکنید.

۵۸ / ۱۰ / ۱۴

* * *

تأمین آینده

باید دانشگاه خودش را مجهز کند برای اینکه جوانها را بسازد. آتیۀ این کشور را باید از حالا شما پی ریزی کنید. ما فقط به فکر خودمان و زمان حال نباید باشیم. ما باید به فکر آیندۀ کشور باشیم؛ برای اینکه اسلام است، آیندۀ اسلام باید محفوظ بماند.

۶۰ / ۹ / ۲۲

* * *

دخالت مردم در دانشگاهها

دانشگاهها باید مردم درش دخالت داشته باشند. مردم خودشان به طور آزاد باید دانشگاه داشته باشند، منتها دولت نظارت باید بکند. نظارت دولت حتمی است.

۶۵ / ۳ / ۱۹

* * *

سهیم دانشگاه در بازسازی کشور

بازسازی و سازندگی جز از طریق تعاون و همفکری میسر نیست. و این کشور متعلق به اسلام و همه ملت ایران است و همان گونه که در جنگ همه در کنار هم بودند، در صلح و سازندگی هم باید در کنار یکدیگر باشند که ان شاءالله مراکز علمی و دانشگاهی نیز در این مسأله بزرگ سهیم خواهند بود. (۳۰۱)

فصل سوم:

دانشجویان در کلام امام

مسئولیت دانشجویان نسبت به جامعه

انتظارات امام از دانشجویان

مسئولیت دانشجویان نسبت به جامعه

بیدارسازی خفتگان

بر شما (۱) جوانان روشنفکر است که از پای ننشینید تا خواب رفته ها را از این خواب مرگبار برانگیزانید؛ و با فاش کردن خیانتها و جنایتهای استعمارگران و پیروان بی فرهنگ آنها غفلت زده ها را آگاه نمایید، و از اختلاف کلمه و تفرقه و هواهای نفسانی که رأس همه فسادهاست احتراز کنید، و به خداوند تبارک و تعالی روی نیاز آورید که شما را در این راه هدایت فرماید، و با جنود فوق طبیعت کمک کند؛ إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٌ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَتَقَدَّسَ: **وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ**. (۲).

۵۱۳۴۶ . ش.

* * *

آگاه سازی ملت ها

بر شما جوانان ارزنده اسلام - که مایه امید مسلمین هستید - لازم می باشد که ملت ها را آگاه سازید و نقشه های شوم و خانمان سوز استعمارگران را برملا نمایید، در شناسایی اسلام بیشتر جدیت کنید، تعالیم مقدسه قرآن را بیاموزید و به کار بندید، با کمال اخلاص در نشر و تبلیغ و معرفی اسلام به ملل دیگر و پیشبرد آرمانهای بزرگ اسلام بکوشید. برای پیاده کردن طرح حکومت اسلامی و بررسی مسائل آن اهتمام بیشتری به خرج دهید. مذهب و مجهز شوید؛ متحد و متشکل شده و صفوف خود را فشرده تر سازید؛ هرچه بیشتر همفکر و انسان فداکار بسازید. از برملا کردن نقشه های دستگاه جبار ایران (۳) علیه اسلام و مسلمین غفلت نوزید. صدای برادران رنج دیده و مسلمان ایران را به دنیا برسانید و با آنان همدردی کنید. به وحشی گری ها، آدمکشی ها، قانون شکنی ها و دیگر جنایاتی که پیوسته در ایران جریان دارد اعتراض نمایید.

۵۱ / ۵ / ۱۷

* * *

طرد روحانی نماهای منحرف

اکنون بر نسل تحصیل کرده مسلمان و مردان روشن ضمیر آگاه است که با کوششهای همه جانبه و از هر راه ممکن، اسلام و پیشوایان اسلامی و مسئولیتهای خطیر و سنگین علمای اسلام را به ملتهای مسلمان برسانند تا مردم آگاه شوند و آن دسته از روحانی نماهای منحرف را که مستقیم و غیر مستقیم در خدمت رژیم جبار قرار گرفته اند طرد نمایند. اگر ملت اسلام به مبانی نورانی قرآن واقف گردد و به وظایف سنگین علما و پیشوایان اسلام آگاه شود، روحانی نماها و آخوندهای درباری در میان اجتماع ساقط خواهند شد. و اگر معممین

ساختگی و روحانی نماهای بی حیثیت در جامعه ساقط شده نتوانند مردم را بفریبند، دستگاه جبار هیچ گاه موفق به اجرای نقشه های شوم استعمارگران نخواهد شد.

۵۱ / ۱۲ / ۲۴

استفاده از فرصت ها

اکنون به واسطهٔ اوضاع داخلی و خارجی و انعکاس جنایات رژیم در مجامع و مطبوعات خارجی فرصتی است که باید مجامع علمی و فرهنگی و رجال وطنخواه و دانشجویان خارج و داخل و انجمنهای اسلامی در هر جا است بی درنگ از آن استفاده کنند و بی پرده به پا خیزند و به وضع حاضر و جنایات پنجاه سال حکومت غیر قانونی رژیم نوکرمآب پهلوی اعتراض کنند و صدای خود را به مجامع بین المللی برسانند و به رئیس جمهور امریکا بفهمانند که ملتهای اسلامی جنایات این خاندان را خصوصاً در سالهای اخیر از رؤسای جمهور امریکا می دانند.

۵۶ / ۵ / ۳

* * *

دفاع از اسلام و میهن

اکنون وظیفهٔ عموم مسلمانان و خصوص علمای اعلام و روشنفکران و دانشگاهی های علوم قدیمه و جدیده است که برای دفاع از اسلام عزیز و حفظ احکام حیات بخش آن، که ضامن استقلال و آزادی است، و از میهن بزرگ خود - که مهد بزرگان و آزادیخواهان بوده و اکنون در شرف سقوط است - از فرصت استفاده کنند و گفتنی ها را بگویند و بنویسند و به گوش مقامات بین المللی و سایر جوامع بشری برسانند.

۵۶ / ۸ / ۲۱

* * *

زنده نگه داشتن شعار اسلام

اکنون که ملت شجاع ایران - ایدهم الله تعالی - بر حيله های او واقف شده و آگاهانه بپاخاسته است، باید طبقات دانشمند از نویسندگان و گویندگان در هر لباس و شغلی که هستند دست در دست یکدیگر گذاشته و با قلم و بیان، جنایات بی شمار دستگاه را برای ملت بیدار ایران روشن تر کنند. باید طلاب و دانشجویان عزیز و شجاع سراسر ایران از هر فرصت استفاده کرده و شعار ضد شاهی را که شعار اسلام است زنده نگه دارند.

باید دانشمندان و دانشجویان متعهد و مسئول خارج کشور، جنایات این عنصر خطرناک را هر چه بیشتر در خارج و داخل نوشته منتشر کنند، و شخصیتهای آزادهٔ جهانی را در سراسر دنیا از ظلم و ستمی که به مردم

ایران وارد می شود آگاه کنند، و آنان رادرکمک به ملت دلیربرای نجات ایران از چنگال استعمار واستثمارجهانی بسیج نمایند.

۵۷/۵/۲۲

* * *

وظایف دانشجویان در قبال نهضت اسلامی

وظیفه ما و شما دانشجویان و دانش آموزان و طلاب علوم دینی:

اگر از استادان و دبیران و سران قوم، انحرافی از مقاصد ملی و دینی که سرنگونی رژیم پوسیده در رأس آن است دیدید، شدیداً اعتراض کنید و راه ملت را که راه خداست به آنان پیشنهاد کنید، و در صورتی که نپذیرفتند، از آنان احتراز کرده و صریحاً مقاصد منحرف آنان را برای مردم مظلوم شرح دهید؛ که اینها خائن به دین و ملت و کشورند و می خواهند شاه و اربابان او و چپاولگران بین المللی به غارتگری خود ادامه دهند و ملت را به حال فقر و عقب ماندگی نگه دارند.

طلاب علوم دینی و دانشجویان با هم روابط دوستانه و فعالانه داشته باشند، و بر اسس به دست آمدن استقلال و آزادی و خلع ید غاصبان از حقوق ملت در تمام ابعادش، به سایر طبقات ملت بیوندند...

بسیار هوشمندانه به مسائل روز نظر کنید و گول خدعه های دستگاه شاه را که با طرحهای مختلف می خواهد ایجاد نفاق کند نخورید؛ زیرا از قراری که شنیده می شود، می خواهند گروهی از دست نشانندگان و مأمورین شاه را وادار کنند و در دانشگاهها شعارهای کمونیستی بدهند تا مردم را از خطرات آن بترسانند. «حزب توده» حزب کثیف مرتبط به دستگاه شاه است و تمام شعارها و نمایشها برای سست کردن نهضت اسلامی و نجات شاه از سقوط و برقرار داشتن دستگاه چپاول و پایدار ماندن چرخهای سوء استفاده از مخازن ملت محروم است، شما دانشجویان عزیز موظفید این نقشه شیطانی را نقش بر آب کنید.

شما دانشجویان موظف هستید که از قیام حق طلبانه و مردانه قشرهای کارگر و کارمندان محروم و مسلمان ایران که به اعتصاب کشیده شده است پشتیبانی کنید. اینان مسلمانان محرومی هستند که از حق کشی رژیم شاه به تنگ آمده اند و برای احقاق حق و همگامی و همدردی با سایر برادران خود بپاخاسته اند. و همه می دانید تا رژیم فعلی سر کار است، عدالت اجتماعی و رسیدگی به حال زحمتکشان محروم، امری است که جامعه عمل به خود نمی پوشد.

۵۷/۷/۱۶

* * *

تسخیر مرکز جاسوسی و توطئه

آن مرکزی هم که جوان های ما رفتند گرفتند - آنطور که اطلاع دادند - مرکز جاسوسی و مرکز توطئه بوده است. امریکا توقع دارد که شاه را ببرد به آنجا مشغول توطئه، پایگاهی هم اینجا برای توطئه درست کنند، و جوان های ما بنشینند و تماشا کنند. ... توقع این هست که جانی دست اول ما را ببرند آنجا نگه دارند و حمایت از او بکنند، و اینجا هم مرکز توطئه درست کنند، و مرکز پخش چیزهایی که توطئه گری است درست بکنند، نمی دانم، همه چیزهایی که می خواهند بکنند، بکنند و ملت ما و جوان های ما و جوان های دانشگاهی ما و جوان های روحانی ما بنشینند تماشا کنند.

۵۸ / ۱ / ۱۴

فتح لانه جاسوسی، عملی انسانی و پاک

اینها با هر طریقی که شده است می خواهند که این نهضت را آلوده کنند. الآن - از قراری که شنیدم - راجع به این جوانهای پاکی که رفتند در این مراکز فساد، این جوانهایی که من نمی شناسمشان، لکن از عمل معلوم است که عمل انسانی بوده، پاک بوده - اشخاصی هم که می شناسند می گویند که مسلم هستند - خوب، الآن یک دسته ای از همین خرابکارها و همینهایی که سنگ ملت را به سینه می زنند، اینها را با توطئه خودشان خواهند بدنام کنند اینها را توی ملت. بگویند باید این اسناد را بیاورند، همین امروز بیاورند اینجا و الا خودشان چه جورند. آقا، اسناد امریکاست. اسناد کسی است که ورزیده شده در توطئه. مگر او این را می شود آوردش آنجا و علنی گفت که یک همچو، مگر اینطوری نوشته اند آنجا که قضیه چیست. فلان حزب با ماست. فلان جمعیت با ما. اینطوری نیست. اینها را با حروف می نویسند. یکجا نمی نویسند. اسنادش را آنی که مهم بوده است در نظر آنها، بعد از چهار - پنج ساعت، آن چند ساعتی که اینها نتوانستند به آنها دستیابی کنند، از بین بردند. یک مقدارش هم که مجال نشده، و به نظر آنها دیگر خیلی مهم نبود، باقی مانده. اینها مجال لازم دارد تا اینکه بشود کشفش کرد چه است. لکن مع ذلک مفسده جوها شروع کردند به سمپاشی، و می خواهند چهره این جوانها و چهره نورانی این جوانها را پیش ملت لکه دار کنند. ملت بیدار باشند، به این حرف مفتها گوش نکنند. اینها عمال همانها هستند. هر کسی راجع به اینها کارشکنی بخواهد بکند، می خواهند این لانه جاسوسی را از دست اینها بیرون بیاورند و اینها را پیش ملت لکه دار بکنند تا اینکه اربابانشان بتوانند باز تاخت و تاز بکنند. ملت بیدار باشند، توجه داشته باشند. به این توطئه هایی که از طرف خود آنها دارد می شود، و روابط هست بینشان و این افراد ناصالح، اینها می خواهند کاری بکنند که این به جوانهای پاکدل ما، آنها تهمت بزنند تا بین ملت یک تفرقه ای حاصل بشود، و این محل برای آنها محفوظ باشد، و آن آدم جانی هم به اینجا برنگردد. اینها الآن در فکر این معنا هستند.

۵۸ / ۱ / ۱۷

* * *

پیشگامان انقلاب

دانشجویان عزیز که پیشروان انقلاب و ان شاءالله کسانی هستند که مقدرات کشور ما بعد از این در دست آنها است، دانشجویان عزیزی که در این انقلاب همدوش همه برادران در راه اسلام قدم برداشته اند، خوش آمدند.

۵۸ / ۹ / ۲۹

* * *

اشغال لانه جاسوسی، عملی انقلابی

دانشجویان مسلمان و مبارزی که لانه جاسوسی را اشغال کرده اند با عمل انقلابی خودشان ضربه ای بزرگ بر پیکر امریکای جهانخوار وارد نمودند و ملت را سرافراز کردند.

۵۸ / ۱۲ / ۴

* * *

پیروی از راه انبیا

شما دانشجویان از همین راهی که انبیا تعیین کرده اند، راه را طی کنید. همین راه خداست؛ همین راهی که انبیا و اولیای خدا پیش پای بشر گذاشتند، این راه خداست و ما همه باید از همین راه حرکت کنیم. کسانی که دعوت بر غیر این راه بکنند طاغوتند و کسانی که مردم را برخلاف مسیر طبیعی خودشان و مسیری که فطرت آنها متوجه به اوست راهنمایی کنند، ضلالت است. من امیدوارم که معلمین در هر جا هستند، خواهران و برادران معلم، خواهران و برادران دانشجو، خواهران و برادران عالم، خودشان را دانشجو بدانند و معلم. معلم آنها را به راه راست هدایت انبیا دعوت کند و آنها هم به راه راست هدایت انبیا سفر کنند.

۵۹ / ۶ / ۹

* * *

هوشیاری در قبال مسائل دانشگاه

قشر محصلین خصوصاً دانشگاهیان، که لازم است با هوشیاری و تعهد به اسلام و خدمت به کشور مراقب اوضاع و احوال طبقات محصلین و دانشگاهیان باشند که خدای نخواستہ یکوقت این مراکز بزرگ تعلیم و تربیت به سوی مسائلی که قبلاً مبتلا بدان بودند کشیده نشود.

۶۱ / ۱۱ / ۲۲

* * *

مقابله با منحرفین

دانشجویان انقلابی موظفند با هوشیاری بدون غفلت از این مسأله مهم، به دانشگاهها و مدارس و آنان که هنوز خواب رژیم سابق را می بینند و رویه های فرهنگ شرق را در سر می پرورانند. اجازه ندهند که خارج از دروس موظف خود به صحبت های انحرافی بپردازند. و در صورتی که نصیحت برآنان اثر نداشت به شورای عالی انقلاب فرهنگی، که شکل گرفته است و انجام وظیفه میکند، اطلاع دهند و باید بدانند با مسامحه در این امر بتدریج در دانشگاهها و دبیرستانها خط انحرافی، نفوذ خواهد کرد و در پیشگاه خداوند متعال مسئول هستند.

۶۳/۹/۱۹

* * *

۱. ((پاسخ امام خمینی(س) به نامه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا.
۲. ((«و آنان که در راه ما جهد و کوشش کردند محققاً آنها را به راه خویش هدایت می کنیم و خدا یار نیکوکاران است»؛ (عنکبوت / ۶۹).
۳. ((منظور، رژیم شاهنشاهی پهلوی است.

انتظارات امام از دانشجویان

استقبال از حکومت اسلامی

دانشجویان چشمشان باز است. شما مطمئن باشید اگر این مکتب را عرضه نمایید و حکومت اسلامی را چنانکه هست به دانشگاهها معرفی کنید، دانشجویان از آن استقبال خواهند کرد. دانشجویان با استبداد مخالفند؛ با حکومتهای دست نشانده و استعماری مخالفند؛ با قلدری و غارت اموال عمومی مخالفند؛ با حرامخوری و دروغپردازی مخالفند. با اسلامی که طرز حکومت اجتماعی و تعلیم دارد، هیچ دانشگاه و دانشجویی مخالفت ندارد.

* * *

وحدت مذهبی در دانشگاه

سعی کنید در دانشگاه پرچم اسلام را بالا ببرید؛ تبلیغات مذهبی بکنید؛ مسجد بسازید؛ اجتماعاً نماز بخوانید؛ تظاهر به نماز خواندن بکنید. وحدت مذهبی لازم است. وحدت مذهبی است که این اجتماع عظیم و فشرده را ایجاد می کند. اگر علاقه به استقلال ایران دارید، وحدت مذهبی داشته باشید.

۴۳ / ۱ / ۲۱

* * *

مخالفت با طرحهای استعماری

بر جوانان دانشگاهی است که با حرارت با این طرح مفتضح (۱) مخالفت کنند؛ با آرامش و با شعارهای حساس، مخالفت دانشگاه را به ملت‌های دنیا برسانند. بر دانشجویان ممالک خارجه است که در این امر حیاتی که آبروی مذهب و ملت را در خطر انداخته، ساکت ننشینند.

۴۳ / ۱ / ۴

توجه به مکتب مترقی اسلام

من با کمال تأسف از وضع ایران، به شما دانشجویان داخل و خارج امیدوارم؛ امید روزی که کشور از لوث وجود اجانب و عمال آنها پاک شود. شما ای جوانان عزیز! یأس به خود راه ندهید، حق پیروز است... بر شما جوانان روشنفکر و دانشمند است که از اوضاع عبرت بگیرید و بر اجتماع خود افزایش دهید و از مخالفت‌های بی اساس احتراز کنید، و مکتب‌های بی اساس دیگران را کنار گذاشته، به مکتب مترقی اسلام رو آورید، و در راه حق و محو باطل دست به دست هم دهید، و مردم را از اهداف پاک اسلام با خبر کنید، و از جنایات و خیانات عمال اجانب پرده بردارید؛ و از خداوند متعال استمداد کنید، «إِنَّهُ وَلِيُّ التَّوْفِيقِ».

* * *

دفاع از اسلام

وظیفهٔ عموم مسلمانان و خصوص علمای اعلام و روشنفکران و دانشگاهیهای علوم قدیمه و جدیده است که برای دفاع از اسلام عزیز و حفظ احکام حیاتبخش آن، که ضامن استقلال و آزادی است، و از میهن بزرگ خود - که مهد بزرگان و آزادیخواهان بوده و اکنون در شرف سقوط است - از فرصت استفاده کنند و گفتنیها را بگویند و بنویسند و به گوش مقامات بین المللی و سایر جوامع بشری برسانند.

۵۶ / ۸ / ۲۱

* * *

تحصیل علم با کمال جدیت

باید چه طبقهٔ جوان روحانی و چه دانشگاهی، با کمال جدیت به تحصیل علم، هر یک در محیط خود ادامه دهند. این زمزمهٔ بسیار ناراحت کننده که اخیراً بین بعضی جوانان شایع شده که درس خواندن چه فایده ای دارد، مطلبی است انحرافی و مطمئناً یا از روی جهالت و بیخبری است و یا با سوءنیت و از القائات طاغوتی شیطانی است که می خواهند طلاب علوم دینی را از علوم اسلامی باز دارند که احکام اسلام به طاق نسیان سپرده شود و محو آثار دیانت به دست خودمان تحقق پیدا کند، و جوانان دانشگاهی ما را انگل و متکی به قشرهای استعماری بار بیاورند که همه کس چون همه چیز وارداتی باشد و احتیاج به اجنبی در تمام ابعاد و رشته های علمی هر چه بیشتر روزافزون شود؛ و این خطر بزرگی است که کشور را هر چه بیشتر به عقب می راند. اگر علوم اسلامی مردانی متخصص نداشت، تا کنون آثار دیانت محو شده بود؛ و اگر پس از این نداشته باشد، این سد عظیم مقابل اجانب منهدم می شود و راه برای استثمارگران هر چه بیشتر باز می شود و اگر دانشگاهها خالی از مردانی دانشمند و متخصص شوند، اجانب منفعت طلب چون سرطان در تمام کشور ریشه دوانده و زمام امور اقتصادی و علمی ما را در دست می گیرند و سرپرستی می کنند. باید جوانان با این فکر غلط استثماری مبارزه کنند؛ و بهترین و مؤثرترین مبارزه با اجنبی، مجهز شدن به سلاح علم دین و دنیاست. و خالی کردن این سنگر و دعوت به خلع این سلاح، خیانت به اسلام و مملکت اسلامی است.

۵۶ / ۱۱ / ۲۴

* * *

التزام به احکام اسلام

باید جوانان روحانی و دانشگاهی قسمتی از وقت را صرف کنند در شناخت اصول اساسی اسلام که در رأس آن توحید و عدل و شناخت انبیای بزرگ، پایه گذاران عدالت و آزادی است، از ابراهیم خلیل تا رسول خاتم - صلی الله علیه و آله و علیهم اجمعین - و در شناخت طرز تفکر آنها از نقطه اقصای معنویت و توحید تا تنظیم جامعه و نوع حکومت و شرایط امام و اولی الامر و طبقات دیگر، از امرا و ولات و قضات و فرهنگیان که علما هستند و متصدیان مالیات اسلامی و شرایط آنها تا برسد به شرطه و کارمندان شهربانی؛ و ببینند اسلام چه کسانی را برای حکومت و کارمندان آن به رسمیت شناخته و چه کسانی از شغل حکومت و شاخه های آن مطرود است.

باید شما دانشجویان دانشگاهها و سایر طبقات روحانی و غیره از دخالت دادن سلیقه و آرای شخصی خود در تفسیر آیات کریمه قرآن مجید و در تأویل احکام اسلام و مدارک آن جداً خودداری کنید، و ملتزم به احکام اسلام به همه ابعادش باشید. و مطمئن باشید آنچه صلاح جامعه است، در بسط عدالت و رفع ایادی ظالمه و تأمین استقلال و آزادی و جریانات اقتصادی و تعدیل ثروت به طور عاقلانه و قابل عمل و عینیت، در اسلام به طور کامل می باشد و محتاج به تأویلات خارج از منطق نیست. و لازم است مراقب باشید با کمال دقت و هوشمندی که کسانی که التزام به اسلام ندارند به جمیع ابعادش ولو در اصلی از اصول با شما موافق نیستند، آنها را دعوت به التزام کنید؛ و اگر مؤثر نشد از شرکت دادن آنها در اجتماعات و انجمنهای اسلامی احتراز کنید. و گمان نکنید زیادی افراد هر چه باشد شما را به هدف نزدیک می کند و پس از وصول به هدف، آنها قابل تصفیه هستند. باید بدانید و می دانید که قشرهای غیرمسلم یا غیرملتزم به اسلام، از پشت به شما خنجر می زنند و شما را قبل از وصول به هدف از کار می اندازند یا نابود می کنند. از تجربه های سابق عبرت بگیرید.

۵۶ / ۱۱ / ۲۴

* * *

برخورد با استادان منحرف

ای فرزندان ایران! پیوندتان را با ملت بزرگمان که تنها می خواهد روی پای خود بایستد و هیچ گونه گرایشی به شرق و غرب نداشته باشد، و به همین مناسبت مورد هجوم چپ و راست قرار گرفته است و هر روز شاهد کشتار دسته جمعی آنان به دست شرق و غرب هستیم، مستحکمتر کنید، و با شعار واحد توحیدی، دست جباران و غارتگران بین المللی را از مخازن غنی خود کوتاه کنید، و با دست یافتن به مخازن بزرگ و کوتاه کردن دست زمامداران، کرسی نشینان خیانتکار، با همت ملت بزرگ به اداره کشور بپردازید؛ و سرمایه های عظیمی که امروز به دست دزدهای غارتگر بین المللی و دودمان پهلوی و بستگان آنان و هیأت حاکمه و دیگران تباه می شود، در

راه صلاح و خیر ملت و مملکت به کار اندازید. بساط هرج و مرج و اسراف و هرزه گریها را به برکت حکومت اسلامی درهم پیچید و کشور خود را نجات دهید. و به خدای بزرگ اتکال کنید که نگهدار و معین شماست. ...

اگر از استادان و دبیران و سران قوم، انحرافی از مقاصد ملی و دینی که سرنگونی رژیم پوسیده در رأس آن است دیدید، شدیداً اعتراض کنید و راه ملت را که راه خداست به آنان پیشنهاد کنید، و در صورتی که نپذیرفتند، از آنان احتراز کرده و صریحاً مقاصد منحرف آنان را برای مردم مظلوم شرح دهید؛ که اینها خائن به دین و ملت و کشورند و می خواهند شاه و اربابان او و چپاولگران بین المللی به غارتگری خود ادامه دهند و ملت را به حال فقر و عقب ماندگی نگه دارند.

۵۷/۷/۱۶

* * *

حفظ انسجام

متفکرهای ما، روشنفکرهای ما، همه دانشجویان و دانشگاهیان، بدانند که نقشه این است و آثارش را ما داریم می بینیم. این گروه گروه شدنها برای همین است که نگذارند این انسجامی که بوده حفظ شود. می خواهند نگذارند مردم بیدار بشوند و راه خودشان را پیدا کنند؛ همان راهی را که اسلام دستور داده که همه با هم باشید. خداوند **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (۱)** را بر مردم واجب کرده. همه با هم باشید و تفرق در کار نباشد. با تفرق همه فسادها هست. و با تمسک به خداوند همه صلاح و سعادتها هست.

خداوند ان شاءالله همه شما را و همه ما را و همه ملت را بیدار کند. و همه ما در راه اسلام و در راه استقلال مملکت و در راه حقیقت و آزادی قدم بردارد و این نهضت را به آخر برسانیم.

۵۸/۴/۶

* * *

تزکیه نفس

برای شما مهم در دانشجویی و در دانشیاری و در استادی و در شاگردی و در تربیت [و] در علم این است که یک تربیت صحیح همراه علم باشد. عالم تربیت شده به تربیت انسانی، که همان تربیت اسلامی است. کوشش کنید که هر قدمی که برای علم برمی دارید، برای عمل ظاهری و برای اعمال باطنی، ایجاد تقوا در خودتان، ایجاد استقامت، امانت در خودتان بکنید که وقتی از دانشگاه ان شاءالله بیرون می آید یک انسانی باشید که هم معلومات داشته باشید و هم امانتدار باشید. برای معلوماتتان، هم امانتدار باشید و هم تزکیه نفس کرده باشید؛ نفس خودتان را مهار کرده باشید. نفس انسان سرکش است. و سرکشی آن انسان را به زمین می زند. همان

طوری که اگر انسان سوار یک اسب سرکش باشد و مهار نداشته باشد این اسب سرکش انسان را به هلاکت می رساند، نفس انسان بدتر از هر سرکشی است. سرکشی نفس، انسان را به هلاکت می رساند. هر قدمی که برای تعلیم و تعلم برمی دارید، همراه آن قدم، قدمی باشد برای مهار کردن نفستان که از این سرکشی که دارد و آزادی که برای خودش فرض می کند که هیچ مهاری در کار نباشد؛ خودتان مهار کنید نفس خودتان را... اینطور نباشد که تعلم باشد، شما در طرف علوم طبیعی و این طایفه هم در طرف علوم فقهی و الهی، دقایق علوم را بررسی کنید، لکن از آن جهالاتی که در نفس است و از آن سرکشیهایی که در نفس است غفلت نکنید. اگر غفلت نکنید، هر قدمی که در علم بردارید از انسانیت دور شده اید؛ هر دورتر. انسانیت یک راه مستقیمی است، یک راه مستقیم که اگر از این ور کسی برود مُعْوَج است و برخلاف انسانیت است؛ اگر از آن ور هم برود برخلاف است و آن کسی که اعوجاج پیدا کرد و راه مستقیم نرفت، هر چه پیش برود دور می شود از راه انسانیت. مثل این می ماند که یک خط مستقیم بکشید، دو خط اینطور، هر چه این خط جلوتر برود، از خط مستقیم دور می شود.

هر چه درس بخوانید و بخوانیم، اگر چنانچه به راه مستقیم نباشیم و مهار نکنیم معلومات خودمان را و مهار نکنیم نفس خودمان را و در این راه مستقیم نکشیم نفس را، هر چه معلومات زیادتر بشود، از انسانیت، انسان دورتر می شود و مشکلتر می شود انسان خودش را برگرداند.

شما که الآن جوان هستید قوای جوانی را الحمدلله دارید و مبتلای به سستیهای پیری نشدید، زود می توانید خودتان را اصلاح کنید. خیال نکنید که بگذاریم آخر عمر، آن وقت توبه نکنیم. آخر عمر توبه ممکن نیست برای آدم، اگر از اول عمر دنبال قضیه نباشد، خودش، خودش را نسازد، آخر عمر دیگر نمی تواند؛ قوای شیطانی در انسان ریشه کرده و قوی شده و قوه خود آدم، ضعیف شده و اراده اش ضعیف شده و کاری از او نمی آید.

جوانها قدر جوانیشان را بدانند که صرف کنند در علم و در تقوا و در سازندگی خودشان که اشخاص امین صالح بشوند که مملکت با اشخاص امین صالح می تواند مستقل باشد. همه این پیوستگیهایی که ما به خارج پیدا کردیم دنبال این بود که ما رجال صالح نداشتیم. آن وقت اگر رجال صالحی بودند، کنار بودند؛ کنار گذاشته بودند. آنهایی که در میدان بودند رجال صالح نبودند، دانشمند هم بودند، اما رجال صالح نبودند، به درد مملکت نمی خوردند! و آنها بودند که ما را پیوسته به خارج کردند و سالهای طولانی مملکت ما در حلقوم خارجیها منافعش فرو رفت؛ و به ما آن کردند که الآن می بینید که هیچ نداریم. شماها ذخایر این مملکت هستید، جوانید، دانشجو هستید، ذخیره این مملکت هستید، طوری بکنید که این ذخیره ها برای مملکتان مفید واقع بشود و خودتان را اصلاح بکنید تا ان شاءالله یک انسانهای متعهد صحیح العمل امین؛ کشورتان دست خودتان و

خودتان اداره اش بکنید. آدم امین را هیچ کس نمی تواند مُعَوَّجَش کند. اشخاصی که اعوجاج دارند اینها امانت ندارند؛ اینها صلاحیت ندارند.

۵۸ / ۴ / ۱۷

* * *

مقابله با منحرفان و تفرقه افکنان

آنچه کراراً تذکر داده ام، و رمز پیروزی است؛ اتحاد گروههای دانشجویی و تشکیل یک گروه اسلامی - ملی است در مقابل منحرفان که کوشش دارند تفرقه بیفکنند، و شما جوانان عزیز را - که امید کشور هستید و سعادت و ترقی میهن بسته به فعالیت شماست - به تباهی بکشند و نگذارند در راه تعالی کشور قدم بردارید، و به علم و ادب - که مایه پیشرفت و رهایی از استعمار و استثمار نو و کهنه است - اشتغال پیدا کنید. و باید بدانید اختلاف و تفرقه سرچشمه تمام بدبختیها و اسارتهاست. ممکن است عناصر فاسدی در دانشگاه و سایر مدارس در بین جوانان ما نفوذ کنند و با برنامه ای حساب شده تفرقه افکنی کنند. لازم است با هوشیاری آنان را شناسایی کنید و بشناسانید، که جوانان عزیز ما از توطئه آنان مطلع شوند، و در راه خنثی نمودن آن کوشا شوند.

۵۸ / ۶ / ۳۱

* * *

خودیابی و خودباوری

شما دانشجویهای عزیز خودتان در صدد این باشید که از غرزدگی بیرون بیایید. این گمشده خودتان را پیدا کنید. گمشده شما خودتان هستید. شرق خودش را گم کرده و شرق باید خودش را پیدا بکند. آنها در صدند که با هر ترتیب شده است خودشان را به ما تحمیل کنند، و شما باید مقاومت کنید. شمایی که می خواهید مستقل باشید، می خواهید آزاد باشید، می خواهید خودتان سرپای خودتان ایستاده باشید، باید همه قشرها در این مملکت، همه قشرها بنای بر این بگذارند که خودشان باشند.

۵۸ / ۱۰ / ۱۲

* * *

نرفتن به راه اشتباه

طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه ها باید دقیقاً روی مبانی اسلامی مطالعه کنند و شعارهای گروه های منحرف را کنار گذارند و اسلام عزیز راستین را جایگزین تمام کج اندیشیها نمایند. این دو دسته باید بدانند اسلام خود مکتبی است غنی که هرگز احتیاجی به ضمیمه کردن بعضی از مکاتب به آن نیست. و همه باید

بدانید که التقاطی فکر کردن خیانتی بزرگ به اسلام و مسلمین است که نتیجه و ثمره تلخ این نوع تفکر در سالهای آینده روشن می گردد. با کمال تأسف گاهی دیده می شود که به علت عدم درک صحیح و دقیق مسائل اسلامی، بعضی از این مسائل را با مسائل مارکسیستی مخلوط کرده اند و معجونی بوجود آورده اند که به هیچ وجه با قوانین مترقی اسلام سازگار نیست. دانشجویان عزیز! راه اشتباه روشنفکران دانشگاهی غیرمتعهد را نروید و از مردم خود را جدا نسازید.

۵۹/۱/۱

* * *

استفاده از کتب استاد مطهری

اکنون شنیده می شود که مخالفین اسلام و گروههای ضد انقلاب درصدد هستند که با تبلیغات اسلام شکن خود دست جوانان عزیز دانشگاهی ما را از استفاده از کتب این استاد فقید کوتاه کنند. من به دانشجویان و طبقه روشنفکران متعهد توصیه می کنم که کتابهای این استاد عزیز را نگذارند با دسیسه های غیر اسلامی فراموش شود. از خداوند متعال توفیق همگان را خواهانم.

۵۸/۱۲/۲۷

* * *

پر کردن مساجد

شما دانشگاهی ها، شما دانشجویها، همه تان مساجد را بروید پر کنید. سنگر است اینجا. سنگرها را باید پر کرد.

۵۹/۳/۱۴

* * *

تقویت ایمان خویش

کوشش کنید که در این دانشکده ها و دانشگاهها که هستید، ایمان را در خودتان تقویت بکنید. ایمانی که هم در اینجا شما را شرافتمند می کند و هم در پیشگاه حق آبرو دارید و با آبرومندی وارد می شوید به حق تعالی.

۵۹/۳/۱۵

مغز متفکر ملت

این محفل، (۳) محفل معلم و دانشجوست؛ دو گروهی که اگر اصلاح بشوند، یک مملکت را اصلاح می کنند و اگر - خدای نخواست - در غیر این معنا باشند، کشورها به تباهی کشیده می شوند. مقام معلّم و مقام دانشجو، که باید مغز متفکر یک ملت را تشکیل بدهد، از اموری است که باید به آن توجه زیاد بشود و وظیفه معلّم و دانشجو

مشخص باشد تا ان شاءالله ، بر آن طریقی که اسلام می خواهد و مقام انسانیت اقتضا می کند، از همان طریق راه بروند و طیّ مقامات رابکنند و به آنجایی برسند که انسان شوند.

۵۹/۶/۹

* * *

تداوم دهنده راه انقلاب

شما جوانان دانشجو و جوانان عزیزی که از هر جا آمده اید، امید این ملت هستید که باید این راهی را که فرا راه شما گذاشته شده است به آخر برسانید. و این نهضتی را که در راه او آن همه جانفشانی شده است، ادامه بدهید. و این صراط مستقیمی را که انبیا جلو راه بشر گذاشتند و نبی اکرم آخرین انبیا و اشرف همه، آن راه را جلو مردم گذاشتند، و مردم را دعوت به این صراط مستقیم کردند و هدایت کردند به راه انسانیت و خروج از همه انحای کفر و الحاد و خروج از همه ظلمات به نور مطلق، باید شما جوانها همان راه را ادامه دهید تا اینکه پیرو رسول اکرم و در مکتب حضرت صادق پیروانی شایسته باشید.

۵۹/۱۱/۲

* * *

برخورد با منحرفین

دانشگاه که باز شده است، بدانند این جوانها که دستها ممکن است در کار باشد که باز مسائل را طور دیگری کنند و شماها را منحرف کنند. همان دفعه اولی که شما از یک استاد یا از یک دانشجو یک چیز انحرافی دیدید، همان دفعه اول گزارش بدهید تا جلویش گرفته بشود.

۶۱/۹/۲۸

* * *

کوشش برای اعتلای کشور

امروز که کشور از استقلال شایسته برخوردار است و قید و بند غرب و شرق و غربزدگان و شرقزدگان از کشور و دانشگاه گسسته شده است، جوانان عزیز دانشگاهی هرچه بیشتر در کسب علوم و فنون در اعتلای کشور معظم خود کوشش نمایند؛ و از نفوذ عناصر منحرف و وابسته به چپ و راست قاطعانه جلوگیری کنند، و نگذارند محیط مقدس دانشگاه آلوده به اغراض منحرفان و وابستگان به اجانب گردد. و اگر انحراف و گرایشی به شرق و غرب خدای نخواست از اساتید یا دانشجویان مشاهده کردند، به ستاد فرهنگی اطلاع دهند، و در رفع آن با ستاد همراهی لازم را بنمایند.

دخالت در امور سیاسی

در دانشگاه بعضی از اشخاص رفته اند گفته اند که دخالت در انتخابات، دخالت در سیاست است و این حق مجتهدین است. تا حالا می گفتند که مجتهدین در سیاست نباید دخالت بکنند، این منافی با حق مجتهدین است، آنجا شکست خورده اند حالا عکسش را دارند می گویند. این هم روی همین زمینه است، اینکه می گویند انتخابات از امور سیاسی است و امور سیاسی هم حق مجتهدین است هر دویش غلط است. انتخابات سرنوشت یک ملت را دارد تعیین می کند. انتخابات بر فرض اینکه سیاسی باشد و هست هم، این دارد سرنوشت همه ملت را تعیین می کند، یعنی آحاد ملت سرنوشت زندگیشان در دنیا و آخرت منوط به این انتخابات است. این اینطور نیست که انتخابات را باید چند تا مجتهد عمل کنند. این معنی دارد که مثلاً یک دویست تا مجتهد در قم داشتیم و یک صد تا مجتهد در جاهای دیگر داشتیم، اینها همه بیایند انتخاب کنند، دیگر مردم بروند کنار؟! این یک توطئه ای است که می خواهند همان طوری که در صدها سال توطئه شان این بود که باید روحانیون و مذهب از سیاست جدا باشد و استفاده های زیاد کردند و ما ضررهای زیاد از این بردیم، الآن هم گرفتار ضررهای او هستیم. حالا دیدند آن شکست خورد، یک نقشه دیگر کشیدند، و آن این است که انتخابات حق مجتهدین است، انتخابات یا دخالت در سیاست حق مجتهدین است. دانشگاهیها بدانند این را که همان طوری که یک مجتهد در سرنوشت خودش باید دخالت کند، یک دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند. فرق مابین دانشگاهی و دانشجو و مثلاً مدرسه ای و اینها نیست، همه شان با هم هستند. اینکه در دانشگاه رفتند و یک همچو مطلبی را گفتند، این یک توطئه ای است برای اینکه شما جوانها را مایوس کنند.

بیدار باشید! توجه کنید! اینها با توطئه هایشان می خواهند کار را انجام بدهند، نمی توانند با دخالت نظامی کار بکنند، اینها می خواهند با شیطنتهایشان کار خودشان را انجام بدهند. آن وقت شیطننت این بود که سیاست از مذهب خارج است و بسیار ضرر به ما زدند و ما بسیار ضرر خوردیم و آنها هم بسیار نفع بردند. این مطلب شکست خورده. حالا می گویند که سیاست حق مجتهدین است یعنی، در امور سیاسی در ایران پانصد نفر دخالت کنند، باقیشان بروند سراغ کارشان. یعنی مردم بروند سراغ کارشان، هیچ کار به مسائل اجتماعی نداشته باشند، و چند نفر پیرمرد ملاً بیایند دخالت بکنند. این از آن توطئه سابق بدتر است برای ایران. برای اینکه، آن یک عده از علما را کنار می گذاشت، منتها به واسطه آنها هم یک قشر زیادی کنار گذاشته می شوند، این تمام ملت را می خواهد کنار بگذارد. یعنی نه اینکه این می خواهد مجتهد را داخل کند، این می خواهد مجتهد را با

دست همین ملت از بین ببرد. باید دانشگاهیها متوجه باشند که اگر چنانچه افرادی در دانشگاه هستند که شیطنت دارند می کنند، اینها را باید توجه کنند که گول اینها را نخورند. خودشان دخالت در امور انتخابات بکنند. انتخابات سرنوشت حتی شمایی که در آنجا هستید را تعیین می کند.

۶۲/۱۲/۹

* * *

جلوگیری از نفوذ عناصر انحرافی به دانشگاه ها

اکنون بحمدالله تعالی دانشگاه از چنگال جنایتکاران خارج شده. و بر ملت و دولت جمهوری اسلامی است در همه اعصار، که نگذارند عناصر فاسد دارای مکتبهای انحرافی یا گرایش به غرب و شرق در دانشسراها و دانشگاهها و سایر مراکز تعلیم و تربیت نفوذ کنند و از قدم اول جلوگیری نمایند تا مشکلی پیش نیاید و اختیار از دست نرود. و وصیت اینجانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستانها و دانشگاهها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد.

۶۱/۳/۱۵

* * *

۱. ((اشاره به تصویب طرح ذلت بار کاپیتولاسیون.
۲. ((صفحه ۱۱۳، پاورقی ۱.
۳. ((در این دیدار دانشجویان پاکستانی و معلمین ایرانی حضور داشته اند.

دانشجویان مسلمان، رهبران آینده

بسم الله الرحمن الرحيم

انجمن اسلامی دانشجویان در امریکا و کانادا

خواهران و برادران عزیز، پیام سرتاسر تعهد به اسلام و ارزشهای انسانی شما واصل شد. از سوابق فعالیت و زحمات شما عزیزان آگاهی دارم و تشکر و تقدیر خود را به شما تقدیم می‌کنم.

جوانان متعهد در طول تاریخ و خصوص دانشجویان مسلمان در نسل حاضر و در نسلهای آینده سرمایه‌های امیدبخش اسلام و کشورهای اسلامی هستند. اینانند که با تعهد و سلاح و استقامت و پایداری می‌توانند کشتی نجات امت اسلامی و کشورهای خود باشند. و این عزیزانند که استقلال و آزادی و ترقی و تعالی ملت‌ها مرهون زحمات آنان است. و اینانند که هدف اصلی استعمار و استثمارگران جهانند و هر قطبی در صدد صید آنان است؛ و با صید آنان است که ملت‌ها و کشورها به تباهی و استضعاف کشیده می‌شوند.

و اکنون ای جوانان عزیز، و ای دانشجویان و دانشمندان، و ای امید امروز و فرداهای امت و اسلام، امانت بزرگ استقلال و آزادی که از دام دو قطب شرق و غرب با مجاهدت و فداکاری ملت عظیم الشان ایران به دست آمده است، به شما عزیزان سپرده شده و مسئولیت بزرگی به عهده همه گذاشته است. همه ملت و خصوص دانشجویان مسلمان که رهبران آینده هستند، مسئول نگرهبانی از این امانت بزرگ الهی می‌باشند.

مخالفان جمهوری اسلامی و ما و شما در داخل و خارج، دو قطب ابرقدرت جهان‌خوار و جوانان به صید کشیده شده‌اند، آنان، است. دشمنهای بزرگ اسلام و مسلمانان با صیدهای خودشان و بازیخوردگان مکتبشان شما را در خارج، و کشور شما را در داخل مورد هجوم تبلیغاتی وسیع و تسلیحاتی قرار داده و می‌دهند. ما در اینجا و شما در خارج باید کوشش کنیم و جوانان گول خورده خود را از دام این صیادان شیاد رهایی بخشیم. این نوجوانان بی‌خبر از دامهای گسترده بازیگران و سیاست‌بازان، آنچنان چشم و گوش بسته تسلیم آنان شده‌اند که تمام دروغها و تهمتهای آنان را به مقامات جمهوری اسلامی و به پاسداران انقلاب و به مسلمانان جانباز در راه اسلام و کشور، بی‌چون و چرا پذیرفته و خود را در راه سران دغلكار خود که با تباهی آنان برای خود و مطامع غیرانسانی خود بهره می‌گیرند، فدا می‌کنند و چشم و گوش بسته، خون ملت دلاور و شجاع را در راه سران از خدا بی‌خبر و در نتیجه برای امریکای جنایتکار نثار می‌کنند.

شما جوانان عزیز هوشیار با دوستان داخل کشور خود دست به دست هم دهید و این نوباوگان بی‌خبر را ارشاد و از دام صیادان شیاد برهانید. و از وظایف دینی و ملی ما و شماست که تبلیغات بوقهای امریکایی و صهیونیستی را که با پخش دروغ و افترا می‌خواهند جمهوری اسلامی را لکه دار کرده و به انزوا بکشند خنثی کنیم و از جنایات شایعه‌سازان تا حد ممکن پرده برداریم و به ملت محروم خود که جرمی جز گرایش به اسلام

و اراده استقلال و آزادی ندارند، با تمام توان کمک کنیم، و مطمئن باشیم که ملت بزرگ ایران راه خود را که همان صراط مستقیم انسانی است یافته و در تمام ابعاد با آگاهی کامل در صحنه حاضر است و اجازه برگشت قوای کفر را به کشور خود نمی دهد و با چنگ و دندان از اسلام عزیز و کشور خود دفاع می کند؛ و بحمد الله و با خواست خداوند قادر، جنگ افروزان را به جای خود می نشاند و تبهکاران وابسته را به انزوا می کشاند، و مشکلات خود را هر چه باشد با همت والای خود از سر راه جمهوری اسلامی بر می دارد و در جمیع جبهه ها پیروزمندانه به پیش می رود، و با اتکال به خدای بزرگ و اعتماد به نفس، از هیچ قدرتی هراس ندارد.

انقلاب اسلامی ایران با تأیید خداوند منان در سطح جهان در حال گسترش است، و ان شاء الله با گسترش آن، قدرتهای شیطانی به انزوا کشیده خواهند شد و حکومت مستضعفان برپا و زمینه برای حکومت جهانی مهدی آخر الزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارواحنا لتراب مقدمه الفداه - مهیا خواهد شد.

هان ای مستضعفان جهان، بر مستکبران آدمخوار بشورید و حق خود را از آنان بگیرید که خداوند با شماست و وعده او تخلف ناپذیر است. از خداوند قادر متعال پیروزی اسلام را خواهیم.

سلام بر شهدای راه اسلام و بر همه مسلمانان جهان، و درود بر رزمندگان عزیز ایران زمین، و سلام بر شما جوانان دانشجوی انجمن اسلامی در امریکا و کانادا و سایر نقاط جهان که به وظایف انسانی - اسلامی خود در مرکز حکومت طاغوت و شیطان عمل می کنید و در مهد قدرت آنان به خود هراسی راه نمی دهید. مرگ و نفرت بر جهانخواران شرق و غرب خصوصاً امریکای جنایتکار.

۶۰ / ۱ / ۱۲

* * *

این تنها بخشی از کتاب دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی (ره) که توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) استخراج و تنظیم شده و توسط مؤسسه چاپ و نشر عروج به چاپ رسیده، می باشد. جهت مطالعه می توانید اصل کتاب را از کتابفروشی های سراسر کشور تهیه نمایید یا جهت مطالعه آنلاین کتاب به سایت www.imam-khomeini.ir بخش کتابخانه مراجعه فرمایید.